

قنبرعلی صمدی

سیره امام مهدی (عج)





بسم الله الرحمن الرحیم

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصرظهور

نویسنده:

قنبرعلی صمدی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه : صمدی، قنبرعلی، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : سیره امام مهدی عج ا الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور/قنبرعلی صمدی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص.؛ ۲۱×۱۴/۵ س م.

شابک : ۸۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۶-۳

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۶۳ - ۲۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- فضایل

رده بندی کنگره : BP۵۱/۳۵/ص۸س۹ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۴۱۹۶۶

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحیم

ص: ۳

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصرظهور

تحقیق و تنظیم: قنبرعلی صمدی

۲۳/۱/۹۳

سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مؤلف: قنبر علی صمدی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

صفحه آرا: داوود هزاره

طراح جلد: هادی معزی

نوبت چاپ: اول/ تابستان ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸۰۰۶۰۲۱۱۷۶۱۳

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

*قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/ همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶))/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

*تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

m www.mahdi۳۱۳.com

m www.mahdaviat.ir

m info@mahdaviat.ir

m Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

بر اساس روایات، سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، همان سیره و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجداد طاهرینش علیهم السلام می باشد و اگر در برخی روایات، از تفاوت ها میان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام سخن به میان آمده است، ناظر به تفاوت در مقام اجرا و متفاوت بودن شرایط عصر ظهور با دوران صدر اسلام و عصر غیبت است، زیرا اجداد طاهرینش بنا به مصالحی، رویه مماشات را در پیش می گرفتند و در برخی موارد بر اساس حکم ثانوی و تقیه عمل می کردند، امّا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل مبسوط الید بودن و عدم موانع، حکم واقعی را به اجرا می گذارد. از این رو، اصول و روش آن حضرت، همگون با سیره جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و برنامه های دولت آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق بخش همه جانبه آموزه های وحیانی قرآن و احیای سنّت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

بنابراین، همان گونه که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام برای همگان الگو و حجّت است، سیره عملی آخرین حجّت الاهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی، اسوه حسنه و الگوی آموزنده برای همه انسان های عدالت خواه و کمال

طلب شمرده می شود. در روایات، ابعاد الگوپذیری از سیره و روش رفتاری آن حضرت در عرصه های مختلف بیان شده است.

در عرصه دیانت، سیره دینی و مأموریت الاهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرای کامل احکام، قوانین و ارزشهای متعالی دین اسلام است؛ احکام و برنامه های نجات بخش و سعادت آفرینی که قبل از آن هیچ گاه زمینه و فرصت تحقق کامل نیافته است، امّا در عصر ظهور، خداوند به برکت وجود ایشان شرایط را برای اجرای کامل آموزه های حیات بخش دین در سطح جهان مهیّا می کند. با ظهور آخرین ذخیره الاهی، آموزه های وحیانی قرآنی و احکام فراموش شده دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهلبیت علیهم السلام دو باره احیا می گردد. پیرایه ها، بدعت ها و تحریفات از چهره دین زدوده و اسلام حقیقی با تفسیر معصومانه آن حضرت، دگر بار برای بشریت عرضه می شود تا همه بشریّت از آثار و برکات بی شمار حاکمیت دین الاهی بهره مند گردد.

در عرصه سیاست و حکومت، سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر تأمین سعادت و کرامت جامعه می باشد؛ حقیقت سیاست در نظام مهدوی، همان سرپرستی و ولایت مطلق امام معصوم علیهم السلام بر قلب، فکر، رفتار و روابط اجتماعی انسان ها در عصر ظهور می باشد؛ از این رو، سیاست مهدوی، سیاست دین مدار، عدالت پیشه، جامعه پذیر، امنیت گرا و جهان شمول است.

در عرصه قضایی، بر اساس سنّت جدش و نیز سیره انبیای پیشین همانند داوود و سلیمان علیه السلام داوری خواهند کرد و تمام توان مدیریت

قضایی نظام مهدوی را در جهت اجرای کامل قوانین دین خدا و تحقق احکام و دستورات معطّل مانده اسلام به کار خواهند بست.

در عرصه مبارزه و جهاد، با کانون های ظلم و کفر، قاطعانه مقابله کرده و موانع رشد مادی و معنوی جامعه را از بین خواهند برد. در این مبارزه قهر آمیز، حضرت کار معاندان و سران کفر را برای همیشه یک سره خواهند کرد؛ به گونه ای که دشمنان لجوج و معاند را از سر راه بر داشته و بساط کفر و نظام های طاغوت را از جامعه بشری ریشه کن خواهند کرد.

در عرصه مدیریت و کشور داری، سیره مدیریتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس عمل به تکالیف الاهی و تحقق بخشی عدالت محض در جامعه استوار است؛ در این راستا، حضرت با اشراف و نظارت بر دستگاه های اجرایی و کارکردهای مسؤولان حکومتی، جریان امور را مدیریت می کند. برکارگزاران نظام، سخت گیری می کند تا لغزش و انحرافی در نظام اداری حکومت عدالت محور، رخ ندهد و به کسی ذره ای ستم نرود و حقی از کسی ضایع نشود. مدیران حکومت به پیروی از امام و رهبر خویش، در کارهای نیک، پیشگام اند و در خدمت گذاری به مردم از همدیگر سبقت می گیرند، صداقت و مهرورزی آنان سبب محبوبیت مثال زدنی نظام مهدوی در میان مردم می شود.

در عرصه علوم و فن آوری، جامعه عصر ظهور، به شکوفایی و جهش حیرت انگیز علمی، به پیشرفت های خارق العاده دست می یابد و در پرتو عنایت ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل و خرد بشر فزونی پیدا

می کند و به رشد و بالندگی عقلانی نائل می شوند.

در بخش اقتصاد و معیشت، زیرساخت های اقتصادی جامعه در عرصه صنعت، کشاورزی، معادن و...توسعه شگرفی می یابد، شهرها آباد و مزارع سرشار از محصول می شود، درهای نزول رحمت از آسمان گشوده و مواهب بی پایان زمین پدیدار می گردد و همه ثروت های جهان در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرد. با مدیریت اقتصادی حضرت، سیستم تولید و توزیع ثروت بر پایه عدل و داد، انجام می پذیرد، شرایط اقتصادی جهان دگرگون می شود و عوامل فقر و فلاکت اجتماعی نابود می گردد، گسترش عمران و آبادانی و فراوانی ثروت، سبب بی نیازی و رفاه اقتصادی جامعه عصر ظهور می شود، سامان یابی وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی، زمینه را برای خلق تمدن نوین مبتنی بر عدالت و پاکی و شکل گیری مدینه فاضله مهدوی هموار می نماید.

در این اثر، سعی شده است با استناد به آیات و روایات اهلبیت علیهم السلام ضمن بیان برخی شباهت ها و تفاوت های سیره مهدوی با سیره نبوی و علوی، گوشه هایی از سیره فردی و حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، تبیین گردد. امید است این تلاش ناچیز، مقبول آستان مقدس آن حضرت قرار گیرد.

* * *

بخش اول: کلیات

مفهوم لغوی سیره

«سیره»، اسم مصدر از ریشه «سَیر» است و لغت شناسان آن را، رفتن، عبور کردن، گذشتن و حرکت کردن بر روی زمین، معنا کرده اند.(۱)

واژه «سِیْرَه» بر وزن «فِعْلَه» بر حالت و نوع عمل دلالت می کند مانند «جَلْسَه»؛ یعنی نشستن و «جِلْسَه»؛ یعنی نوع نشستن. از این رو، مراد از «سِیرَه» سنّت، روش، طریقه و شیوه خاص رفتاری است.(۲) راغب اصفهانی نیز «سِیْرَه» را به معنای حالت و شیوه ای از زندگی و

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۴، ص۳۸۹؛ معجم مقاییس اللغه، ج۳، ص ۱۲۰؛ المفردات فی غریب القرآن، ص۴۳۲.

۲- السِّیْرَهُ: السُّنَّهُ و الطریقه. یقال: سارَ بهم سِیْرَهً حَسَنَهً. و السَّیرَهُ: الاهیئَه(لسان العرب، ج ۴، ص۳۸۹- ۳۹۰).

نوع خاصی از رفتار دانسته که به صورت یک روش در عملکرد و حرکت انسان جاری است؛ اعم از اینکه این حالت، منشأ غریزی داشته باشد یا امر اکتسابی باشد.(۱)

در آیات قرآن واژه «سَیر» و مشتقات آن، گاهی به شکل امر:

و گاه به صورت فعل مضارع: ((أَوَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ))(۲) به کار رفته است. در این گونه آیات «سِیره» ناظر به معنای لغوی؛ یعنی حرکت و رفتن و سفر بر روی زمین است.

معنای اصطلاحی سیره

مفهوم اصطلاحی «سِیرَه» در نزد علمای سیره و تاریخ، ناظر به سبک شناسی و روش شناسی رفتار انسان است و با آنچه اهل لغت در معنای آن بیان کرده است تفاوت چندانی ندارد. از این رو، می توان «سیره» را در اصطلاح به معنای نوع رفتار و طریقه و سبک زندگی، تعریف نمود.

براین اساس، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه علیهم السلام به معنای رفتارشناسی آن بزرگواران است و مراد از آن شناخت اصول و

۱- السِّیرَهُ: الحاله التی یکون علیها الإنسان و غیره، غریزیّا کان أو مکتسبا، یقال: فلان له سیره حسنه، و سیره قبیحه(المفردات فی غریب القرآن، ص۴۳۳).

۲- سوره روم، آیه ۹.

روش هایی است که حضرات معصومین علیهم السلام در رفتار و کردار خود داشته اند. بنابراین «سیره» در حقیقت اصولی است پایدار که تعیین کننده منطق عملی؛ یعنی شیوه و سبک رفتار انسان در حوزه ای معیّن را بازگو می کند.

شهید مطهری رحمه الله با اشاره به تفاوت معنایی «سَیر» و «سیره» می گوید: «سَیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن؛ «سیره» یعنی نوع و سبک خاص راه رفتن. مثلًا «جَلْسَ» یعنی نشستن و «جِلْسَه» یعنی سبک و نوع نشستن.(۱)

به اعتقاد وی، هر رفتاری را نمی توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود؛ چرا که هیئت «فِعلَه» در لغت عرب دلالت بر نوع و روش خاص دارد. از این رو می گوید: آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیامبر است. اما آن هایی که سیره نوشته اند، رفتار پیامبر را نوشته اند، این کتاب هایی که ما به نام «سیره» داریم سَیر است نه سیره. مثلًا سیره حلبیّه سیر است نه سیره؛ اسمش سیره هست ولی واقعش سیر است. رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته شده است نه سبک پیامبر در رفتار، نه

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۵۰.

اسلوب رفتار پیامبر، نه متد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.(۱)

ایشان با بیان اینکه رفتارها، سبک های مختلفی دارد و سیره شناسی، همان سبک شناسی است، هر شخص و گروهی از جمله پیامبران علیهم السلام به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را دارای سبک رفتاری مخصوص به خود دانسته، می افزاید: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی سبک پیامبر صلی الله علیه و آله و مِتُدی که او در عمل و در روش برای مقاصد خودش به کار می برد. مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ می کرد. روش تبلیغی پیامبر چه روشی بود؟ سبک تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله چه سبکی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان حال که مبلغ بود و اسلام را تبلیغ می کرد، یک رهبر سیاسی برای جامعه خودش بود، از وقتی که آمد به مدینه، جامعه تشکیل داد، حکومت تشکیل داد، خودش رهبر جامعه بود. سبک و متد رهبری و مدیریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه چه متدی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان حال قاضی هم بود و میان مردم قضاوت می کرد، سبک قضاوتش چه سبکی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثل همه مردم دیگر زندگی خانوادگی داشت، زنان متعدد داشت، فرزندان داشت. سبک پیامبر صلی الله علیه و آله در زن داری چگونه بود؟ سبک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معاشرت با اصحاب و یاران و به اصطلاح مریدها چگونه

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۵۰.

بود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنان سرسختی داشت، سبک و روش پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با دشمنان چه بود؟ و ده ها سبک دیگر در قسمت های مختلف دیگر.(۱)

در این جا نیز، منظور از «سِیرَه» روش های رفتاری قاعده مندی است که بیانگر سبک عملکرد یک فرد در عرصه زندگی است و مراد از سیره مهدوی، روش عملی و سبک رفتاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، جهادی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است.

آنچه در سخن گهربار امام حسین علیه السلام به محمد حنفیه در بیان سیره آن حضرت مشاهده می شود، بیانگر سبک و قانون رفتاری آن حضرت در پی گیری روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام مبنی بر اجرای احکام الاهی است، فرمود: «وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِی أُمَّهِ جَدِّی صلی الله علیه و آله و سلم أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسِیرَ بِسِیرَه جَدِّی وَ أَبِی؛(۲) تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و روش جد و پدرم را دنبال نمایم».

امام صادق علیه السلام در سخنی با مفضل بن عمر، سیره و سبک تعامل

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص۵۲-۵۳.

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص۳۲۹.

امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجـه الشـریف بـا مردم را، بر پـایه روش پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله معرفی کرده است. می فرماید:

إِذَا أَذِنَ اللَّهُ تَعَالَی لِلْقَائِمِ بِالْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَوَّفَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَی حَقِّهِ عَلَی أَنْ یَسِیرَ فِیهِمْ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یَعْمَلَ فِیهِمْ بِعَمِلِه(۱)؛ هرگاه خداونـد به قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف اذن خروج دهـد بالای منبر می رود و مردم را به سـوی پروردگـار و خـوف و خشـیت از او دعوت می کنـد و مردم را به پـذیرش دعوت حق طلبانه خود فرامی خوانـد و به آن ها امر می کنـد تا به سـیره رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رفتار نمایند و خودش هم به روش آن حضرت عمل می کند.

تفاوت«سیره» با «سنّت»

«سـیره» و «سـنّت» از نظر لغوی به معنای روش و طریقه پیموده شـده است. اما اصـطلاحاً این دو باهم تفاوت مفهومی دارد؛ زیرا در اصـطلاح فقهی و اصولی «سـنّت» به مجموعه اقوال و افعـال و تقریر معصوم علیهم السـلام گفته می شود؛ امّـا «سـیره» تنها بر افعـال و روش عملی آن بزرگواران دلالـت دارد؛ یعنی سـیره معصومین علیهم السـلام نـاظر به رفتارهای هـدف منـد و اسـتمرار پذیری است که از معصوم علیه السلام در محیط فردی،

۱- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۰.

اجتماعی، و تربیتی به منظور خودسازی یا اثرگذاری بر دیگران؛ سرزده است به گونه ای که هر کدام در قلمرو کاربردی خود، می تواند منشأ استخراج سبک و روش کلی رفتار قرار گیرد.

از این نظر، مفهوم «سنّت» گسترده تر از «سیره» خواهد بود، اما اگر «سیره» را به معنای رفتار و عمل نوعی بدانیم، می توان گفت: بین «سیره» و «سنّت» نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است؛ چرا که از یک سو هر دو در سنّت عملی، وحدت و هماهنگی دارند و از سوی دیگر سیره، برخی از گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در بر نمی گیرد و از سوی سوم گزارش هایی که در قرآن درباره رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، سنّت نامیده نمی شوند.

لازم به ذکر است که در فرهنگ شیعه، اصطلاح «سنّت» اختصاص به گفتار و کردار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه گفتار و رفتار و تقریر دیگر امامان معصوم علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام را نیز در بر می گیرد. از این رو، همان گونه که سیره نبوی، سنت به شمار می رود و حجّت است، سیره اهلبیت عصمت علیهم السلام نیز حجت بوده و همتای قرآن شمرده می شود.

گونه های سیره

«سیره» را می توان از چند منظر و به اعتبارهای مختلف تقسیم نمود:

۱. سیره فردی و اجتماعی: سیره فردی به رفتارهایی اطلاق می شود که بیشتر جنبه شخصی دارد و به عملکرد فرد مربوط است نه دیگران. به عبارت دیگر، سیره فردی رفتار و مَنشی است که هدف و آثار آن معطوف به خود فرد است؛ نظیر عبادت، ساده زیستی، نظم، قناعت، انضباط و امثال آن. اما سیره اجتماعی، ناظر به رفتارهایی است که در ارتباط با دیگران انجام می گیرند و اگر فرد تنها باشد، چنین رفتاری موضوعیت پیدا نمی کند مانند تعاون و همکاری، حسن معاشرت، مدارا و گذشت و... .

۲. سیره اخلاقی و تربیتی: سیره در حوزه اخلاق و تربیت، با سیره در حیطه فردی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. تفاوت آن ها در این است که سیره تربیتی به منظور دیگرسازی انجام می گیرد و در سیره فردی و اجتماعی ممکن است چنین هدفی نداشته باشد. سیره معصومین علیهم السلام از آن جهت که همراه با آداب و سنت های خاص است، آثار اخلاقی و تربیتی فراوانی دارد و چون جنبه ارزشی و دیگر سازی دارد، در حوزه های فردی و اجتماعی قابل تأسی است.

۳. سیره قولی و فعلی: مفهوم «سیره» که بیانگر سبک و روشی خاص است، در هر دو حوزه گفتار و رفتار مصداق پیدا می کند. از این رو، سیره را می توان به قولی و فعلی تقسیم نمود. سیره قولی، به اطوار و احوال گفتار اطلاق می گردد و به آن سبک و روش گفتاری

گفته می شود. سیره فعلی، ناظر به سبک و روش خاص انسان در عرصه فعل و عمل است که هر کس می تواند رفتار ویژه ای داشته باشد. در باره پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز این دو نوع سیره، قابل بازیابی است و مجموع گفتارهای زبانی و نوشتاری و شیوه ای اعمال و ریزه کاری رفتاری آن الگوهای هدایت و پاکی، می تواند به عنوان سیره قولی و عملی، مستند اعمال و رفتار دیگران باشد.

۴. سیره عقلاـ و متشرعه: یکی از تقسیم های سیره، که در فقه کاربرد زیاد دارد و در علم اصول مورد بحث قرار می گیرد، تقسیم آن به سیره عقلا یا همان بنای عقلا و سیره متشرعه است.

مرحوم مظفر سیره عقلاـ را به معنای توافق عقلای عالم از هر ملت و مذهبی بر انجام یا ترک کاری تعریف کرده است.(۱) از این نظر سیره عقلا از همه انواع سیره، عام تر است و اختصاص به مسلمان و غیر مسلمان ندارد، بلکه همه عاقلان جهان را در بر می گیرد.

امّا سیره متشرعه، اگرچه به مفهوم عام آن، مطلق رویه شرعی پیروان همه شرایع را در بر می گیرد، امّا کاربرد این اصطلاح در مباحث فقه و اصول، بطور خاص به شریعت اسلام انصراف دارد. وقتی گفته می شود سیره متشرعه، منظور فقط سیره مسلمانان است نه سیره پیروان ادیان دیگر.

۱- ر.ک: اصول الفقه، مظفر، ج۱، ص۱۷۱.

مرحوم مظفر نیز اصطلاح سیره متشرعه را ناظر به رویه شرعی و اسلامی مجموع مسلمانان بر فعل یا ترک امری دانسته است. به نظر ایشان، تفاوتی میان سیره متشرعه، شرعی و اسلامی وجود ندارد و منظور از هر سه اصطلاح، موافقت مسلمانان بر انجام یا ترک کاری است.(۱) روشن است که سیره متشرعه، از نظر مصداقی اخص از سیره عقلا است.

سیره معصومین علیهم السلام

هرگاه سخن از سیره معصومین علیهم السلام در میان می آید، همه گفتار و رفتار چهارده معصوم علیهم السلام را در تمامی ابعاد، در بر می گیرد و منظور از سیره معصومین علیهم السلام، مجموعه سخنان و افعال و رویّه های قولی و فعلی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و اهلبیت عصمت علیهم السلام؛ یعنی امیرمؤمنان و دیگر امامان و حضرت فاطمه علیها السلام است. قلمرو سیره آن ذوات قدسی نیز همه دوران حضور معصومین علیهم السلام از آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شامل می شود. سیره ذوات قدسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام بر همگان حجّت بوده و به مصداق آیه شریفه: ((لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَه لِمَنْ کَانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ

۱- ر.ک: اصول الفقه، مظفر، ج۱، ص۱۷۱.

الْیَوْمَ الْاخِر))(۱) در همه شئون فردی و اجتماعی حیات، الگوی رفتار ما شمرده می شود.

ویژگی های سیره معصومین علیهم السلام

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام به دلیل ویژگی عصمت و دیگر اوصاف منحصر به فرد آنان، با سیره و رفتار دیگران تفاوت اساسی دارد؛ زیرا عملکرد پیشوایان معصوم علیهم السلام دارای ویژگی ها و ظرافت هایی است که به هیچ وجه در رفتار دیگران یافت نمی شود.

اولًا: دارای منشأ الاهی است؛ یعنی سیره و رفتار ذوات مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر اساس خواست و اراده خداوند شکل می گیرد؛ به گونه ای که همه گفتار و رفتار آن بزرگواران، مستند به وحی الاهی بوده و در این حوزه قابل تفسیر و تبیین می باشند. آنان به مصداق ((وَ مَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَی إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحَی))(۲) و ((إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا یُوحَی إِلَیَّ))(۳) سخن گویان وحی اند و ریز و درشت اعمال و حرکات شان، منطبق با دستورات الاهی است و کوچکترین کاری بر

۱- (برای شما در تأسی و اقتدا به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و سلم الگوی نیکویی است؛ آنانی که خدا جو و در پی حیات آخرت اند) سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲- سوره نجم، آیه ۳ و۴.

۳- سوره انعام، آیه ۵۰.

خلاف رضایت الاهی انجام نمی دهند. سیاق این فرموده قرآن عام است و اختصاص به آیات قرآن و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه همه سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آنچه به عنوان احادیث نبوی معروف اند و همه رفتار آن حضرت که به سنت و سیره تعبیر می شوند را شامل می شود و همچنین به تبع ایشان اهل بیت عصمت علیهم السلام و اوصیای طاهرین آن حضرت را نیز در بر می گیرد؛ کسانی که به فرموده امام هادی علیه السلام: «اَلمُطِیعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ(۱)؛ مطیع محض خدایند و فقط به فرمان او اقدام می کنند و بر اساس رضایت او عمل می کنند».

ثانیاً: دارای محتوای ژرف و عمیقی است؛ به گونه ای که کلام و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به دلیل منشأوحیانی و ارتباط مستقیم شان با منبع عظیم قرآنی، دارای عمق و ژرفای عمیق و جامع کلمه هاست «اُعطِیتُ بِجَوَامِعَ الْکَلِم»۱ به گونه ای که می تواند با یک سخن و رفتار به ظاهر کوچک، یک دنیا مطلب را بیان کند.

و چون گفتار و رفتار معصومین علیهم السلام دارای معنی و مفهوم ژرف و بلندی است، فهم محتوای عمیق آن نیازمند تأمل زیادی است. اگر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به خوبی فهمیده شود و تجزیه و

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص۲۷۴.

تحلیل گردد، می توان از کوچک ترین رفتار آنان، مهم ترین قوانین اسلامی را استخراج کرد؛ چرا که به مثابه چراغ و نورافکن قوی فضای فکری انسان را برای همیشه تاریخ، نورانی و روشن می کند.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام چون برخاسته از اراده خدا و مطابق با قرآن کریم است، آشنایی و شناخت صحیح سیره آن، سبب فهم صحیح و درک معنای واقعی آیات قرآن کریم نیز می شود؛ زیرا سیره و رفتار معصومین علیهم السلام تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم است و با شناخت آن می توان به حقیقت مفاهیم قرآن بهتر پی برد و معنای واقعی کلام خداوند را درک کرد. از این رو، احادیث و روایات اسلامی در کنار قرآن کریم، دومین منبع اصیل معارف دین شمرده می شود.

ثالثاً: جامع و فراگیر است. از دیگر ویژگی های مهم سیره معصومین علیهم السلام جامعیت و فراگیری دامنه آن است. سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام علاوه بر عمق محتوایی آن، همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان را پوشش می دهد و هیچ گوشه ای از زوایای حیات آدمی، بیرون از دامنه سیره قرار نمی گیرد. این ویژگی، سبب شده است که سیره اهلبیت عصمت علیهم السلام همه ابعاد مختلف زندگی انسان اعم از بعد دینی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن را در بر گیرد. از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام درباره سیره رسول

خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «وَ لَقَـدْ کَانَ فِی رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله کَافٍ لَکَ فِی الْأُسْوَهِ وَ دَلِیلٌ لَکَ عَلَی ذَمِّ الدُّنْیَا وَ عَیْبِهَا وَ کَثْرَهِ مَخَازِیهَا وَ مَسَاوِیهَا(۱)؛ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی را از شیوه زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله الگو پذیری تا راهنمای خوبی در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن برای تو باشد».

امیرمؤمنان علیه السـلام در این سـخن خویش، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله را به عنوان الگوی جامع زندگی معرفی کرده و تأسی به سیره آن حضـرت را در شـناخت بدی ها و خوبی های دنیا و همه شئونات زندگی کافی دانسته است به گونه ای که شخصـیت آن بزرگوار، منحصـر به زمان خاصـی نبوده و نیست، بلکه یک حقیقت فرا زمانی و جاودانه است که برای هر نسلی مطابق با واقعیت های زنـدگی آنان، تبلور پیـدا می کند و هر کس می تواند به اندازه استعداد و توان خود، از آن منبع جوشان کمالات الاهی توشه ای بر گیرد.

سایر خاندان نبوت و ائمه معصوم علیهم السـلام نیز همانند خود پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله اسوه جامع هدایت و الگوهایی شایسته و نیکو برای همه بشـریت می باشـند. از این جهت هیـچ تفـاوتی میـان آن انوار مقـدس وجود نـدارد. آن گونه که امام سجاد علیه السلام به نقل از جدش رسول

۱- بحار الانوار، ج۱۶، ص۲۸۴.

خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّنَا وَاحِدٌ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَ رُوحُنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَوَّلُنَا مُحَمَّدٌ وَ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَ كُلُّنَا مُحَمَّد(۱)؛ همه مـا از یـک نور هستیم و روح ما از امر یگانه نشأت می گیرد و اول و وسط و آخر ما محمـد است، بلکه همه ما محمد هستیم».

بنا براین، سیره اهلبیت عصـمت علیهم السـلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی و تفکیک ناپذیر است و همگی در قالب گفتار و رفتار حکیمانه، مجموعه واحـد و روشـمندی را به نام سـیره قولی و فعلی تشـکیل می دهد به گونه ای که با وجود این انـوار مقـدس، انسـان نیـازی به الگوهـای دیگری نخواهـد داشت بلکه سـیره جـامع و فراگیر آن بزرگواران، برای همه بشـریت راهگشا بوده و مصـداق کامل اسوه حسـنه ای است که قرآن کریم همگان را به الگو پذیری از آنان فراخوانده است((لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ))؛(۲) مسـلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند».

۱- بحار الانوار، ج ۲۶، ص۱۶.

۲- سوره احزاب، آیه ۲۱.

ضرورت الگوپذیری از سیره ائمه معصوم علیهم السلام

امامان معصوم علیهم السلام هرکدام راهنمای بشریت و صراط مستقیم هدایت اند «أَنْتُمُ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَ الصِّرَاطُ الْأَقْوَم»(۱)، بدون شک، آشنایی با چگونگی سیرت و سنت و الگو پذیری از آن چراغ های هدایت، به ویژه سیره و شیوه زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مایه روشنایی مسیر زندگی منتظران آن حضرت خواهد بود.

همان گونه که قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به تبع او امامان معصوم علیهم السلام را اسوه ای نیکو برای همه بشریت معرفی کرده و همگان را به الگو پذیری و تبعیت از سیرت آنان فراخوانده است: ((لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ))(۲) تحقیقاً رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما الگوی بس نیکو و پسندیده است.

از این رو، خداوند، تبعیت از پیامبر مکرم اسلام را، نشانه محبت واقعی نسبت به خداوند یاد فرموده است: (قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِی)).(۳)

در روایات نیز سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین و کامل ترین شیوه

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۷۴.

۲- سوره احزاب، آیه۲۱.

۳- سوره آل عمران، آیه۳۱.

خوانده شده است: ((خَیرُ السُّنّهِ سُنَّهُ مُحَمَّدٍ)) صلی الله علیه و آله(۱) بهترین سنّت، سنّت و روش حضرت محمد صلی الله علیه و آله است». چه آنکه سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آخرین و ماندگارترین سنت یاد شده است: «اَیّهَا النَّاس اِنّهُ لَا نَبِیّ بَعدِی وَ لَا سُنّهَ بَعْدَ سُنّتِی؛(۲) مردم بدانید که پیام آوری پس از من نیست و پس از سنت من، سنّت شایسته پیروی دیگری، نخواهد بود».

از آنجایی که سنّت رسول خاتم صلی الله علیه و آله کامل ترین سنتی است که از سوی پیامبران الاهی علیهم السلام برای بشریت به ارمغان آورده شده و قرآن کریم نیز همگان را به اقتدای به آن وجود مقدس سفارش کرده است: ((مَا آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا))(۳) امام معصوم علیهم السلام نیز الگوی امّت اسلامی می باشند چرا که آنان هم خود بر پایه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می کند و هم دیگران را به پیروی از سیرت و سنت رسول مکرم اسلام فرا می خواند، آن گونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «اِقْتَدُوا بِهُدَی نَبِیِّکُمْ فَإِنَّهُ أَصْدَقُ الْهُدَی وَ اسْتَنُّوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا

۱- الاختصاص، ص۳۴۲.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج۴، ص۱۶۳.

۳- سوره حشر، آیه ۷.

أَهْدَی السُّنَن (۱)؛ به رهنمون پیامبر تان اقتدا کنید که او راستگو ترین راهنما است و به شیوه او رفتار کنید که سنت او هدایت بخش ترین راه و روش است».

بر پایه آیات و روایت یاد شده همه بندگان نیازمند الگو پذیری از سیره پیشوایان معصومند؛ همان گونه که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله آن وجودات مقدس را چراغ های هدایت برای بشریت و راهنمایان به سوی خدا معرفی فرمود: «أَهْلُ بَيْتِي مَنَارُ الْهُدَى وَ الدَّالُّونَ عَلَى اللَّه»(۲) چرا که راه یابی به صراط حق، جز در پیروی از رهنمودهای هدایت بخش خاندان وحی ممکن نمی باشد.

شباهت ها وتفاوت های سیره مهدوی، نبوی وعلوی

اشاره

بر اساس روایات سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور همان سیره جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر اجداد طاهرینش خواهد بود. با این تفاوت که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام موانع و محدودیت هایی برای تحقق سیره قولی و رفتاری آن بزرگواران وجود داشته است، اما در زمان ظهور امام

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص۱۱۰.

۲- الاحتجاج، ج۱،ص ۱۱۳.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این محدودیت ها و موانع از سر راه آن حضرت برداشته می شود و زمینه تحقق کامل سیره و منش الاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام فراهم می گردد.

در این بخش از کتاب، با توجه به دو دستگی روایات مربوط به این موضوع، ابتدا به بیان روایات ناظر به همگونی و تفاوت سیره مهدوی با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می پردازیم، سپس به شباهت ها و برخی تفاوت های اشاره شده درباره سیره آن حضرت با سیره امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام خواهیم پرداخت:

الف) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

احادیث و روایات مربوط به سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، دو گونه است؛ بیشتر این روایات، بیانگر همانندی سیره مهدوی و نبوی و تبعیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اما ظاهر تعدادی از روایات دیگر، گویای برخی تفاوت ها در شیوه های رفتاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره رایج در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به چند نمونه از این دو دسته روایات اشاره می گردد:

روایات دسته اول

دسته نخست روایاتی است که در آن با عناوین «سنّت» یا «سیره» به همگونی سیره مهدی و نبوی اشاره شده است. در این گونه روایات، اگرچه در برخی تعبیر «سنّت» و در برخی دیگر واژه «سیره»

به کار رفته است؛ اما روشن است که اصطلاح «سنّت» چنانکه قبلا اشاره شد ناظر به سیره قولی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که مفهوم «سیره» را نیز دربر می گیرد.

برخی روایات که از تأسی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سیره و سنّت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و همانندی سیره مهدوی و نبوی خبر داده است، عبارت اند:

۱. ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «وَ یَعْمَلُ بِسُنَّتِی (۱)؛ [مهدی] به سنت و روش من عمل می کند».

۲. جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ هُوَ رَجُلٌ مِنِّی اسْمُهُ کَاسْمِی یَحْفَظُنِی اللَّهُ فِیهِ وَ یَعْمَلُ بِسُنَّتِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلا(۲)؛ او [مهدی] مردی از نسل من است و نامش همنام من است خداوند من را به وسله او استمرار می بخشد و او به سنت و روش من عمل می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

۳. نیز امام باقر علیه السلام درباره سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور فرمود: «یَدْعُو النَّاسَ إِلَی کِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ نَبِیِّهِ وَ الْوَلَایَهِ لِعَلِیِ بْنِ أَبِی طَالِبٍ

۱- عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ص۴۳۴.

۲- علل الشرایع، ج۱، ص۱۶۱.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ الْبَرَاءَهِ مِنْ عَدُوِّهِ؛(۱) [مهدی] مردم را به سوی کتاب خدا و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و بیزاری از دشمنان او دعوت می کند».

۴. هشام بن سالم از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت به نقل از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِی اسْمُهُ اسْمِی وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِی وَ شَرِيعَتِی وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِی وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِی غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِی وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِی وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِی إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِی فِی أَمْرِهِ وَ الْجَاحِدِينَ لِقَوْلِی فِی شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِی عَنْ طَرِيقَتِهِ (۲)؛ قائم از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه اش کنیه من و شمائلش شمائل من و شیوه آدابش شیوه و آداب من می باشد. مردم را به دین و شریعت من وادارد و آن ها را به سوی قرآن مجید دعوت کند. هر کس از وی پیروی نماید از من پیروی نموده و آن کس که از فرمان او سر باز زند از فرمان من سرپیچی نموده است، هرکس در زمان غیبتش منکر وی شود انکار وجود او

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۴۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۱۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۲۵.

نموده و هر کس او را تکذیب کند، تکذیب من کرده است و آن کس که تصدیق وی کند مرا تصدیق کرده است و به خدا شکوه می برم از کسی که آنچه من درباره او گفته ام تکذیب کند یا منکر شود و یا امت مرا از راه او برگرداند.

۵. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ فِی الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَی حَقِّهِ وَ أَنْ یَسِیرَ فِیهِمْ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ یَعْمَلَ فِیهِمْ بِعَمَلِه (۱)؛ هنگامی که خداوند متعال به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اذن خروج دهد، بالای منبر رود و مردم را به پیروی از خود فراخواند و آنان را به خدا سوگند دهد که برای ایفای حقش او را یاری رسانند تا در میان آنان به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کند و راه و روش او را انجام دهد.

۶. محمد بن مسلم می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَیِ سِیرَهٍ یَسِیرُ فِی النَّاسِ؟ فَقَالَ:بِسِیرَهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی یُظْهِرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَ مَا کَانَتْ سِیرَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ: أَبْطَلَ مَا کَانَ

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص۳۸۳؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۰.

فِی الْجَاهِلِیَّهِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ کَذَلِکَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف إِذَا قَامَ یُبْطِلُ مَا کَانَ فِی الْهُدْنَهِ مِمَّا کَانَ فِی أَیْدِی النَّاسِ وَ یَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ(۱)؛ از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم چگونه در میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: به روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل می نماید تا آنکه اسلام را آشکار می سازد. عرض کردم: روش پیامبر چگونه بود؟ فرمود: پیامبر آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد. قائم هم موقعی که قیام می کند هر عمل نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان اسلام در میان مسلمین مرسوم گشته از میان میبرد و مردم را به عدالت گستری رهبری می نماید.

۷. ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إِذَا قَامَ سَارَ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا أَنَّهُ یُبَیِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ(۲)؛ هنگامی که قیام کند مطابق سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می کند مگر آنکه او آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تبیین و نشر می دهد».

۸. عبدالله بن عطا می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور پرسیدم که شیوه و رفتار آن حضرت چگونه است؟ «سَأَلْتُهُ عَنْ سِیرَهِ الْمَهْدِیِّ کَیْفَ سِیرَتُهُ؟ قَالَ: یَصْنَعُ مَا صَنَعَ

۱- تهذیب الأحکام، ج ۶، ص۱۵۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۱۶۴.

رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَهْدِم مَا کَانَ قَبْلَهُ کَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِیَّهِ وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیداً(۱)؛ امام علیه السلام فرمود: همان کاری را می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کرد. (آن گاه امام در توضیح این سخن فرمود) آن چه را در گذشته بوده از اساس ویران خواهد کرد؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله جاهلیّت را از بین برد و اسلام را از نو آغاز می کند؛ گو اینکه چیز جدیدی پدید آورده است».(۲)

روایات دسته دوم

دسته دیگر روایات، حاکی از تفاوت سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله است:

۱. زراره می گوید: محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قُلْتُ لَهُ صَالِحٌ مِنَ الصَّالِحِینَ سَمِّهِ لِی أُرِیدُ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَقَالَ علیه السلام: اسْمُهُ اسْمِی قُلْتُ: أَ یَسِیرُ بِسِیرَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ علیه السلام: هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ یَا زُرَارَهُ مَا یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ لِمَ ؟ قَالَ علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۱؛ تهذیب الأحکام، ج۶، ص۱۵۴؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۲.

۲- مشابه این روایت را عبداللّه بن عطا از امام باقر علیه السلام نیز نقل کرده است با اندک تفاوتی در برخی عبارات. وی می گوید: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف بِأَیِ سِیرَهٍ یَسِیرُ فِی النَّاسِ؟ فَقَالَ: یَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ کَمَا صنَع رَسُولُ اللَّهِ صَلی الله عَلَیهِ وَ آلِهِ وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیداً. (الغیبه، نعمانی، ص۲۳۲).

اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَارَ فِی أُمَّتِهِ بِالْمَنِ کَانَ یَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ یَسِیرُ بِالْقَتْلِ، بِذَاکَ أُمِرَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَهُ أَنْ یَسِیرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا یَسْتَتِیبَ أَحداً وَیْلٌ لِمَنْ نَاوَاهُ (۱)؛ به محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم که صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظورم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره، رفتار او را پیش نمی گیرد، عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امّت خود چنان رفتار می کرد که توأم با بخشش بود(مردم را عفو و مرهون منّت خود می ساخت) و دل های مردم را به خود جذب می نمود، یعنی با مهر رفتار می کرد؛ اما رفتار قائم با آنان(به سبب ظلم فراوان) با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

۲. ابی بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

یَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کِتَابٍ جَدِیدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ لَیْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالسَّیْفِ لَا یَسْتَتِیبُ أَحَداً وَ لَا یَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۱.

لَوْمَهُ لَائِم(۱)؛ قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به امر جدید و کتاب جدید و حکم جدید که بر عرب دشوار است قیام می کند، کارِ وی شمشیر(و جنگ) است؛ توبه هیچ کس را قبول نمی کند، و ملامت دشمنان او را از هدفش باز نمی دارد.

ب) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سیره امیرمؤمنان علیه السلام

اشاره

روایات مربوط به مقایسه سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره امیرمؤمنان علیه السلام نیز دو دسته اند: برخی بر همانندی سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سنّت و سیرت امام علی علیه السلام دلالت دارد و دسته ای دیگر از روایات، دو گونگی و تفاوت سیره مهدوی و علوی را می رساند.

روایات دسته اول

روایاتی که از همگونی رفتار و سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره امیرمؤمنان علیه السلام در برخی امور، خبر داده است، عبارت اند:

۱. امام صادق علیه السلام درباره مواجهه و درگیری سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکریان سفیانی می فرماید:

يَقْدَمُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف حَتَّى يَأْتِيَ النَّجَفَ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنَ الْكُوفَهِ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ... فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْشُرُ رَايَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَهُ بَدْرٍ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَّتِ الرِّيحُ لَهُ فَيَحْمِلُ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۴.

عَلَيْهِمْ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ فَيَمْنَحُهُمُ اللَّهُ أَكْتَافَهُمْ وَ يُوَلُّونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يُدْخِلَهُمْ أَبْيَاتِ الْكُوفَهِ وَ يُنَادِي مُنَادِيهِ أَلَا لَا تَتْبَعُوا مُوَلِّيا وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَى جَرِيحٍ وَ يَسِيرُ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلِيٌّ علیه السلام يَوْمَ الْبَصْرَهِ؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد نجف می شود در آن هنگـام لشـکریان سـفیانی مسـتقر در کوفه در برابر او قرار می گیرد، آنگاه(که جنگ در می گیرد از سوی آن حضـرت) پرچم رسول خدا صـلی الله علیه و آله بر افراشـته می شود و فرشـتگان حاضر در جنگ بدر از آسمان فرود می آیند، پس هنگامی که آفتاب غروب کرد همانند باد بر سـفیانیان یورش برده و سـپاه سـفیانی پس از شکست سخت می گریزد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آن ها را می کشـند تا این که فراریان به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد که هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا درنیاورید، همانند رفتار علی علیه السـلام در روزه بصره(با اهل جمل).

۲. حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام گزارش کرده است که فرمود:

حضَـرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَکَ اللَّهُ ذَکَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام كَانَ يَلْبَسُ الْخَشِنَ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَهِ دَرَاهِمَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِکَ وَ نَرَى عَلَيْکَ اللِّبَاسَ الْجَدِيدَ فَقَالَ لَهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السـلام كَانَ يَلْبَسُ ذَلِکَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ عَلَيْهِ وَ لَوْ لَبِسَ مِثْلَ ذَلِکَ الْيَوْمَ شُهِرَ بِهِ فَخَيْرُ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۷.

غَيْرَ أَنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليها السلام إِذَا قَامَ لَبِسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ علیه السلام وَ سَارَ بِسِيرَهِ عَلِيٍّ علیه السلام؛(۱) نزد حضرت صادق علیه السلام حاضر شدم، مردی به آن حضرت عرض کرد: خداوند شما را به صلاح رهنمون گرداند، فرمودی که علی بن ابی طالب لباس خشن می پوشید. پیراهن چهار درهمی و مانند آن؛ اما شما لباس های نیکو پوشیده اید! امام در پاسخ فرمودند: علی بن ابی طالب آن گونه لباس را در زمانی می پوشید که پوشیدن آن ناپسند نبود و اگر آن حضرت مثل لباس های امروزی را می پوشید، به آن شهره می شد. پس بهترین لباس هر دوره ای لباس مردم همان دوره است، ولی چون قائم قیام نماید لباس علی علیه السلام را خواهد پوشید و به روش او رفتار خواهد نمود.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَو قَدْ قَامَ قَائِمَنَا مَا اَقَامَ النّاسُ عَلی الطّلاق اِلّا بِالسّيْف وَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ لَم يَكُن اِلّا سِيرَهَ عَلِيّ بْنِ اَبِي طَالِب علیه السلام؛(۲) اگر قائم ما قیام کند مردم را جز با شمشیر بر طلاق بپا نخواهد داشت و این رویه را در پیش نگیرد مگر برای آنکه سیره علی بن ابی طالب را پیشه خود کند».

۱- الکافی، ج۱، ص۴۱۱.

۲- شرح الاخبار فی فضائل الأئمه الاطهار علیهم السلام، ج۳، ص۳۷۳.

روایات دسته دوم

دسته دیگری از روایات، از تفاوت سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می گویند. از جمله روایاتی که بر این مطلب دلالت دارند عبارتند از:

۱. حسن بن هارون نماط(نمط فروش) گزارش کرده است که:

کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَالِساً فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّی بْنُ خُنَیْسٍ أَ یَسِیرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِیرَهِ عَلِیٍّ فَقَالَ نَعَمْ وَ ذَاکَ أَنَّ عَلِیّاً سَارَ بِالْمَنِّ وَ الْکَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِیعَتَهُ سَیُظْهَرُ عَلَیْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِیهِمْ بِالسَّیْفِ وَ السَّبْیِ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ یَعْلَمُ أَنَّ شِیعَتَهُ لَمْ یُظْهَرْ عَلَیْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدا؛(۱) من در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلّی بن خنیس از آن حضرت پرسید آیا امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگاه قیام کرد، رفتارش بر خلاف رفتار علی علیه السلام خواهد بود؟ حضرت در پاسخ وی فرمود: آری به جهت آنکه علی علیه السلام رفتارش منّت نهادن و دست برداشتن(آزاد سازی مخالفین) بود، زیرا می دانست که پس از او شیعیانش مغلوب دست دشمن خواهند شد، ولی امام قائم که قیام کند برخوردش با آنان با شمشیر و کشتن و اسارت کردن است چون می داند که پس از او شیعه آن حضرت هرگز مغلوب دست دشمن نخواهد شد.

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۲.

۲. ابی بکر خضرمی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: لَسِیرَهُ عَلِیٍّ علیه السلام فِی أَهْلِ الْبَصْرَهِ کَانَتْ خَیْراً لِشِیعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ إِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَهً فَلَوْ سَبَاهُمْ لَسُبِیَتْ شِیعَتُهُ قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِی عَنِ الْقَائِمِ أَ یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ؟ قَالَ: إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام سَارَ فِیهِمْ بِالْمَنِّ لِمَا عَلِمَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ وَ إِنَّ الْقَائِمَ یَسِیرُ فِیهِمْ خِلَافَ تِلْکَ السِّیرَهِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَهَ لَهُمْ(۱)؛ از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: سیره و رفتار علی بن ابی طالب علیه السلام در مواجهه با اهل بصره از آن چه خورشید بر آن می تابد برای شیعیانش بهتر بود. او می دانست برای آن گروه قدرتی خواهد بود. پس اگر امام علی علیه السلام آن ها را به اسارت می گرفت آن ها نیز شیعیانش را اسیر می کردند. راوی می گوید: پرسیدم: آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به سیرت امام علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمودند: خیر، همانا علی درود خدا بر او باد با آن ها با گذشت رفتار نمود چون از به غلبه و قدرت رسیدن آن ها آگاهی داشت امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رفتاری غیر از این رفتار خواد داشت چون آن ها را پس از آن غلبه ای نخواهد داشت.

۱- المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰؛ الکافی، ج ۵، ص۳۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص۱۵۵؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. رُفَید، غلام ابن هبیره گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

قَالَ لِی یَا رُفَیْدُ کَیْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَیْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِیطَهُمْ فِی مَسْجِدِ الْکُوفَهِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِیدَ عَلَی الْعَرَبِ الشَّدِیدِ؟ قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ قُلْتُ: بِأَیِّ شَیْءٍ یَسِیرُ فِیهِمْ بِمَا سَارَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ: لَا یَا رُفَیْدُ إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام سَارَ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْیَضِ وَ هُوَ الْکَفُّ وَ هُوَ یَعْلَمُ أَنَّهُ سَیَظْهَرُ عَلَی شِیعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ یَسِیرُ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَ هُوَ الذَّبْحُ وَ هُوَ یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا یَظْهَرُ عَلَی شِیعَتِه؛(۱) ای رفید، چگونه خواهی بود هنگامی که ببینی یاران قائم خیمه هایشان را در مسجد کوفه بپا کرده اند آن گاه مثال جدید که بر عرب گران است بیرون آورده می شود؟پرسیدم: فدایت شوم؛ مثال جدید چیست؟ فرمودند: کشتن. پرسیدم: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آن ها چگونه رفتار خواهد کرد؟ آیا سیره علی بن ابی طالب در مواجهه با اهل عراق را خواهد داشت؟ فرمودند: خیر ای رفید، همانا علی علیه السلام با آن ها به آن چه در جفر سفید(خویشتن داری) بود رفتار نمود، زیرا می دانست به زودی پس از خودش شیعیانش مغلوب می شوند، ولی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به

۱- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص۱۵۵.

آن چه در جفر سرخ(کشتن) است رفتار خواهد نمود، زیرا می داند پس از آن هیچ گاه شیعیانش مغلوب نخواهند شد.

۴. این روایت از رفید بدین گونه نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رفید می گوید:

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یَسِیرُ الْقَائِمُ بِسِیرَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فِی أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَا یَا رُفَیْدُ إِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبِ سَارَ فِی أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَبْیَضِ وَ إِنَّ الْقَائِمَ یَسِیرُ فِی الْعَرَبِ بِمَا فِی الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ. قَالَ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ وَ مَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمَرَّ إِصْبَعَهُ عَلَی حَلْقِهِ فَقَالَ: هَکَذَا یَعْنِی الذَّبْح (۱)؛ به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول اللّه! قربانت گردم آیا قائم به روش علی بن ابی طالب علیه السلام در میان اهل عراق رفتار می کند؟ فرمود: ای رفید علی بن ابی طالب علیه السلام مطابق آنچه در جفر سفید بود عمل می نمود، ولی قائم در میان عرب طبق آنچه در جفر سرخ است عمل می نماید. عرض کردم: قربانت گردم! جفر سرخ چیست؟ حضرت انگشت مبارک را به گلوی مبارکش کشید. یعنی با ذبح و کشتن دشمنان دین خدا، حکومت خواهد کرد.

بر پایه این گونه روایات، امیرمؤمنان علیه السلام در مواجهه با اهل بغی تنها

۱- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۱۳.

به دلیل رعایت مصلحت شیعیان با مدارا و عطوفت رفتار نموده است؛ چرا که این برخورد از سر مدارا و گذشت آن حضرت آثار فراوانی برای شیعیان داشته است. چنانکه امام صادق علیه السلام در گفتگو با عبدالله بن سلمان، آثار و حکمت های برخورد عطوفت آمیز حضرت علی علیه السلام با دشمنان را چنین بیان فرموده است:

قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ النَّاس یَرْوُونَ أَنَّ عَلِیّاً علیه السلام قَتَلَ أَهْلَ الْبَصْرَهِ وَ تَرَکَ أَمْوَالَهُمْ، فَقَالَ إِنَّ دَارَ الشِّرْکِ یَحِلُّ مَا فِیهَا وَ دَارُ الْإِسْلَامِ لَا یَحِلُّ مَا فِیهَا. فَقَالَ: إِنَّ عَلِیّاً علیه السلام إِنَّمَا مَنَّ عَلَیْهِمْ کَمَا مَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی أَهْلِ مَکَّهَ وَ إِنَّمَا تَرَکَ عَلِیٌّ علیه السلام أَمْوَالَهُمْ لِأَنَّهُ کَانَ یَعْلَمُ أَنَّهُ سَیَکُونُ لَهُ شِیعَهٌ وَ أَنَّ دَوْلَهَ الْبَاطِلِ سَتَظْهَرُ عَلَیْهِمْ فَأَرَادَ أَنْ یُقْتَدَی بِهِ فِی شِیعَتِهِ... وَ لَوْ قَتَلَ عَلِیٌّ علیه السلام أَهْلَ الْبَصْرَهِ جَمِیعاً وَ أَخَذَ أَمْوَالَهُمْ لَکَانَ ذَلِکَ لَهُ حَلَالًا لَکِنَّهُ مَنَّ عَلَیْهِمْ لِیُمَنَّ عَلَی شِیعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ؛(۱) مردم می گویند امام علی علیه السلام اهل بصره را کشت، ولی اموالشان را رها کرد. حضرت فرمودند: علی علیه السلام بر آن ها شفقت ورزید هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر اهل مکّه منّت گذارد و همانا علی علیه السلام اموال آن ها را رها کرد چرا که می دانست به زودی شیعیانی خواهد داشت و دولت باطل بر آن ها تسلط خواهد یافت و علی علیه السلام خواست که در مورد

۱- علل الشرایع، ج۱، ص۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص۴۴۲.

شیعیانش به او اقتدا شود. و اگر علی علیه السلام همه اهل بصره را می کشت و اموالش را می گرفت، این کار بر او حلال بود لکن حضرت بر آن ها منت نهاد تا پس از او شیعیانش در امنیت زندگی کنند.

اما در زمان ظهور، سیاست مداهنه و مماشات با دشمنان پایان می یابد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مخالفانش از موضع قهر و غلبه برخورد خواهند کرد. از این رو امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مواجهه با خروج کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام خواهد داشت؛ زیرا سیره امام علی علیه السلام مبتنی بر حکمت هایی بود مانند مغلوب شدن شیعیان که آن علت در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود نخواهد داشت.

جمع بندی روایات

با تأمل در این دو دسته از روایات وارد شده در خصوص همانندی سیره حضرت مهدی با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام می توان به جمع بندی رسید که سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر اصول و چار چوب کلی، بر پایه قرآن و سنّت استوار است و با سیره رسول خدا و دیگر ائمه علیهم السلام یکی می باشد؛ اما در حیطه اجرای احکام و عمل به شئونات مختلف دین، به دلیل تفاوت شرایط عصر ظهور با دوران صدر اسلام، تفاوت خواهند داشت. از این رو، دو دستگی روایات در این باره را می توان ناظر به این دو گونگی شرایط گذشته و آینده و

تفـاوت هـای جـدی جامعه پیش از ظهور با جامعه عصـر ظهور در تأسـی و الگو پـذیری از سـیره الاهی پیشوایان معصوم علیهم السلام دانست. در حقیقت روایات دسته دوم، بیانگر آن است که در زمان حاکمیت مخالفان و محکومیت شیعه، شرایطی پدید آمده بود که جامعه شـیعی در وضـعیت تقیه قرار داشت، اما در عصـر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه این محدودیت ها را برداشته و اسلام و عدالت واقعی را حاکم می گرداند.

درباره دو دسـتگی روایات مربوط به سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیره امیرمؤمنان علیه السلام نیز می توان گفت که امیرمؤمنان علیه السـلام به خاطر رعایت تقیه و مصـلحت اندیشـی نسل های آینده شیعه، از اجرای حکم واقعی درباره اهـل بغی خود داری کرد. آن حضـرت بـا رفتـار همراه با مـدارا و منت خود بهانه اعمال خشونت علیه شـیعیان را از دست زمام داران خون خوار اموی و عباسـی خارج ساخت تا آن ها نتوانند به بهانه تبعیت از سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام و به انگیزه مقابله به مثل و فرونشانـدن کینه های کهنه خود به تعقیب و گریز و کشـتار شـیعیان بپردازند گرچه بدون این بهانه نیز از ظلم و بیـداد بر شـیعیان مظلوم چیزی فروگـذار نکردنـد. امـا عصـر ظهور، زمـان پایـان یـافتن رعـایت تقیه است؛ زیرا تقیه یـک روش تـاکتیکی بـوده است برای حفـظ نیروهـا در شـرایط سـیطره اکـثریتِ باطـل و بیم از هـدر رفتن نیروهـا، در حـالی که در دوران حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیمنه باطل شکسته می شود و

مؤمنان از امنیت کامل برخوردار خواهند شد هم چنانکه در آیه((وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا))(۱) امنیت فراگیر از مهم ترین شاخصه های دولت مهدوی شمرده شده است. و بیم شان را به ایمنی مبدل گرداند.

بر این اساس، میان روایاتی که بر همگونی همه جانبه سیرت علوی و مهدوی و روایاتی که بر تفاوت فی الجلمه سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارند، هیچ تعارضی نیست، چرا که میان عام و خاص و مطلق و مقیّد تعارضی وجود ندارد و جمع این دو دسته روایت به تقیید عموم و اطلاق دسته اول به وسیله احادیث دسته دوم است؛ یعنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمام ابعاد، سیرت و سنتی همانند امام علی علیه السلام خواهند داشت به جز مسئله مواجهه با کسانی که بر او خروج کرده و شوریده اند که در این خصوص شیوه ای نوین در پیش خواهند گرفت. با این عده در میدان کارزار مقاتله می شود و افزون بر این فراریانشان تعقیب شده از پا درمی آیند و مجروحانشان نیز کشته می شوند.

در این روایات، به فلسفه و حکمت این تفاوت ها به خوبی اشاره شده و امام علیه السلام کاملاً توضیح می دهد که چرا رفتار و سیره امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیر علیه السلام تفاوت می کند. امام روشن می کند که شرایط تغییر کرده و شرایط زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام یکسان نیست؛ در نتیجه در رفتار او تغییر و تحولی دیده می شود. با تأمل و دقت در این روایات روشن می شود که امام کاملاً حقیقت را بازگو کرده و توضیح داده است.

بنابراین، تحلیل محتوایی این گونه روایات نیز نشان می دهد که این تفاوت ها در شیوه های اجرایی احکام دین در شرایط مختلف، تا حدی طبیعی نیز هست؛ چراکه با طولانی شدن زمان غیبت و عدم دسترسی مردم به منبع معصوم، عوامل مختلف جهل و هواخواهی مردم سبب ایجاد بدعت هایی در دین می شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تاویل و تفسیر می شود؛ بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می گردد به گونه ای که گویا اصلاً از اسلام نبوده است، لذا وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، بدعت ها را ابطال می کند و احکام خدا را به همان شکل که صادر شده ظاهر می نماید. حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند و چون در طول تاریخ، زمامداران نالایق و متظاهر به اسلام، پیرایه هایی به اسلام بسته اند و بدعت ها و تحریفات زیادی ایجاد می کنند، لذا اگر امام علیه السلام حقیقت را آشکار کند مردم خیال می کنند مکتب جدید، روش جدید و قضاوت جدیدی غیر از اسلام آمده است. از این رو تازگی این

برنامه ها و روش ها نه به خاطر آن است که مـذهب جدیـدی با خود می آورد بلکه آن چنان اسـلام را از میان انبوه خرافات و تحریف ها و تفسـیرهای نادرست و تلقی های غلط بیرون می آورد که بنایی کاملاً نو و جدید جلوه می کند. و یکی از رسالت هـای آن حضـرت پیرایش اسـلام از این وصـله هـا و پیرایه هـا و به تعبیر دیگر نوسازی و تجدیـد بنای شـکوهمند آن است که مجموعه این نوسـازی در عرصه های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسـی آن چنان زیاد و دگرگون کننـده است که در روایات از آن به «دین جدید» یا «روش جدید» تعبیر شده است.

در سـخنی که امام صادق علیه السـلام به ابو عبیده فرموده است نیز به این همگونی سـیرت ائمه علیهم السـلام اشاره شده است: «يَا أَبَا عُبَيْدَةَ، إِنَّهُ لَايَمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتّى يُخَلِّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ، و يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ، و يَدْعُو إِلى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛(۱) ای اباعبیده کسـی از ما چشم از جهان فرونمی بندد مگر این که پس از خود کسـی را قرار می دهد که مانند او عمل می کند و به روش او رفتار می نماید و به آن چه او می خوانده فرامی خواند».

از این فرمایش امام صادق علیه السلام می توان نتیجه گرفت که میان سیره

۱- الکافی، ج۲، ص۳۲۲.

امامان علیهم السلام نه تنها تعارض و تضاد وجود ندارد بلکه سیره یکایک امامان علیهم السلام بر محور سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استوار بوده و همه امامان معصوم علیهم السلام از سیرتی یکسان و سنّت و شیوه ای همگونی برخوردارند.

□□□

بخش دوم: سیره مهدوی

اشاره

اصول کلی در سیره و روش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجداد طاهرینش علیهم السلام می باشد، اگرچه در مقام اجرا در برخی روش ها بنا به تفاوت شرایط عصر ظهور با دوران پیشین صدر اسلام متفاوت است و حضرت حکم واقعی را به اجرا می گذارد در حالی که اجداد طاهرینش بنا به مصالحی، رویه مماشات و تقیه را در پیش می گرفت؛ اما در اصل تحقق آموزه های متعالی قرآن و سنّت، سیره آن حضرت همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برنامه دولتش، بازیابی عظمت قرآن و احیای آموزه های عالی اسلام است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود، با جاهلیت قدیم و جدید، برخورد می کند و ارزش های اسلامی و الاهی را در جامعه عصر ظهور تحقق می بخشد؛ به همین دلیل آن حضرت، شرط بیعت خویش را، استواری مردم در

پیروی از آن حضرت برای اجرای برنامه ها و دستورات قرآن و سنت، قرار می دهد: «یُبَایَعُ الْقَائِمُ بِمَکَّهَ عَلَی کِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ؛(۱) مردم مکّه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند تا بر طبق کتاب و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن حضرت پیروی نمایند».

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقّق بخش بشارت شیرینی است که خداوند منّان به مستضعفان عالم وعده داده است: ((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئا))؛(۲) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقان اند.

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

آن حضرت، وارث همه پیامبران و اوصیا علیهم السلام و مصداق کامل رهبر الاهی است؛ رهبری که محبوب مردم بوده و در بین آن ها و مانند آن ها زندگی می کند، دردهای آن ها را به خوبی می شناسد و درمان آن ها را می داند و تمام همت خود را برای بهبودی حال آن ها به کار می گیرد و در این راه تنها به رضایت الاهی می اندیشد.

حذیفه بن یمان گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود:

یا حذیفه! إذَ بَعثَ اللّه رَجُلًا مِن أطَائِبِ عِترَتِی وَ أبرَارِ ذُرّیَتِی عَدلًا مُبَارکاً زَکِیّاً لَا یُغادِرُ مِثقَالَ ذَرّهٍ، یُعِزّ اللّه بِهِ الدّینَ وَ القُرآنَ وَ الإسلَامَ وَ أهلهُ، وَ یُذِلّ بِهِ الشِّرکَ وَ أهلهُ، یَکوُنُ مِنَ اللّه عَلَی حَذَر، لَا یَغتَرُّ بَقَرَابتِه، لَا یَضَعُ حَجَرًا علی حَجَرٍ، وَ لَا یَشقَعِرٌ أَحَداً فِی وَلَایتِهِ بِسوطٍ إلَّا فِی حَدّ، یَمحُو اللهُ بِهِ البِدَعَ کُلِّهَا، وَ یُمِیتُ بِهِ الفِتَنَ کُلّهَا، یَفتَحُ اللّه بِهِ کُلّ بَاب حَقّ، وَ یَغلَقُ بِهِ کُلّ بَاب بَاطِلٍ، یَرُدّ اللّه بِهِ سَبی المُسلِمِینَ حَیثُ کَانُوا، قُلتُ: فَسَمِّ لَنَا هَذَا العَبدَ الّذِی قَد اِخْتَارَهُ اللّه لِأُمَّتِکَ وَ ذُرِّیَتِکَ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: ... لَوْ لَم یَبْقَ مِنَ الدّنیاَ إلّا یَومٌ وَاحِدٌ لَجَعلَ اللّه مِقدَارَ مَا یَکُونُ فِیهِ جَمِیعَ مَا ذَکَرْتُ (۱)؛ ای حذیفه، هنگامی که خدا مردی را از پاکیزگان و بهترین فرزندان من برانگیزد که عادل و مبارک و زکی است و به قدر ذره و مثقال خیانت نمی کند و خدا به وسیله او دین و

۱- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص۲۶۵.

قرآن و اسلام و اهل آن را عزیز خواهد کرد و به واسطه او است که خدا شرک و اهل آن را ذلیل می نماید، او از خدا می ترسد و به واسطه قرابتی که به من دارد مغرور نخواهد شد. حرمتی را به حرمتی ضایع نمی کند، در زمان حکم فرمائی خود کسی را با تازیانه نمی زند مگر اینکه بخواهد حد جاری کند، خدا به وسیله آن بزرگوار کلیه بدعت ها را محو و نابود می نماید، فتنه ها را ریشه کن خواهد کرد، خدا به واسطه آن حضرت، باب حق را مفتوح و باب باطل را می بندد و اسرای مسلمین را هر جا که باشند به وسیله او به مکان خود باز می گرداند. عرض کردم: نام آن بنده ای را که خدا از ذرّیه تو برای امت تو برگزیده است برای ما بگو؟ فرمود: اسم او مانند اسم من و اسم پدرش چون اسم پدرم است، اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نباشد خدا آن روز را به قدر این هائی که من گفتم قرار خواهد داد.

با توجه به گستردگی ابعاد سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفدر این بخش با استفاده از آیات و روایات، به تبیین ابعاد گوناگونی سیره آن حضرت در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی، می پردازیم.

سیره فردی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سلوک شخصی و رفتار فردی خویش، همانند جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برای همگان اسوه و الگوی نمونه است. آن

حضرت اگرچه حاکم مطلق همه جهان است اما همانند امیرمؤمنان علیه السلام حکومت در نگاه ایشان وسیله ای برای خدمت به بندگان خدا و تربیت مردم و رشد و تعالی جامعه به قله های کمال است، نه چیز دیگر.

آن حضرت سرآمد همه در علم و دانش و وجود نازنین شان چشمه سار برکت و پاکی است؛ با اینکه فرمانروای مطلق جهان است، اما این فرمانروایی و سلطنت بر دنیا، هرگز مانع از تهجّد و عبادت آن حضرت نمی شود.

درباره عبادت و تهجّد و شب زنده داری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یحیی بن فضل نوفلی گوید: در بغداد محضر امام موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم دیدم که حضرت پس از نماز عصر دستان مبارکش را به دعا برداشت و برای تعجیل فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دعا فرمود. وقتی من از آن حضرت در این باره پرسیدم در پاسخ فرمود:

ذَلِکَ الْمَهْدِیُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله... أَسْمَرُ اللَّوْنِ یَعْتَادُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ صُفْرَهٌ مِنْ سَهَرِ اللَّیْلِ بِأَبِی مَنْ لَیْلَهُ یَرْعَی النُّجُومَ سَاجِداً وَ رَاکِعاً بِأَبِی مَنْ لَا یَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٍ مِصْبَاحُ الدُّجَی بِأَبِی الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ(۱)؛ او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آل محمد علیهم السلام است .... با وجود اینکه رنگ چهره اش گندمی است، بر اثر تهجّد و شب زنده داری، رنگش به

۱- بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۸۱.

زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را نظاره می کند.و پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای در او اثر نمی گذارد، هم او که روشنی بخش تاریکی است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می نماید.

امام رضا علیه السلام در توصیف روحیه تعبد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خدای متعال فرمود: «یَکُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعاً لِلَّهِ جَلَّ ذِکْرُهُ(۱)؛ او در برابر خدای جلیل از همگان متواضع تر است».

نیز آن حضرت در توصیف خشوع شدید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خدا می فرمایند: «المَهدِیّ خاشِعُ لله کَخُشوعِ النَّسرِ لِجَنَاحِه(۲)؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خداوند فروتن است، همچون عقاب در برابر بالش». در این کلام حضرت رضا علیه السلام، خشوع کردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برابر خداوند به انعطاف پذیری شیشه تشبیه شده است، شاید منظور این باشد که همان طور که شیشه زود می شکند و خورد می شود همان طور هم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقابل خدا خورد می شود و خشوع می نماید.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار سخت کوش و بردبار و اهل صبر و مجاهدت و مبارزه و شتابنده به سوی نیکی هاست. در حدیث لوح که امام

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۴۱۸.

۲- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص۱۵۳.

صادق علیه السلام آن را از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و او از جابر بن عبد الله انصاری و او از حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است، پس از بر شمردن دیگر اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین آمده است:

والْخَازِنَ لِعِلْمِیَ الْحَسَنَ الْعَسْکَرِیَّ علیه السلام ثُمَّ أُکْمِلُ دِینِی بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ عَلَیْهِ کَمَالُ مُوسَی وَ بَهَاءُ عِیسَی وَ صَبْرُ أَیُّوب علیه السلام(۱)؛ سپس خزانه دار علم من حسن عسکری و پس از او دینم به وسیله فرزندش محمد(حضرت مهدی) به کمال و فعلیت می رسد؛ همو که دارای کمال موسی علیه السلام و شکوه عیسی علیه السلام و شکیبایی ایوب علیه السلام است.

در دعایی که امام رضا علیه السلام شیعیان را به خواندن آن سفارش فرمود، درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این گونه توصیف شده است:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَ خَلِیفَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ لِسَانِکَ الْمُعَبِّرِ عَنْکَ بِإِذْنِکَ النَّاطِقِ بِحِکْمَتِکَ وَ عَیْنِکَ النَّاظِرَهِ عَلَی بَرِیَّتِکَ وَ شَاهِدِکَ عَلَی عِبَادِکَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِذِ بِکَ عِنْدَکَ(۲)؛ خدایا از ولی و خلیفه و حجتت بر مردم و زبان گویایی که با اذن تو و بر اساس حکمت تو سخن می گوید و

۱- الإحتجاج، ج ۱، ص۶۸.

۲- مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص۴۰۹؛ البلد الأمین و الدرع الحصین، ص۸۱؛ بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰.

چشم بیدار تو و گواه بر بندگانت وسخت کوش تلاشگر را در پناه خودت محافظت بفرما».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اهل سکینه و وقار است. حرَث بن مغِیره نصری گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِمَ یُعْرَفُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: بِالسَّکِینَهِ وَ الْوَقَارِ وَ العِلم وَ الوَصِیّه(۱)؛ چگونه صاحب مقام امامت شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به آرامش دل و وقار و دانش و وصیت».

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در استفاده از بیت المال و امور معیشت، قناعت و زهد را پیشه خود می کند و در امر خوراک و پوشاک درباره شخص خود بسیار سخت گیر و دقیق است، چنانکه در برخی روایات، سیره آن حضرت در پوشش و استفاده از غذاها، به شیوه جدش امیرمؤمنان علیه السلام تشبیه شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّ قائِمَنا اَهلَ البَیْتِ اِذا قامَ لَبِسَ ثِیابَ عَلی علیه السلام وَسارَ بِسیرَهِ عَلی علیه السلام(۲)؛ همانا قائم ما اهلبیت، آنگاه که قیام کند، لباس علی علیه السلام را بر تن خواهد کرد و بر سیره او عمل خواهد نمود».

۱- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمدصلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۴۹۰؛ الإمامه و التبصره من الحیره، ص۱۳۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ج ۶، ص ۴۴۴.

یعقوب بن شعیب از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

أَلَا أُرِیکَ قَمِیصَ الْقَائِمِ الَّذِی یَقُومُ عَلَیْهِ فَقُلْتُ بَلَی فَدَعَا بِقِمَطْرٍ فَفَتَحَهُ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قَمِیصَ کَرَابِیسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِی کُمِّهِ الْأَیْسَرِ دَمٌ فَقَالَ هَذَا قَمِیصُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الَّذِی عَلَیْهِ یَوْمَ ضُرِبَتْ رَبَاعِیَتُهُ وَ فِیهِ یَقُومُ الْقَائِمُ فَقَبَّلْتُ الدَّمَ وَ وَضَعْتُهُ عَلَی وَجْهِی ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ رَفَعَهُ؛(۱) آیا نمی خواهی پیراهن قائم را که در آن قیام می کند به تو نشان دهم؟ عرض کردم: چرا می خواهم ببینم. حضرت دستور داد جعبه ای آوردند و در آن را گشود و یک پیراهن کرباسی از میان آن بیرون آورد و آن را باز کرد. دیدم آستین چپ آن خون آلود است. حضرت فرمود: این پیراهن پیامبر است که در روزی که دندان مبارکش را شکستند به تن داشت، قائم هم در روز ظهورش این را به تن می کند. من آن خون خشکیده را بوسیدم و آن را به صورت خود مالیدم. سپس حضرت پیراهن را پیچید و برداشت.

معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ عَلِیّاً کَانَ عِنْدَکُمْ فَأَتَی بَنِی دِیوَانٍ فَاشْتَرَی ثَلَاثَهَ أَثْوَابٍ بِدِینَارٍ... ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ إِلَی السَّمَاءِ فَلَمْ یَزَلْ یَحْمَدُ اللَّهَ عَلَی مَا کَسَاهُ حَتَّی دَخَلَ مَنْزِلَهُ ثُمَّ قَالَ: هَذَا اللِّبَاسُ الَّذِی یَنْبَغِی لِلْمُسْلِمِینَ أَنْ یَلْبَسُوهُ.

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۵.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: وَ لَكِنْ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَلْبَسُوا هَذَا الْيَوْمَ وَ لَوْ فَعَلْنَا لَقَالُوا مَجْنُونٌ وَ لَقَالُوا مُرَاءٍ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ قَالَ وَ ثِيَابَكَ ارْفَعْهَا لَا تَجُرَّهَا فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا كَانَ هَذَا اللِّبَاسَ(۱)؛ همانا علی علیه السلام نزد شما بود، او نزد بنی دیوان آمده و سه لباس به یک دینار خرید... سپس دست به آسمان بلند کرده و پیوسته خداوند را بر آن چه به او پوشانده بود شکر می کرد تا این که به منزل رسید و فرمود این همان لباسی است که سزاوار است مسلمانان آن را بپوشند. امام صادق علیه السلام در ادامه فرمودند: ولی امروز مردم نمی توانند آن لباس را بپوشند و اگر ما چنین کنیم می گویند دیوانه است یا می گویند ریا می کند در حالی که خداوند می فرماید: لباست را بالا بگیر و بر زمین نکش و چون قائم ما قیام کند چنین لباسی خواهد بود.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْف (۲)؛ چرا

۱- الکافی، ج۶، ص۴۵۶.

۲- الغیبه، نعمانی، ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۴. در نقل دیگر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهِ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ چرا به خروج امام قائم شتاب می کنید بخدا قسم به جز جامه ای درشت بافت نپوشد و به جز غذای ناگوار نخورد و مرگ در سایه شمشیر است»(الغیبه، نعمانی، ص۲۳۳).

به فرا رسیدن خروج قائم شتاب می کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و به جز جامه ای درشت بافت نپوشد و به جز کار زار با شمشیر و مرگ و کشتار چیزی نخواهد بود.

معمّر بن خلّاد گوید:

ذُکِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ: أَنْتُمُ الْیَوْمَ أَرْخَی بَالًا مِنْکُمْ یَوْمَئِذٍ قَالُوا: وَ کَیْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا عجل الله تعالی فرجه الشریف لَمْ یَکُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَی السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف إِلَّا الْغَلِیظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛(۱) نزد امام ابی الحسن الرّضا علیه السلام از قائم یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند جز لخته خون و عرق و بر روی زین های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با همه این سخت گیری ها برخودش در استفاده از بیت المال، با مردم برخورد سخاوت مندانه داشته و نسبت به آنان از همه دلسوزتر و مهربان تر است. امام رضا علیه السلام اوصاف و خصوصیات

۱- الغیبه، نعمانی، ۲۸۵.

فردی امامان معصوم علیهم السلام را که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از آن بزرگواران است، چنین بر شمرده است:

یَکُونُ أَوْلَی بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَشْفَقَ عَلَیْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ یَکُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعاً لِلَّهِ جَلَّ ذِکْرُهُ(۱)؛ او نسبت به مردم از خودشان اولی و احقّ است و از پدران و مادرانشان درباره ایشان مهربان تر و دلسوزتر و در برابر خدا از همگان متواضع تر است.

در زیارت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره ویژگی نصیحت و خیرخواهی آن حضرت نسبت به مردم آمده است:

السّلامُ عَلیکَ ایُّها الولّی النّاصِح، السّلامُ عَلیکَ یَا سَفِینَهَ النّجَاه، السّلامَ عَلیکَ یَا عَینَ الحَیَاه(۲)؛ سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده و خیر خواه و ای کشتی نجات بشریت و ای چشمه سار جاری حیات و زندگی.

□□□

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۴۱۸.

۲- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۲، ص۸۵.

سیره اخلاقی و تربیتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

صفات اخلاقی، فضایل و ملکاتی است که در نفس انسان رسوخ کرده و حالت ماندگار دارد. مراد از اخلاق، ملکه ای در نفس یا مجموعه خصلت های روحی و نفسانی و باطنی انسان است که منشأ صدور رفتار ظاهری و افعال خیر یا شر، بدون تفکر و تدبر می شود.

کاربرد سیره اخلاقی درباره ائمه معصوم علیهم السلام به معنای شناخت سبک، روش و قواعد خاص رفتار امامان معصوم علیهم السلام است که از جنبه های گوناگون زندگی آنان قابل استنباط است.

منظور از سیره تربیتی در این جا، دست یابی به قواعد، سبک ها و روش هایی است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه های مختلف علمی، تربیتی، مدیریتی و غیره از خود بروز می دهد. پس هر رفتاری که از امام سرزده است، چه در محیط فردی و عبادی و چه در محیط اجتماعی و تربیتی به منظور اثرگذاری بر دیگران، منشأ استخراج سبک و روش کلی رفتاری ایشان قرار می گیرند.

بنابراین، مقصود از سیره تربیتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عبارت است از هر گونه رفتاری که آن حضرت برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان، اصحاب و غیر اصحاب، کودک و بزرگسال و فرزندان و خانواده خود یا دیگران، در

محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام می دهند. در جامعه مهدوی تربیت و فرهنگ از شأن بالاتری برخوردار است و اقتصاد و ثروت، رنگ حکمت و فرهنگ و قرب به خود می گیرد و توزیع عادلانه آگاهی ها و معرفت ها و مناصب اجتماعی تابع فرهنگ و زمینه ساز تربیت اجتماعی خواهد بود.

در دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می رود و بسیاری از انحراف ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی ها و بی بندوباری ها از جامعه رخت برمی بندد و بدین سان آسایشی را عرضه می دارد که بشر قرن ها به دنبال آن بوده است و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی ره می یابد.

در حکومت دین مدار و فضیلت پیشه مهدوی، با اینکه نعمت های مادی فراوان است، مفهوم لذت، نیاز، کمال و ابتهاج تغییر کرده و در راستای قرب و کمال شکل می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِیِّ (قَالَهَا ثَلَاثاً) یَخْرُجُ عَلَی حِینِ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زِلْزَالٍ شَدِیدٍ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً یَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُه(۱)؛ شما را به قیام مهدی

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص۷۴.

مژده می دهم(سه بـار فرمود)، هنگـامی که مردم به جان هم افتنـد و زلزله سـختی پدیـد آیـد او ظهور خواهـد کرد. زمین را از عدل و داد پر کند چونانکه از ظلم و جور پرشده باشد.

در پرتو تربیت مهدوی، جامعه عصـر ظهور از نظر تکامل و بلوغ روحی به مدارج عالی و شایسـته نائل می شود. جنگ و نزاع و کینه توزی از نابخردی و پایین بودن سطح فرهنگ انسانی سرچشمه می گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل کینه ها به محبت و دوستی تبدیل می شود، و روابط اجتماعی بر اصل انساندوستی و نوع خواهی اسـتوار می گردد، محبت در سـطح جامعه بشـری گسترش می یابد، و آرمان دیرینه انسان دوستان و جامعه شناسان یعنی گسترش دوستی به سراسر جامعه بشری تحقق می یابد.

امیرمؤمنان علیه السـلام در این باره می فرمایـد: «وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَاد؛(۱) چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل بندگان بیرون می‌رود».

حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نمـاد اخلاـق حسـنه و مظهر علم، حکمت، سـخاوت، شـجاعت، حلم، تقوی و عبودیت است. امام رضا علیه السلام فرمود: «یَکُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَ أَحْکَمَ النَّاسِ وَ أَتْقَی النَّاسِ وَ أَحْلَمَ النَّاسِ وَ أَشْجَعَ النَّاسِ

۱- الخصال، ص۶۲۶؛ تحف العقول، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۱۶.

وَ أَسْخَی النَّاسِ وَ أَعْبَدَ النَّاسِ(۱)؛ او دانشمندترین مردم و حکیم ترین مردم و پرهیزگارترین مردم و حلیم ترین مردم و شجاع ترین مردم و سخی ترین مردم و عابدترین مردم است».

ویژگی ها و منش اخلاقی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در همه جهات اسوه حسنه و نماد اخلاق نیکو است. برخی از شباهت های خَلقی و خُلقی آن حضرت با جدش رسول الله صلی الله علیه و آله در روایات بیان شده است.

همانندی ویژگی های اخلاقی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ویژگی های اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زبان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام این گونه توصیف شده است: جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:«الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی اِسْمُهُ اِسْمِی وَ کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النَّاسِ بِی خَلْقاً وَ خُلْقاً(۲)؛ مهدی از فرزندان من است، نام او همنام من و کنیه او مانند کنیه من است، او از جهت خَلق(خلقت ظاهری و جسمانی) و خُلق(خصلت ها و صفات باطنی) شبیه ترین افراد به من است».

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص۴۱۸.

۲- الإمامه و التبصره من الحیره، ص۱۲۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۸۶؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۲۴.

در سخن دیگر فرمود: «أشبَهُ النّاسِ بِی(۱)؛ شبیه ترین مردم به من است». نیز فرمود: «أشبَهُ النّاسِ بِی فِی شَمَائِلِه وَ أقوَالِهِ وَ أفعَالِهِ(۲)؛ شبیه ترین مردم به من در قیافه و گفتار و رفتار است».

احمد بن اسحاق قمی گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یُخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیا حَتَّی أَرَانِیَ الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِی ما أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَلْقاً وَ خُلُقاً یَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبارَکَ وَ تَعَالَی فِی غَیْبَتِهِ وَ یُظْهِرُهُ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً؛(۳) سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد، او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خداست. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ فرماید، سپس او را آشکار کند و او زمین را پر از عدل و داد فرماید، هم چنانکه مملوّ از جور و ستم شده باشد.

امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

۱- کفایه الأثر، ۱۲۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۵۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۰۸؛ کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الإثنی عشر، ص۲۹۵.

نَظَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ علیه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَيِّداً وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يُشْبِهُهُ فِي الْخَلْقِ وَ الْخُلُق (۱)؛ این فرزندم سرور و آقاست چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را این گونه نام گـذاری کرده است و به زودی از نسل او مردی که همنام پیامبر شـما است متولـد خواهـد شد که در صورت و سیرت شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

در روایات دیگر نیز آمده است: «أشـبه الناس برسول الله صلی الله علیه وآله(۲)؛ شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیرت و صورت و زیبایی و جمال است».

سیره دینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

سیره دینی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در عصـر ظهور همان سـیره جدش پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله است، چرا که مأموریت اصـلی خاتم اوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق کامل دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و تعالی و شکوفائی جامعه دینی در عصـر ظهور است، زیرا اگرچه اکمال و اِتمام دین از نظر بیان و تبلیغ با بعثت مقدَّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شـکل گرفت، امـا در زمان بعثت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله شـرایط برای اجرای کامل آن، به نحو جهانی و برای جمیع بشریّت

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۴. در نقل شیخ طوسی این گونه آمده است «فیشبهه فی الخَلقِ والخُلقِ؛ پس در صورت و سیرت، شبیه پیامبرصلی الله علیه و آله است». الغیبه، طوسی، ص ۱۹۰.

۲- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۴۸.

مهیّا نبوده است، از این رو اجرای کامل آن در سطح جهانی، به وسیله آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می پذیرد.

الف) احیای دوباره اسلام

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف احیاکننده معارف فراموش شده دین و تحقق بخش کامل احکام اسلام است، همان احکام نورانی که پیش از او مهجور مانده و یا به زیاده و نقصانی آمیخته شده بود و آن حضرت با قیام خود دین را از افکار بشری غیر صحیح غبارروبی می کند. از این رو در برخی روایات از آن حضرت به عنوان مجدّد اسلام و احیاگر احکام قرآن یاد شده است.

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمار فرمود:

إِنَّ لِلْقُرْآنِ تَأْوِيلًا فَمِنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ فَإِذَا وَقَعَ التَّأْوِيلُ فِي زَمَانِ إِمَامٍ مِنَ الْأَئِمَّهِ عَرَفَهُ إِمَامُ ذَلِكَ الزَّمَانِ(۱)؛ هما نا برای قرآن تأویل هایی است که برخی آمده است و برخی دیگر هنوز نیامده است. هرگاه تأویل آن در زمان یکی از ائمه علیهم السلام بیاید فقط امام آن زمان تأویل آن را می داند.

امام صادق علیه السلام درباره قرآن فرمود:

۱- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص۱۹۵.

إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَمْ يَمُتْ وَ إِنَّهُ يَجْرِی كَمَا يَجْرِی اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ كَمَا يَجْرِی الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ يَجْرِی عَلَی آخِرِنَا كَمَا يَجْرِی عَلَی أَوَّلِنَا(۱)؛ همانا قرآن همیشه زنده و هرگز نمی میرد و همانند شب و روز و گردش خورشید و ماه همواره جاری است، همان گونه که بر نخستین ما جاری بود بر آخرین ما نیز جاری است.

امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک بن ضمره، درباره اجتماع مردم در محور دین واحد در زمان ظهور توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرمود:

يَا مَالِكَ بْنَ ضَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشِّيعَةُ هَكَذَا؟ وَ شَبَّكَ أَصَابِعَهُ وَ أَدْخَلَ بَعْضَهَا فِی بَعْضٍ. فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ؟ قَالَ: الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا فَيُقَدِّمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَی اللَّهِ وَ عَلَی رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَی أَمْرٍ وَاحِدٍ(۲)؛ ای مالک چگونه خواهی بود هنگامی که شیعه، این چنین(و انگشت هایش را در میان یک دیگر کرد و درهم و برهم نمود) با هم اختلاف کنند. عرض کردم: یا امیرالمؤمنین در چنین هنگام خیری وجود نخواهد داشت. فرمود: ای مالک همه خیر در آن هنگام است، زیرا که قائم ما قیام می کند و هفتاد نفر را که به خدا و رسول او

۱- بحار الانوار، ج ۳۵، ص۴۰۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ۲۰۶.

دروغ می بسته اند پیش می کشد و به قتل می رساند، سپس خداوند همه آنان را بر محور یک امر گرد می آورد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرٍ مَضْلُولٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَق؛(۱) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، مردم را به اسلام جدید دعوت می‌فرماید و به امری که کهنه شده و جمهور مردم از آن گمراه مانده‌اند، هدایت می کند و او بدان جهت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیده شده چون که به چیزی هدایت می کند که گم شده است و او را از آن جهت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نامند که قیام به حق می فرماید.

در روایت دیگر آن حضرت درباره احیاگری دینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ يَهْدِم مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛(۲) همان کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، انجام می دهد و برنامه های نادرست پیشین را ویران می سازد و اسلام را نوسازی می کند، همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عادات جاهلیت را ویران ساخت.

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۶؛ شرح الاخبار، ج۳، ص۵۶۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۳.

بدون شک در این گونه روایات، مراد از تجدید اسلام، آیین تازه و راه و روش جدیدی غیر از اسلام نیست، زیرا همان گونه که تمامی ائمه علیهم السلام از سنّت و سیرت واحدی برخوردار بوده اند و شیوه زندگی همه امامان معصوم علیهم السلام برپایه سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استوار بوده است، دین و سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چیزی جز همان دین و سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهد بود. (۱)

بنابراین تعبیرهایی مانند آئین نو و جدید و روش تازه، برای آن است که احکام و معارف فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، در گذشته بنا به عللی تبیین نگشته است یا متناسب با سطح فرهنگ و فکر اجتماعات گذشته نبوده و یا زمینه عملی آنها وجود نداشته است. باز گویی چنین معارف و علوم و مسائلی، بی گمان برای جامعه اسلامی، ناشناخته خواهد بود و چون امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این تعالیم را از ظاهر و باطن قرآن کریم استنباط می کند و به مردم می آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب جدید انگاشته می شود. و چون تعالیم و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است، به گونه ای که در جامعه های اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است،لذا طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می شود.

۱- آخرین منجی، ص۲۸۴.

همچنین بسیاری از اصول و احکام دینی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضعی گشته و امام آن ها را چنانکه در اسلام اصیل بوده است دیگر باره مطرح می سازد، و تحریف و انحرافهای روی داده را روشن می کند و مفهوم حکم یا جایگاه آن رامشخص می سازد، و این با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه جدید و راه و روش تازه حساب می شود.

براین اساس، معنای آیین تازه و کتاب جدید، این چگونگی ها است. از این رو می توان گفت بیشترین مسائلی را که امام مورد توجه قرار می دهد و برای جامعه های اسلامی تازه و جدید جلوه می کند و ناشناخته و ناآشنا می نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است، یعنی موضوعی که انسان گذشته سخت نیازمند به آن بوده و بدان نرسیده است. و همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می دهد و اجرای آن یعنی برقرار سازی عدل و دادگری در سراسر گیتی، از اقدامهای اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.(۱)

بنابراین، سیره دینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس حاکمیت دین اسلام و اجرای عدالت استوار است، در دولت عدل مهدوی، اندیشه واحدی

۱- عصر زندگی، ص۱۷۵.

مبتنی برآموزه های اسلام بر جهان حاکم می گردد و راه و روش و برنامه ها نیز یکی است و مردم همه به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند.

ب) بازگشت به قرآن

دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون شک، نقطه عطف تاریخ بشر به آموزه های قرآنی است، همان گونه که وجود مبارک امیرمؤمنان علی علیه السلام دوران ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقطه عطف تاریخ به سوی برنامه های قرآن، معرفی کرده است:

یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْی؛(۱) او با محور قرار دادن قرآن، نظرات و خواسته های افراد را به سوی قرآن جلب کرده با محک قرآن می سنجد، آنگاه که مردم قرآن را مستمسک و محملی برای پندارها و توجیه خواسته ها و تمایلات خود قرار داده اند.

این کلام امام علی علیه السلام، به توجیهات و تأویلها و برداشتهای نادرست از قرآن اشاره دارد که جامعه اسلامی در طول دوران غیبت، در اثر نبودن مفسر واقعی قرآن، دچار چنین بدآموزی ها و تحریف هایی

۱- نهج البلاغه، ج۲، ص۲۱؛ بحار الانوار، ج۳۱، ص۵۴۹؛ میزان الحکمه، ج۱، ص۱۸۷.

می شونـد. آنچه امروزه در اصـطلاح به عنوان «نقطه عطف» به کار می رود، برگرفته از همین بیان نورانی می باشـد. اگر مسـیر حرکت جوامع انسـانی همچون خطی باشـد که در مسـیر خود ناگزیر رو به سویی دارد و به سـمت غایت و مطلوبی در حرکت است و حوادث اساسـی در تاریـخ زندگی بشـر را هم که هر از گاهی به وقوع می پیوندد، بسان نقاطی برجسـته بر روی آن در نظر گیریم، خواهیم دیـد که برخی حوادث(صـرف نظر از بار ارزشـی آن ها) مسـیر حرکت جامعه بشـریت را تغییر داده و قافله انسانی را به سـمت و سویی دیگر جهت بخشیده اند؛ گوئیا این خط را به سَمت قبله ای که خاصّ آنهاست خم کرده و از مسیر قبلی برگردانده اند. این گونه حوادث مهم و اثرگذار را «نقطه عطف» می نامند.

گاهی جهت گیری و نقطه عطف، بازگردانـدن مسـیر جامعه انسانی از «عـدل» به «ظلم» و «علم» به «جهل» می باشد، چنین نقطه عطفی، جز به سـقوط جامعه بشـر نمی انجامـد. کسانی که چنین نقاط عطفی در جوامع ایجاد می کننـد، یا اساساً وحی را انکار می کننـد و به کنـاری می نهنـد؛ یـا آن را بر انـدیشه خام خود عطف کرده و «باوری بی بنیان» را به نام دین به جامعه ارائه می دهند و مصداق کسانی می شوند که

((يَكتُبونَ الكِتبَ بِاَيـديهِم ثُمَّ يَقُولُونَ هَـذَا مِن عِنـدِ الله))(۱) اینـان، هـدایت را بر هوس و کلام خـدای سـبحان را بر رأی خود عطف می کنند و از آنجا که معطوف همواره تابع معطوف علیه و فرع بر اوست، رأی خویش را اصل پنداشته و کلام الاهی را بر محور زعم خویش تأویل می کنند.

در برابر این گروه، انبیـای الاـهی علیهم السـلام و امامـان معصوم علیهم السـلام و برخی از شـاگردان آنـان نیز تأثیراتی عمیق و حیـات بخش در تاریـخ بشـر داشـته و جریـان حرکت جوامع انسـانی را از انحطـاط و تیرگی به سوی نور و رسـتگاری معطوف کرده اند. این نقاط درخشان تاریخ، گرچه در سمت و سو بخشیدن به جوامع انسانی به سوی قبله ای واحد همداستان بوده اند، دامنه تأثیرشـان در گوشه ای از زمین و زاویه ای از زمـان متفـاوت بوده است. ظهور وجود مبـارک امـام عصـر عجـل الله تعالی فرجه الشـریف همـان نقطه عطفِ جهان شـمولی است که جریان جامعه بشـر را در گستره ای به وسـعت تمامی زمین و تمامیت زمان خود، به سوی هدایت و تعالی معطوف می دارد.

فضـیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السـلام درباره دشواری های پیش روی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مقابله ایشان با توجیهات دینی مردمان خود

۱- سوره بقره، آیه ۷۹.

خواه، فرمود:

إنَ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ جُهَّالِ الْجَاهِلِيَّهِ. قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَی النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَهَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخُشُبَ الْمَنْحُوتَهَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَی النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ(۱)؛ آزاری که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخرالزمان بیند، بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دید. راوی می گوید: گفتم این چگونه می شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده شده را می پرستیدند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و آیه های قرآن را تأویل و توجیه می کنند.

از آن جا که دو جنبه علم و عمل یا اندیشه و انگیزه، تأمین کننده تمام فراز و فرودهای جوامع انسانی است، وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر دو جنبه تأثیری شگرف می نهد و نقطه عطفی نهایی می آفریند. در بُعد اندیشه و علم، آن حضرت با اثاره عقول بشر، حس و خیال و وهم را تحت فرمانروایی عقل و عقل را نیز به خدمت وحی ۸۰

درمی آورد و به نور کلام الاهی هدایت می کند؛ بدینسان تمامی مجاری ادراکی جامعه را به حق معطوف می کند و به تعالی می رساند. در بعد انگیزه یا عمل نیز گرایش ها و گریزها، جذب ها و دفع ها، شهوت ها و غضب ها را تحت اراده و اداره عقل عملی می برد و آن گاه عقل عملی را به رهبری وحی تکمیل و تتمیم می سازد و بدینسان هر کجراهه ای را بر راه مستقیم نور و هدایت منعطف می کند و بدین گونه جهانی ترین نقطه عطف عالم بشر را شکل می دهد؛ نقطه عطفی که هوای نفس را بر هدایت و آرای بشر را بر محور وحی برمی گرداند و سعادت جامعه بشر را تأمین می کند.(۲)

طبیعی است که در چنین فضای آکنده از اخلاق و نورانیت که روابط فردی و اجتماعی بر پایه تربیت و اخلاق و آموزه های دینی و قرآنی، شکل می گیرد، ریشه های فساد و تباهی خشکیده و فضایل اخلاقی جای گزین آن خواهد شد.

ج) برداشتن تقیه

عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر اقتدار و عظمت شیعه در جهان است. از این رو در عصر تقیه که به خاطر حفظ جان شیعه به عنوان

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۹۷.

۲- امام مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۶۸.

یک روش اضطراری در طول تاریخ شیعه بر پیروان اهلبیت علیهم السلام حاکم بود با ظهور آخرین حجت الاهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخت بر بسته و جامعه شیعی در اوج شکوه و عزت زندگی خواهند کرد. در آن زمان اساساً زمینه ای برای تقیّه نمی ماند.

امام صادق علیه السلام سدّ ذوالقرنین در قرآن را بر تقیه در دوران قبل از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق کرده است. مفضل بن عمر گوید:

سَألتُ الصّادِقَ عَلَیه السّلام عَنْ قَولِهِ: ((اَجْعَلْ بَینَکُم وَ بَینَهُم رَدمًا))(۱) قَالَ عَلَیه السّلامُ: اَلتَّقِیّهُ. ((فَمَا اسْطَعُوا اَن یَظهَروهُ ومَا استَطعُوا لَهُ نَقباً))(۲) قَالَ عَلَیه اِلسَّلامُ: مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْباً إِذَا عَمِلَ بِالتَّقِیّه لَمْ یَقْدِرُوا فِی ذَلِکَ عَلی حِیلَهٍ وَ هُو الحِصْنُ الحَصِین وَ صَارَ بَینَکَ وَبَینَ أَعْدَاءِ الله سَدّاً لَایَسْتَطِیْعُونَ لَهُ نَقْباً(۳) ؛ اما با ظهور آن حضرت هر یأجوج و مأجوج صفتی یا ساکن و یا ساکت می گردد و جایی برای سدّسازی با تقیه نیست.

نیز آن حضرت وعده الاهی را که سبب برچیده شدن آن سدّ می شود، بر قیام آخرین حجت الاهی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روز ظهور او تطبیق فرموده

۱- سوره کهف، آیه ۹۵.

۲- سوره کهف، آیه ۹۷.

۳- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵۱.

است: «وَسَئَلتهُ عَن قَولِهِ ((فَاذا جاءَ وَعدُ رَبّی جَعَلَهُ دَکّاء))(۱) قالَ علیه السلام: رَفَعَ التّقِیّهَ عِنْدَ قِیامِ القَائِمِ فَیَنْتِقِمُ مِن أَعدَاءِ الله(۲)؛ هنگام قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف تقیه برداشته می شود و از دشمنان خدا انتقام گرفته می شود».

با برپایی حکومت عدل و حق به دست آخرین حجّت خدا نه تنها پایانی بر شرک و بت پرستی، بلکه پایانی بر تجمّلات و تشریفات زائدی است که نه تنها راهگشای سعادت بشری نیست، بلکه رهزن اوست؛ به ویژه تشریفات و تجملاتی که راه عقل بشر را از فهم عمیق دین و عمل بر طبق آن به بیراهه ظاهرگرایی منحرف می سازد، چرا که سعادت بشر در گرو دینداری است و تقویت دینداری، در خوب فهمیدن و درست عمل کردن و خوب حمایت کردن از دین است؛ نه تشریفاتی چون تذهیب و نوشتن متن وحی به آب طلا یا تزیین و تذهیب تجملاتی مساجد و کارهایی که صبغه ریا و تظاهر دارد.

د) اصلاح انحرافات

از کارکردهای مهم دیگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه دینی، زدودن بدعت ها، تصحیح انحرافات و حذف برداشت های غیراسلامی و نادرستی است که به نام اسلام وبه مرور زمان به جامعه القا شده و در

۱- سوره کهف، آیه ۹۸.

۲- بحار الانوار، ج۱۲، ص۲۰۷.

مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است.

از روایت هایی که حرکت های فکری و فرهنگی حضرت را در عصر ظهور بیان می کند، دانسته می شود که در این روزگار توجیهات، تأویلات، تحریفات، انحرافات و پیرایه ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می کند و ساخته های ذهنی مدعیان دین، به عنوان باورهای دینی ترویج می شود. در زمان غیبت، بدعت هایی در دین گذاشته می شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. وقتی حضرت ظهور می کند، بدعت ها را باطل می کند و احکام خدا را به همان گونه که صادر شده ظاهر می نماید و حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَتْرُکُ بِدْعَةً اِلَّا أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةً أِلَّا أَقَامَهَا؛(۱)هیچ بدعتی نمی ماند مگر این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را از بین می برد و هیچ سنّت تعطیل شده ای نیست مگر آنکه آن را برپا می کند».

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۵؛ روضه الواعظین، ص۲۶۴؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج۱۸، ص۴۸۱.

الْمَهْدِیُّ وَ أَصْحَابُهُ یُمَلِّکُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یُظْهِرُ الدِّینَ وَ یُمِیتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبِدَعَ الْبَاطِلَ کَمَا أَمَاتَ السَّفَهُ الْحَقَّ حَتَّی لَا یُرَی أَثَرٌ لِلظُّلْم؛(۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند که خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد نمود و دین را به دست آن ها غالب می کند و باطل و دین های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می دارد چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است؛ به طوری عدالت گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند.

در دعای ندبه چنین می گوییم: «أینَ المُنتَظَرُ لِإقامَهِ الأمتِ وَ العِوَج(۲)؛ کجاست آن آقایی که برای اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی مورد انتظار است؟».

با توجه به این که گذشت قرن ها و غرض ورزی های گوناگون در خلال دوران تاریخ گذشته اسلام، و غیبت مفسر واقعی قرآن و بدآموزی حکومت های به ظاهر اسلامی و تفسیرها و برداشت های ارتجاعی روحانیان کوته فکر و واپس گرا، یا وابسته به دربارها و قدرت های مسلط سیاسی، یا جیره خوار طبقات مرفّه و اشراف و

۱- تفسیر قمی، ج۱، ص۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲- المزار الکبیر، ابن المشهدی، ص ۵۷۹.

سرمایه داران، دگرگونی هایی را در مفاهیم قرآنی و آموزش های اسلامی پدید آورده است، به گونه ای که چه بسیار آیات و احادیث و احکام را به سود خود و به نفع طبقات مرفه تفسیر کردند، و معنا یا موضع احکام الاهی را دچار تحریف و انحراف ساختند؛ نیاز به آمدن چنین مصلحی به خوبی احساس می شود.

جریان خودرأی و تفسیر به رأی در مورد قرآن و احکام الاهی مخصوص دوران خاصی نیست، بلکه از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیزی نگذشته بود که این کار آغاز شد، و حکومت گران ضروری دیدند که بخشی از تعالیم قرآنی و نبوی را برای استقرار حاکمیت خویش دگروار و واژگونه تفسیر کنند. و بر این کار افرادی به ظاهر عالم و حدیث شناس گمارده شدند و راه برای بازی با دین و آیین خدا بازگشت و ادامه یافت، واین تا سپیده دم ظهور و قیام مفسر واقعی قرآن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ادامه خواهد داشت، و با مانعی جدی روبرو نخواهد گشت. در این دوران طولانی هر فرقه و دسته و گروهی بر طبق امیال و خواسته های خود قرآن و احادیث را توجیه کردند، و آیه های قرآن و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را با همان تفسیرهای انحرافی به مردم آموزش دادند، و در بسیاری از موارد معانی انحرافی و تفسیرهای نادرست چنان جا افتاده و در ذهنها جایگزین گشت، که به دشواری می توان اصل دین را از زیر لایه های

غلیظ افکار و اندیشه های انحرافی بیرون آورد، و به راحتی به بازشناسی دین سره و خالص پرداخت. این جریان یکی از موانع بزرگ در سر راه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، زیرا که در این جریان امام تنها با توده های ناآگاه رویاروی نیست، بلکه عاملین اصلی توجیه ها و تأویل ها و انحراف ها و تحریف ها نیز پشت سر آنان قرار دارند و همواره به تحریک افکار و فتنه گری مشغولند.(۱)

ه) حاکمیت فراگیر دین اسلام

همان گونه که دین اسلام آخرین دین الاهی و جهانی است، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز عهده دار تحقق این دین در جهان است و رسالت او همانند رسالت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله جهانی است. عناصر محوری رسالت آخرین ذخیره الاهی، همان عناصری است که در رسالت تمام انبیا بوده است.

در دنیای کنونی اگرچه جلوه هایی از دین داری به چشم می خورد و بیشتر جمعیت جهان از متدینان به یکی از ادیان ابراهیمی اند، اما در روزگار حکومت آن حضرت، گرایش عمومی بشر به حق و عدل که جوهره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است، بزرگ ترین جلوه های دین داری

۱- عصر زندگی، ص۹۹.

را می آفریند، به گونه ای که تمام انسان ها تحت پرچم اسلام ناب که در دست آخرین حجت الاهی است گرد می آیند.

بر همین اساس، امام صادق علیه السلام رسالت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را همسان با رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سایر انبیا، انهدام رسوم جاهلی و حاکمیت یکپارچه توحید در جامعه بشری می داند. رِفاعه بن موسی گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً)(۱) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه؛(۲) هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، زمینی نمی‌ماند مگر این‌که در آن جا بانگ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بلند می شود».

برای تحقق این رسالت بزرگ، گام نخست واژگون کردن حاکمان خود کامه و سلطه طلب از اریکه قدرت و تشکیل مدیریت قدرتمند مرکزی است. این مدیریت به تربیت انسان ها می پردازد و اصول والا و ارزش های متعالی الاهی را در سراسر آبادی های زمین نشر می دهد و یگانگی ها، یکدلی ها، محبت ها و ایثارها را جایگزین بیگانگی ها، کینه توزی ها وخود خواهی ها می سازد. به همه انسان ها و همه اجتماعات

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰.

یکسان می نگرد و مساوات و عـدالت را در همه پهنه گیتی حاکم می سازد و همه امتیازها را زیر پا می نهد. و این چنین است که حکومت فراگیر می شود و مورد پـذیرش همه آحـاد انسانی قرار می گیرد. از این رو، امام باقر علیه السـلام می‌فرمایـد: «إذا قـامَ الْقائِمُ ذَهَبَ دَولَهُ الْباطِل؛(۱) هنگـامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف ظهور و قیام کنـد، هر دولت باطلی از بین می رود».

بـا عصر ظهور حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف نه تنها توحیـد و معنویت و ایمان به الله و پرسـتش یگانه معبود حقیقی عالم، سراسـر جهان را می گیرد بلکه توحیـد ناب و کامل عالمگیر می شود و دین مبین اسـلام بر سرتاسـر کره ی زمین گسترش پیدا کرده و دین رسمی جهان، دین اسلام ناب و اصیل محمدی صلی الله علیه و آله خواهد بود.

قرآن کریم خبر از جهانی شـدن اسـلام و غلبه ی آن بر تمام ادیان داده است و در سه جای قرآن این مطلب را تکرار نموده که حـاکی از اهتمـام بـه ایـن امر است و فرمـوده: ((هُـوَ الَّذِی أَرْسَـلَ رَسُـولَهُ بِالْهُـدَی وَدِینِ الْحَـقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ وَلَـوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ))(۲)؛ او کسـی است که رسولش را با هـدایت و آیین حق فرسـتاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گردانـد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۱- الکافی، ج۸، ص۲۷۸.

۲- سوره توبه، آیه ۲۳.

نظیر آن را در سوره ی صف(۱) و قریب به این مضمون در سوره ی فتح(۲) نیز آمده است، و تردیدی نیست که این وعده ی الاهی تا به حال جامه ی عمل نپوشیده و در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت چنانکه در روایات این مطلب بیان شده است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه پیشین فرمود: «إِنّ ذَلِکَ یَکُونُ ُعِند خُرُوج المهْدِی مِن آل محُمّدٍ عَلیهِ و عَلَیهِم صَلَواتُ اللّه فَلَا یَبقَی َ أحدٌ إلّا أقرّ بمُحَمّدٍ صَلیَ اللّه عَلیَه وَ آله وَ سَلّم(۳)؛ مفاد این آیه در زمان ظهور مهدی از آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محقق می شود پس کسی باقی نماند جز آنکه اقرار کند به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله».

بر اساس این سخن امام باقر علیه السلام پیروزی آئین آسمانی اسلام بر همه ی ادیان در زمان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود و در آن زمان در هیچ گوشه ی جهان هیچ خانه ا ی سنگی و گلی و چادرهای پشمی و کرکی نخواهد ماند، مگر اینکه خداوند کلمه ی اسلام را به آن وارد خواهد کرد. طبیعی ترین راه آن همین است که حکومت جهان به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و همه ی انسان ها از طریق

۱- سوره صف، آیه ۹.

۲- سوره فتح، آیه ۲۸.

۳- تفسیر صافی، ج۲، ص۳۳۸.

رسانه های عمومی پیشرفته متناسب با آن زمان، اسلام را در خانه های خود بشنوند و با آن آشنا شوند.

امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به توسـعه و گسترش اسـلام ناب بر روی زمین اقـدام خواهـد نمود و سایر توسـعه ها مانند توسـعه ی سیاسـی و اقتصادی به پیروی از توسـعه ی اسـلام و در سایه توسـعه دین پدید خواهد آمد. او آئین اسلام را در جهان گسترش می دهد. وقتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند در دنیا هیچ یهودی و نصرانی و هیچ کس از آنان که غیر خدا را پرستش می کنند، باقی نخواهند ماند مگر اینکه به آن حضرت ایمان آورده و او را تصدیق خواهند نمود و آن روز یک دین در سراسر عالم خواهد بود و آن دین مقدس اسلام است.

امام صادق علیه السـلام در بیان گسترش دین اسـلام در عصـر ظهور فرمود: «وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا عجل الله تعالی فرجه الشـریف... لَيَبْلُغَنَ دِينُ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله مَـا بَلَغَ اللَّيْـلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِـرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ(۱)؛ آنگاه که قائم ما قیام کنـد حتما دین پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به همه جای عالم خواهد رسید به گونه ای که در روی زمین اثری از شرک وجود نداشته باشد».

رِفَاعَه بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:«يَقُولُ ((وَ

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۵۶.

لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً))(۱) قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛(۲) هنگامی که قائم ما قیام کرد جایی در روی زمین باقی نمی ماند، مگر اینکه در آنجا صدای اشهد ان لا اله الا اللّه و اشهد ان محمدا رسول اللّه بلند می شود».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَلَا یَبقَی یَهُودِیٌ وَ لَا نَصرَانِی وَ لَا أَحَدٌ مِمّن یَعبُدُ غَیرَ اللهِ إلاّ آمَنَ بِهِ وَ صَدّقَهُ وَ یَکُونُ المِلّهُ وَاحِدَهٌ مِلّهُ الإسلَام؛(۳) هیچ یهود و نصرانی باقی نمی ماند مگر این که به او ایمان می آورند و تصدیقش می کنند و در آن روزگار تنها دین، دین اسلام خواهد بود».

در روایت دیگر از ایمان همه یهودیان و مسیحیان به حضرت مسیح علیه السلام و پیوستن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده است:

إِنَّ عِیسَی یَنْزِلُ قَبْلَ یَوْمِ الْقِیَامَهِ إِلَی الدُّنْیا فَلَما یَبْقَی أَهْلُ مِلَّهٍ یَهُودِیٍّ وَ لَا غَیْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یُصَلِّی خَلْفَ الْمَهْدِی؛(۴) عیسی علیه السلام پیش از قیامت از آسمان فرود می آید. پس هیچ یهودی و نصرانی باقی نمی ماند، مگر این که پیش از مرگش به

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۸۳؛ تفسیر نور الثقلین، ج۵۲، ص۳۴۰.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۱۷۶.

۴- تفسیر قمی، ج۱، ص۱۵۸.

او ایمان می آورد و عیسی علیه السلام پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می گزارد.

در پرتو حاکمیت دینی عصر ظهور، جامعه ی انسانی به عبادات و شریعت و دیانت روی آور می شوند و نمازها را به جماعت برگزار می کنند و بازار دین و دین داری گرم و پر رونق می شود و اقبال عمومی به دین پیدا می شود و به مصداق این حدیث امیرمؤمنان علیه السلام که فرمود: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَان؛(۱) هر گاه پادشاه تغییر کند، زمانه تغییر می نماید»، طبعا تأثیر عملی گذاشته و جهت گیری عمومی جامعه به سمت و سوی دین خواهد بود و دینداری مایه ی فضیلت و ارزش و برتری می گردد؛ زیرا تغییر سلطان سبب تغییر اندیشه و کردار حاکم بر جامعه می شود و تغییر در اندیشه سبب تغییر در برنامه هاست که تغییر و تحول در اوضاع و احوال را در پی دارد. پس وقتی سلطان تغییر کرد و صالح شد زمان هم تغییر می کند و صالح می شود، چون سلطان عادل حاکم می شود و خود بیش از همه اهل عبادت خدا است: «وَ يَعْبُدُ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِه»(۲). در جامعه ی نبوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این آرمان در کل جهان بشریت پیاده می شود و

۱- نهج البلاغه، ص ۴۰۵.

۲- بحار الانوار، ج۱۷، ص۳۰۹.

مسابقه در خیرات و مسارعت به سوی عوامل آمرزش الاهی آغاز می شودو بر فراز بام جهان شـهادت به توحید و رسالت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله داده می شود.

البته منظور از حاکمیت جهانی دین اسلام این نیست که در جامعه عصر ظهور مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ فردی کافر و بی دین نیست و بـدون اسـتثناء همه ی انسانهای عالم موحـد و مسـلمان می شوند و یهود و نصارا و غیره باقی نمی ماند، بلکه منظـور این است که: شـرایط حـاکم و چهره ی عمـومی جـامعه خـالی از شـرك و کفر و بت پرسـتی می شـود، حکومت مشـرکان و کافران و حزب آن ها سـرکوب می شوند و موانع هدایت و ایمان انسانها از سـر راه برداشته می شود وگرنه مادامی که انسـان دارای آزادی اراده است همیشه چنین خواهـد بود و تـا انسـان انسان است آزادی اراده و انتخاب دارد و سـلب آن از انسان از قبیل سـلب شـی ء از خودش یا سـلب لوازم شی ء از شی ء است که از محالات است. از این رو امکان دارد در بهترین جوامع انسانی هم احیانا افراد منحرفی وجود داشته باشد.

اینکه خداوند فرمود: ((إِنَّا هَدَیْنَاهُ السَّبِیلَ إِمَّا شَاکِرًا وَإِمَّا کَفُورًا))(۱)؛

۱- سوره انسان، آیه۳:(ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد(و پذیرا گردد) یا ناسپاس!).

((وَ قُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيَكْفُرْ))(۱) زبان حال طبیعت بشر را بازگو می کند و یک قاعده فراگیر و فرازمانی است و برای همه ادوار تاریخ بشر است. چه اینکه به عکس در حکومت کافران و طاغوتها و بدترین و منحط ترین جوامع هم ممکن است افراد صالح و مؤمنی وجود داشته باشند آنگونه که در حکومت فرعون بودند و آسیه همسر فرعون یکی از بهترین بانوان اهل بهشت به حساب آمده است (وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا اِمْرَأَهَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّهِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)(۲) و اصولا ایمان، امری قلبی است و با زور سرنیزه نتوان آن را در قلبها جای داد و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم که بالاتر از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود چنین سیطره ای نداشت: ((لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ)).(۳)

بنابراین آنچه مسلم است این است که هیچ خانه ای در شهر و بیابان نمی ماند مگر آنکه توحید در آن نفوذ می کند یعنی اسلام به

۱- سوره کهف، آیه ۲۹(بگو: این حقّ است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد(و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس میخواهد کافر گردد).

۲- سوره تحریم، آیه ۱۱(و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مَثَل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!)

۳- سوره غاشیه، آیه ۲۲.

صورت یک آئین رسمی همه ی جهان را فرا خواهد گرفت و قانون اسلام بر جهان حکومت خواهد کرد ولی مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصارا و غیرهم در پناه حکومت مهدی با مشروط اهل ذمه زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند چنانکه الان در حکومت های اسلامی ما چنین است و قبلا در حکومت امام علی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بوده است زیرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم را از روی اجبار مسلمان نمی کند بلکه به منطق پیش می رود و توسل به زور و قدرت و نیروی نظامی برای بسط عدالت و براندازی حکومتهای ظلم و قرار دادن جهان در زیرپرچم عدالت اسلام است نه برای اجبار به پذیرفتن آئین اسلام.

خداوند متعال با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مستضعفان عالم منت می نهد، همان گونه که با بعثت و رسالت برمؤمنان منّت می گذارد: ((لَقَد مَنَّ اللهُ عَلَی المُؤمِنینَ اِذ بَعَثَ فیهِم رَسولاً مِن اَنفُسِهِم))(۱) و پرچم امامت را که میراث الاهی آنان است به آن ها خواهد سپرد: ((وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الارضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّهً وَ نَجعَلَهُمُ الوَارِثین))(۲)؛ آن گاه پهنه زمین پس از مرگ طولانی که ثمره رواج ستم

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

بوده است، احیا می گردد و از عدل لبریز می شود.

افروختن چراغ وحی و اصلاح بصیرت و احیای عقل بشر، نخستین سرفصل های حکومت حق مهدوی است. او که خود وارث مقام ولایت و امامت و همتا و ترجمان کتاب الاهی است، چراغ درخشان وحی را پرفروغ می سازد و پرده غرور را از بصیرت و حجاب وهم را از چهره عقل بشر می زداید، تا انسان به چشم بصیرت و تعقل و در پرتو نور وحی سعادت خویش را باز شناخته و حرکت خویش را اصلاح کند و در طریق مستقیم قدم گذارد و نهایت خوشبختی خویش را دریابد.

ارتقای عقول بشر و ایجاد روح استغنا در انسان ها از اموری است که وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در رأس برنامه های حکومت الاهی خویش بدان خواهد پرداخت و نیز مقابله و مبارزه با اندیشه فرعونی و آنان که فراعنه عصر ظهورند می تواند نقطه آغازین برنامه رسمی قیام آن حضرت باشد، چنانکه هنگام ولادت با تلاوت آیه: ((وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الارضِ وَ نَجعَلَهُم اَئِمَّهً ونَجعَلَهُمُ الورِثین))(۱) بدان اشاره فرمود. قرائت این آیه که درباره پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل بر مستکبران آل فرعون است، نشان می دهد که قیام آن حضرت نیز با مشیت الاهی، وضعی مشابه قیام موسای کلیم علیه السلام در

۱- سوره قصص، آیه ۵.

برابر دستگاه زرمدار و زورمحور فرعونی خواهد داشت و همان گونه که با پای مردی مؤمنان موحد و مجاهد بنی اسرائیل و ایثارها و نثارهای آنان به رهبری ولی الاهی عصر، مؤمنان از اسارت فرعونیان رهایی یافتند و فرعون و پیروانش از صفحه زمین نابود گردیدند و حکومت عدل و داد به دست آنان سپرده شد، در مطلع فجر قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤمنان منتظر با تکیه بر ایثار و نثارهای مجاهدان گذشته و پای مردی در راه نورانی حق و بهره مندی از هدایت و رهبری معصومانه امامشان طومار حیات فرعونیان آن عصر را به هم پیچیده و حکومت حق و عدل را به دست آخرین حجّت بالغه خداوند برقرار خواهند کرد؛ حکومتی که به بهای ریختن خون های بهترین بندگان خدا به ثمر می نشیند، تا شجره طیّب انسانی و عبودیت به بار نشسته و ثمر دهد.

احادیث گران بهایی که هندسه مدینه مهدوی را ترسیم و ویژگی های شهروندان آن را تصویر می کنند، هم از عدل جامعه خبر می دهند و هم از غنای قلوب مردمش، هم نوید عدل می دهد و هم مژده تقویت روح استغنا، هم چنانکه نبی اعظم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سیره و سنّت او را چنین معرفی فرموده اند: «یَمْلَأُ اللهُ قُلُوبَ اُمّهِ مُحُمّدٍ صَلَّی

الله عَلَيهِ وَ آلِه غِنيً(۱)؛ یعنی خداوند(به برکت وجود حضرت مهدی) دل های امّت پیامبر صلی الله علیه و آله را از روح بی نیازی آکنده می کند و گستره عدل آن حضرت به همگان می رسد».(۲)

در آن روز یکتاپرستی و توحید، سراسر گیتی را فرا می گیرد و طومار شرک برچیده می گردد، هر معبودی جز او به آتش چیرگی حق بر باطل می سوزد و نابود می گردد. مفاد آیه شریفه ((هُوَ الَّذی اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدی ودینِ الحَقِّ لِيُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ كُلِّهِ ولَو كَرِهَ المُشرِكون))(۳) وعده تخلف ناپذیر الاهی است؛ یعنی دین مرضی او بر همه ادیان فائق می شود و ظفرمندانه بر عالم و آدم فروغ توحید می افکند، به گونه ای که فرزندان آدم دینی جز دین واحد نداشته باشند؛ همان دینی که پسند او باشد و چنین دینی جز اسلام نیست: ((وَ رَضیتُ لَكُمُ الاسلمَ دِيناً))(۴) این وعده حتمی و قطعی، هنگامی محقق می گردد که ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و تجلی کند.

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۸۳؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۹۲.

۲- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفموجود موعود، ص ۲۵۴.

۳- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹(او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!).

۴- سوره مائده، آیه ۳. (و پسندیدم برای شما اسلام را آئین زندگی شما)

زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ((وَ قتِلوهُم حَتیّ لا تَکُونَ فِتنَهٌ وَ یَکونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلّه))(۱) سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّهُ لَمْ یَجِئْ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سَیَرَی مَنْ یُدْرِکُهُ مَا یَکُونُ مِنْ تَأْوِیلِ هَذِهِ الْآیَهِ وَ لَیَبْلُغَنَّ دِینُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مَا بَلَغَ اللَّیْلُ حَتَّی لَا یَکُونَ شِرْکٌ عَلَی ظَهْرِ الْأَرْضِ کَمَا قَالَ اللَّهُ: (یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً)(۲)؛ همانا تأویل این آیه تا کنون نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند خواهند دید کسانی که او را درک می کند که تأویل این آیه گونه است و حتما دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا جایی پیش خواهند رفت که شب در آن جا راه دارد(کنایه از کل زمین) به گونه ای که هیچ پرستش غیر خدا در روی زمین نخواهند ماند همان گونه خدا خود فرموده است که همگان من را عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من قرار ندهند».

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ) فرمود: وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِیلُهَا بَعْدُ وَ لَا یَنْزِلُ تَأْوِیلُهَا حَتَّی

۱- سوره انفال، آیه ۳۹(و با آنها پیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین(و پرستش) همه مخصوص خدا باشد!).

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۱؛ تفسیر صافی،ج ۱، ص ۶۶۷.

یَخْرُجَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف لَمْ یَبْقَ کَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِیمِ وَ لَا مُشْرِکٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا کَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّی أَنْ لَوْ کَانَ کَافِراً أَوْ مُشْرِکاً فِی بَطْنِ صَخْرَهٍ لَقَالَتْ یَا مُؤْمِنُ فِی بَطْنِی کَافِرٌ فَاکْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ(۱)؛ به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره ای باشد آن صخره بگوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را به هلاکت برسان.

امیرمؤمنان علیه السلام عصر ظهور را عصر فراگیر شدن اسلام دانسته که همگان در برابر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تسلیم می شوند؛ کافری نمی ماند مگر این که ایمان می آورد و بدکاری نمی ماند مگر این که به نیکی ها رو می آورد. می فرماید:

یَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا فِی آخِرِ الزَّمَانِ وَ کَلَبٍ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ النَّاسِ یُؤَیِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِکَتِهِ وَ یَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ یَنْصُرُهُ بِآیَاتِهِ وَ یُظْهِرُهُ عَلَی أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّی یَدِینُوا طَوْعاً وَ کَرْهاً یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُوراً وَ بُرْهَاناً یَدِینُ لَهُ عَرْضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ؛(۱) خداونـد در آخر الزّمـان؛ روزگـار سـخت و دشوار و جهل غالب مردم، مردی را مبعوث فرماید که او را توسّط فرشـتگانش تأیید و یارانش را حفظ نموده و با آیات و معجزات خود او را نصرت بخشد، و او را بر تمـام أهـل زمین غـالب و چیره سازد بنوعی که همه مطیع او شونـد چه با میل چه با کراهت، او زمین را پر از قسط و عـدل و نور و برهان نماید، تا جایی که تمامی سرزمین ها پیرو او شوند، همه کافران به او ایمان آورده و مردم تبهکار؛ صالح شوند.

جـابر بن یزیـد جعفی از امـام باقر علیه السـلام نقل کرده که فرمود: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشـریف وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْ ءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ(۲)؛ گویا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده اند و همه چیز در فرمان آن ها است».

ابو بصیر گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السـلام مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّةِ بِالْقُذَّةِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ

۱- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۸۰.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳.

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَـی ذَلِکَ ابْنُ سَـیِّدَهِ الْإِمَاءِ یَغِیبُ غَیْبَهً یَرْتَابُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ یُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَیَفْتَحُ عَلَی یَدَیْهِ مَشَـارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَـا وَ یَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَـی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السـلام فَیُصَـلِّی خَلْفَهُ وَ تُشْـرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَـا وَ لَا تَبْقَی فِی الْأَرْضِ بُقْعَهٌ عُبِدَ فِیهَا غَیْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عُبِدَ اللَّهُ فِیهَا وَ یَکُونُ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْـرِکُونَ.(۱) تمام غیبت های پیامبران در زنـدگی قـائم مـا اهـل بیت علیهم السـلام نیز دقیقا جاری است. عرض کردم: آیا قائم از شـما اهل بیت است؟ فرمود: ای ابو بصـیر او پنجمین فرزند پسـرم موسـی کاظم علیه السـلام و فرزند بانوی کنیزان عالم است. غیبتش چندان طولانی گردد که اهل باطل دچار تردید شوند. سـپس خداوند او را ظاهر کند و شـرق و غرب جهان را بدست او بگشاید و عیسـی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گذارد. زمین با نور خداوند منور گردد و جایی در روی زمین نمی ماند که در آن غیر از خداوند عز و جل پرستش شود همه ادیان از میان برود و فقط دین خدا می ماند هر چند مشرکین نپسندند.

بر اسـاس آیـات و روایات، در عصـر ظهور، دین اسـلام حاکم بر جهان خواهنـد شـد و حکومت اسـلامی مهـدوی همه عالم را فرامی گیرد. از

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

این رو آنچه مسلم است این است که در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان از وجود اهل کتابی که بر عقاید شرک آمیز خود اصرار بورزند پیراسته خواهد شد. اما اکثر اهل کتاب در عصر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اسلام می آورند و هیچ گونه قرینه عقلی یا نقلی که بر کشته شدن اکثر اهل کتاب در عصر حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت کند وجود ندارد؛ بلکه شواهد و قراین، خلاف این مسأله را ثابت می کنند. و طبیعتاً در جنگ و درگیری هایی که میان سپاه امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و اهل کتاب که در جریان فتح دنیا رخ خواهد داد، تعداد اندکی از اهل کتاب به جهت مقاومت در برابر سپاه امام علیه السلام به قتل خواهند رسید. لیکن علاوه بر گروه کثیری که اسلام می آورند و تعداد اندکی که در جریان فتح دنیا کشته می شوند، گروه کمی نیز باقی خواهند ماند.

بر این اساس، درباره سرنوشت اهل کتاب در عصر ظهور، دو نکته می باید مورد نظر قرار گیرد:

اولا بحث از سرنوشت اهل کتاب در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظر به کسانی اند که با وجود فرصت های فزاینده و تأ کید فراوانی که بر انتشار دین اسلام در میان تمامی انسان ها، باز هم بر آیین یهودیت و نصرانیت، باقی مانده اند.

ثانیا آنچه مسلم و قطعی است آن است که نظام حاکم در عصر

ظهور اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله است پیروان دیگر ادیان سهمی از حکومت ندارند و حضرت برای برپایی حاکمیت الاهی در جامعه با سرکشان طغیانگر و نیز مفسدان تبهکار برخورد انعطاف ناپذیر خواهند داشت.

از آیات قرآن(۱) نیز استفاده می شود که در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت و قدرت در سراسر جهان از کفار غیر کتابی و مادّیین گرفته می شود و در دست مسلمین و رجال شایستهء جهان قرار می گیرد و نور اسلام تمام ادیان را تحت الشّعاع قرار می دهد و برآن ها غالب می گردد.

همچنین احادیث نیز دلالت دارد بر اینکه در عصر دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستگاه شرک و کفر از زمین برچیده می شود و یکتا پرستی و توحید بر جهان حکم فرما می شود. امام کاظم علیه السلام می فرماید: «الثّانِی عَشَر مِنّا يُسهِّلُ اللهُ لَهُ كُلّ عَسِيرٍ... وَ يُبِيرُ بِهِ كُلّ جَبّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهلِكُ عَلى يَدِهِ كُلّ شَيطَانٍ مَرِيدٍ؛(۲) برای دوازدهمین از خاندان ما امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خداوند هر دشواری را آسان می گرداند و به دست او هر

۱- مانند سوره انبیاء علیهم السلام آیه ۱۰۵؛ سوره صف، آیه ۹؛ سوره قصص آیه ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۶۹.

جبار سرسختی نابود و هر شیطان سرکشی هلاک می گردد».

بنابراین اسلام خاستگاه دین و ارزش های الاهی را ناشی از امری ماورایی می داند، بنابراین در عصر ظهور جایی برای ادیان ساخته بشری و یا غیرتوحیدی نمی ماند. اما اینکه آیا در عصر ظهور برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با کسانی که با وجود ترویج و تبلیغ دین اسلام، حقیقت اسلام را نمی پذیرند و بر ادیان اسلاف خویش پابرجا می مانند، چگونه خواهد بود؟ در این باره باید گفت تردیدی نیست که برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ملحدان و منکران حضرت حق، قاطعانه و قهر آمیز خواهد بود و هیچ گونه مدارا و مسامحه ای را در حق آنان روا نمی دارد و از آن ها جزیه نیز نخواهد پذیرفت بلکه آنان یا باید اسلام را بپذیرند و یا آن که کشته شوند و راه دیگری برای آنان وجود ندارد.

ولی درباره برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیروان ادیان الاهی و چگونگی تعامل حکومت اسلامی مهدوی با اهل کتاب در عصر ظهور و اینکه آیا پیروان ادیان غیر اسلامی بر دین خود باقی می مانند یا اینکه اسلام می آورند؟ از روایات استفاده می شود که بیشتر اهل کتاب ایمان می آورند عده ای کمی مقاومت می کنند.

۱. پذیرش دین اسلام: بر اساس روایات، اهل کتاب در برابر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دو دسته خواهند بود؛ اکثریت آنان ایمان می آورند

و اقلیت آنان مقاومت می کننـد. بی گمان پس از تمهیدات فراوانی که از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای گرایش اهل کتاب به اسـلام واقعی فراهم می شود، بسـیاری از آنان به این آیین الاهی روی خواهنـد آورد و عده کمی از سـر تعصب چشم از حقیقت می پوشانند و بر کیش آیین منسوخ خود باقی می مانند.

براسـاس برخی روایـات، اکثریت اهل کتاب از روی میل و رغبت به اسـلام گرویـده و به دین حنیف اسـلام تشـرف می یابنـد، چنان که امام باقر علیه السـلام می فرمایـد: «فَلَا یَبقَی یَهُودِیّ وَ لَانَصَرانیّ وَ لَا أَحَدٌ مِمّن یَعبُدُ غَیرَاللهِ إلّا آمَنَ بِهِ وَ صَدَّقَهُ وَ یَکُونُ الْمِلّهُ اَلإِسْلَام؛(۱)هیـچ یهـودی و نصـرانی و کسـی که غیر خـدا را می پرسـتد، بـاقی نمی مانـد مگر این که به او ایمـان آورد و تصدیقش کند و تنها یک آیین(اسلام) وجود خواهد داشت.

امـا آن دسـته از کسانی که پس از تبلیغ دین اسـلام و اتمام حجت، از قوه خرد و فطرت خویش تأثیر نپذیرنـد و به عناد خویش ادامه دهند، با قوه قاهره به پذیرش دین اسـلام وادار می گردند و در صورت مقاومت، کشـته می شوند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۱۷۶.

لَا یَأْتُونَ عَلَی أَهْلِ دِینٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَی الْإِسْلَامِ وَ الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ التَّوْحِیدِ وَ وَلَایَتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَمَنْ أَجَابَ مِنْهُمْ وَ دَخَلَ فِی الْإِسْلَامِ تَرَکُوهُ وَ أَمَّرُوا عَلَیْهِ أَمِیراً مِنْهُمْ وَ مَنْ لَمْ یُجِبْ وَ لَمْ یُقِرَّ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ لَمْ یُقِرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ لَمْ یُسْلِمْ قَتَلُوهُ حَتَّی لَا یَبْقَی بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْجَبَلِ أَحَدٌ إِلَّا آمَنَ؛(۱) بر پیروان هیچ دینی وارد نمی شوند، مگر این که آنها را به خدا پرستی و پذیرش اسلام و اقرار به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پذیرش ولایت ما اهلبیت علیه السلام دعوت می کنند. پس هر که را اسلام نیاورد، می کشند تا این که از مشرق تا مغرب و پشت کوه کسی نباشد مگر این که ایمان آورد.

بنابراین، رویه غالب در میان اهل کتاب پیوستن به دین اسلام است و بیشتر پیروان دیگر ادیان الاهی در عصر ظهور، به پذیرش اسلام روی می آورند. آیت الله مکارم شیرازی در این باره می نویسد: با توجّه به این که در دوران حکومت آن مصلح بزرگ، همهِ وسایل پیشرفته ارتباط جمعی در اختیار او و پیروان رشید اوست و با توجه به این که اسلام راستین با حذف پیرایه ها، کشش و جاذبه ای فوق العاده دارد، به خوبی می توان پیش بینی کرد که اسلام با تبلیغ منطقی و پیگیر، از

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص۱۱، بحار الانوار، ج۸۶، ص۸۱.

طرف اکثریت قاطع مردم جهان پذیرفته خواهد شد و وحدت ادیان از طریق اسلام پیشرو عملی می گردد.(۱)

از آنجای که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس این رسالت الاهی خویش با طرح مباحث فکری و عقیدتی اقدام به اثبات حقّانیّت دین اسلام و آشکار کردن بطلان دیگر مکاتب و نحله ها خواهد نمود، بی تردید در سایهِ تلاش های حضرت و یاوران او در این زمینه، بسیاری به حقّانیّت آیین اسلام یقین پیدا کرده و به آن خواهند گروید.

علاوه بر کمال ذاتی آئین اسلام، شخصیت ممتاز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در جذب اهل کتاب به اسلام نقش اساسی دارد زیرا یکی از عواملی که باعث گرایش اهل کتاب و بلکه همه غیر مسلمانان به اسلام و پیروی آنان از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، شخصیت فوق العاده و استثنایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. کدام انسان سلیم النفس است که در رویارویی با آن بزرگ مرد آسمانی که منبع زیبایی، خوبی، پاکی، صداقت، محبت، را فت است، دل از کف ندهد و شیفته او نگردد؟ او تجسم انبیای بزرگ الاهی همچون حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و رسول خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. بدیهی است که

۱- حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۸۸.

شخصیت فوق العادهِ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مظهر کمالات و خوبی ها است دل های مردمان را تسخیر و مجذوب خویش خواهد نمود.

بنابراین برای رویکرد اهل کتاب به دین اسلام و گرایش آن ها به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انگیزه های فراوانی وجود دارد تا اهل کتاب را به پذیرش اسلام وادارند چنانکه در روایات بدان اشاره شده است.

هشام جوالقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

لَا یَأْتُونَ عَلَی أَهْلِ دِینٍ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَی الْإِسْلَامِ وَ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ مَنْ لَمْ یُقِرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ لَمْ یُسْلِمْ قَتَلُوهُ حَتَّی لَا یَبْقَی بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْجَبَلِ أَحَدٌ إِلَّا أَقَرّ؛(۱)حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پیروان هیچ دینی وارد نمی شوند مگر این که آن ها را به خدا، اسلام و اقرار به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرامی خواند و هرکه اقرار به اسلام نکن و تسلیم او نگردد کشته می شود تا این که از شرق تا غرب کسی باقی نماند جز آنکه اقرار به رسول خدا صلی الله علیه و آله نماید.

۱- بحار الانوار، ج۲۷، ص۴۳؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۴، ص ۶۱.

ابن بکیر گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر این آیه: ((وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ))(۱) پرسیدم حضرت در پاسخ فرمود:

أُنْزِلَتْ فِی الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف إِذَا خَرَجَ بِالْیَهُودِ وَ النَّصَارَی وَ الصَّابِئِینَ وَ الزَّنَادِقَهِ وَ أَهْلِ الرِّدَّهِ وَ الْکُفَّارِ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَیْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاهِ وَ الزَّکَاهِ وَ مَا یُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ یَجِبُ لِلَّهِ عَلَیْهِ وَ مَنْ لَمْ یُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّی لَا یَبْقَی فِی الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَّدَ اللَّه؛(۲) این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده، هنگامی که علیه یهود و نصارا و صابئین و مادّی های ملحد و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند و اسلام را پیشنهاد می نماید هر کس از روی میل پذیرفت دستور می دهد که نماز بخواند و زکاه بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آنست بر وی نیز واجب می کند و هر کس مسلمان نشد گردنش را می زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا نشناس باقی نماند.

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه ((لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ))(۳) فرمود: یَکُونُ أَنْ لَا یَبْقَی أَحَدٌ إِلَّا أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛(۴) خدا

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰.

۳- سوره توبه، آیه ۳۳.

۴- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۶.

شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا اینکه جز دین محمد دینی باقی نماند».

نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثَمِائَةِ سَنَةٍ وَ يَزْدَادُ تِسْعاً كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّد صلى الله عليه و آله؛(۱) قائم ما سیصد و نه سال سلطنت می کند به مدتی که اصحاب کهف در غار خود توقف نمودند. او زمین را پر از عدل و داد میکند، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب زمین را برای ما می گشاید. چندان مردم بی دین را به قتل رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله نماند.

بنابراین، یهود و نصاری در عصر دولت مهدی باقی خواهند ماند لیکن ازعقیده تثلیث و شرک دست برمی دارند و خدا پرست می شوند و تحت الحمایه حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می دهند. در عین حال دولت های باطل سقوط می کنند و قدرت جهان در دست مسلمانان صلاحیت دار واقع می شود و دین اسلام دین جهانی و برتمام ادیان غالب می گردد و بانگ توحید از همه جا بلند می شود.

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۹۰.

رِفاعه بن موسی گوید:

از امـام صادق علیه السـلام شـنیدم که درباره آیه مبارکه ((وَ لَهُ أَسْـلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً))(۱) فرمود: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَـهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛(۲) هنگامی که قائم ما قیام کرد هیچ نقطه ای از زمین نیست جز اینکه آوای شـهادت بر یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در آن جا بلند می شود.

امام باقر علیه السـلام در بیان معنای آیه مبارکه ((وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ))(۳) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف ذَهَبَتْ دَوْلَهُ الْبَاطِلِ؛(۴) وقتی قائم قیام کرد دولت باطل برای همیشه سقوط می کند».

أَبی الجـارُود از امام باقر علیه السـلام روایت کرده که آن حضـرت در تفسـیر آیه شـریفه: ((الَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّکاهَ))(۵) فرمود:

۱- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰.

۳- سوره اسراء،آیه ۸۱.

۴- الکافی، ج ۸، ص ۲۸۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۶۲.

۵- سوره حج، آیه ۴۱.

فَهَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأَئِمَّهِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَيْنَ الظُّلْم وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛(۱) این آیه درباره همه امامان از آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش را خداوند بر شرق و غرب زمین حاکم می گرداند؛ به واسطه آنان دین را تقویت می کند وبدعت ها و باطل را از بین می برد چنانکه نادانان حق را پایمال کرده اند به طوری که دیگر از ظلم اثری باقی نمی ماند و همگان ظیفه امر به معروف ونهی از منکر را انجام می دهند.

همچنین روایاتی که از رضایت مندی همگانی نسبت به حکومت مهدوی خبر می دهد بیانگر اقبال عمومی از جمله اهل کتاب به دین اسلام است.

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛(۲) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲- بحار الانوار، ج۱۲، ص ۹۲.

بشارت می دهم. وی در حالی قیام و خروج خواهد کرد که امّت من گرفتار اختلاف و پریشانی شدیدی است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند، هم‌چنان‌که از ظلم و جور پر شده است. اهل آسمان و ساکنان زمین همگی از آمدن او شادمان و خشنود خواهند بود.

نیز حذیفه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

یَفرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءُ وَ أَهْلُ ٱلأَرْضِ وَ الطَّیرَ وَ الْوُحُوشَ وَ الْحِیتَانَ فِی الْبَحْرِ وَ تَزِیْدُ الْمِیَاهُ فِی دَولَتِهِ وَ تَمُدُّ ٱلْأنهَارُ وَ تُضْعِفُ الْأَرضُ أُکُلَهَا وَ تَسْتَخْرِجُ الْکُنُوزَ؛(۱) به سبب ظهور او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی خوشحال می شوند. در دولت او آب‌ها فزونی می گیرد و رودها پرآب می گردد و زمین فراوان حاصل می دهد و گنج های آن بیرون کشیده می شود.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «یَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُکَّانُهَا؛(۲) با خروج او اهل آسمان ها و ساکنین شان خرسند خواهند شد».

این گونه روایات بر خرسندی جهانیان از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت

۱- عِقد الدُّرر، ص۱۴۹.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۵.

می کنـد. بی تردیـد این خرسـندی زمانی جا دارد که اهل کتاب از او پیروی کننـد و به فرمان هایش گردن نهنـد؛ چرا که اگر قصد برافراشتن علَم مخالفت و ایستادن در برابر او و اهداف او را داشته باشند جایی برای خرسندی باقی نخواهد ماند.

بر این اساس، هنگامی که حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ظهور کند نام مبارکش بر سـر زبان ها خواهد افتاد و وجود مردم سرشار از عشق به اوست؛ به گونه ای که جز نام او هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او روح خود را سیراب می کنند. روشن است که این خرسـندی و خشـنودی در این روایات برای مسلمانان و یا گروه و جماعت ویژه ای نیست و تعـابیری چون ساکنـان زمین و آسـمان و یا مردم، عامنـد و همه را در برمی گیرنـد. گرچه بی تردیـد در این میان دشـمنان و منحرفانی نیز وجود دارند که از ظهور او ناخشـنود و خشـمگین اند، ولی با توجّه به عمومیّت روایات، این عده بخش اندکی از مجموعهِ عظیم انسان ها خواهند بود و اهل کتاب را نیز در بر خواهند داشت.

۲. پرداخت جزیه: آن دسـته از اهـل کتـاب و پیروان دیگر ادیان که دین اسـلام را نپـذیرفته انـد می تواننـد با پرداخت جزیه در کنار مسلمانان با مدارا و هم زیستی مسالمت آمیز زندگی کنند.

از ظاهر بعض آیات بر می آید که کیش یهود و نصاری تا قیامت

برجا خواهنـد مانـد. مانند آنچه که خداوند متعال درسورهء مائده می فرماید: ((وَ مِنَ الَّذِینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنـا بَیْنَهُمُ الْعَـداوَهَ وَ الْبَغْضـاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ وَ سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِما کانُوا یَصْـنَعُون))(۱) ما از کسانی که ادعای نصـرانیت داشـتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی وکینه را تا قیامت دربینشان انداختیم.

همچنین در آیه دیگر از این سوره می فرمایـد: ((وَ قالَتِ الْیَهُودُ یَـدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَیْـدِیهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ یَـداهُ مَبْسُوطَتانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشاءُ وَ لَیَزِیـدَنَّ کَثِیراً مِنْهُـمْ مـا أُنْزِلَ إِلَیْـکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیانـاً وَ کُفْراً وَ أَلْقَیْنـا بَیْنَهُـمُ الْعَـداوَهَ وَ الْبَغْضـاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَه))(۲)؛ یهودان گفتند: دست خدا بسـته است؛ دست خودشان بسـته باد و بسـزای این ناروا که به خدا نسبت دادند ملعون شوند، بلکه دست رحمت او گشوده است و هرچه بخواهد انفاق می کند. قرآنی که برتو نازل گشته سرکشی و کفر بسیاری از آن ها را افزون می کند و تا قیامت در میانشان دشمنی و کینه انداختیم.

۱- سوره مائده، آیه ۱۴.

۲- سوره مائده، آیه ۶۴.

درسوره‌ء آل عمران می فرمایـد: ((إِذْ قـالَ اللَّهُ یـا عیسـی إِنِّی مُتَوَفِّیکَ وَ رافِعُکَ إِلَیَّ وَ مُطَهِّرُکَ مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ جاعِلُ الَّذینَ اتَّبَعُوکَ فَوْقَ الَّذینَ کَفَرُوا إِلی یَوْمِ الْقِیـامَهِ))(۱)؛ خـدا به عیسـی فرمـود: من ترا گرفته به سوی خویش برآرم واز کفـار دورت نمایم و پیروانت را تا قیامت بالا دست و مسلط برکفار گردانم.

ظـاهر این گونه آیـات، برمانـدگاری پیروان دین یهود و نصـاری تـا قیـامت و اسـتقرار دولت مهـدی، دلالـت می کننـد، لازمه ماندگاری کیش یهود و نصاری، همزیستی مسالمت مسلمانان با آنان با پرداخت جزیه از سوی آنان است.

ظـاهر برخی احادیث نیز دلالت بر بقای اهل کتاب در عصر ظهور دارد، ماننـد آنچه جابر بن عبـد اللّه انصاری از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَیْتِ قَسَمَ بِالسَّوِیَّهِ وَ عَدَلَ فِی الرَّعِیَّهِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ وَ إِنَّمَا سُمِّیَ الْمَهْدِیُّ مَهْدِیّاً لِأَنَّهُ یُهْدَی إِلَی أَمْرٍ خَفِیٍّ وَ یَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاهَ وَ سَائِرَ کُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاکِیَهَ وَ یَحْکُمُ بَیْنَ أَهْلِ التَّوْرَاهِ بِالتَّوْرَاهِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ بِالْإِنْجِیلِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَیْنِ أَهْلِ

۱- سوره آل عمران، آیه ۵۵.

الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرِهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ؛(۱) هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کرد، به طور مساوی تقسیم می کند و در میان رعیّت با دادگری رفتار می کند، پس هر که از او اطاعت کند فرمان خدا را برده است و هر که از او نافرمانی کند خدا را نافرمانی نموده است و مهدی برای این مهدی نامیده شده که به امری پنهان هدایت می کند و تورات و سایر کتب(آسمانی) خدای عزّ و جلّ را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و میان اهل تورات(یهود) با تورات و میان اهل انجیل(مسیحیان) با انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم می کند. ثروت های روی زمین و گنج های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می آیند. آنگاه خطاب به مردم می فرماید: بیایید، این همان متاع دنیاست که برای آن با خویشاوندان قطع رحم کردید، خون های حرام را ریختید، به حریم گناهان وارد شده، مرتکب محرّمات الاهی شدید، این ثروت ها را کلان کلان در اختیار مردم قرار می دهند که چنین رقم های درشت در تاریخ بخشش های جهان بی سابقه خواهد بود.

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۷.

برخی آیات و احادیث نیز بر پذیرفتن جزیه از اهل کتاب دلالت دارد چنانکه در قرآن می فرماید: ((قَاتِلُواْ الَّذِینَ لاَ یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلاَ بِالْیَوْمِ الآخِرِ وَلاَ یُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلاَ یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُواْ الْکِتَابَ حَتَّی یُعْطُواْ الْجِزْیَهَ عَن یَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ))(۱)؛ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می شمرند، و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ ابو بصیر از پرداخت جزیه توسط اهل ذمه خبر داده است. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

فَمَا یَکُونُ مِن اهلِ الذّمه عِندَهُ؟ قَالَ ابُوعَبدُالله علیه السلام: یُسَالَمهُم کَمَا سَالَمهُم رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله وَ یُؤتُونَ الجِزیَهَ عَن یَدٍ وَ هُم صَاغِرُون(۲)؛ پرسیدم آیا در عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اهل ذمه چه وضعیّتی خواهند داشت؟ حضرت در پاسخ فرمود: با آن ها مصالحه می کند چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مصالحه نمود و آن ها با خضوع و تسلیم جزیه را به دست خود می پردازند.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: «فَیبعَثُ مَلِک الرُّوم

۱- سوره توبه، آیه ۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

یَطلُبُ الهُدنَهَ مِنَ المَهدِی عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ یَطلُبُ المَهدِی عجل الله تعالی فرجه الشریف مِنهُ الجِزیَه فَیُجِیبُهُ اِلَی ذَلِکَ(۱)؛ پس پادشاه روم، نماینده ای را می فرستد و درخواست صلح می کند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از او می خواهد که جزیه بپردازد. پادشاه روم هم می پذیرد».

البته برخی روایات وارد شده در منابع روایی شیعه بر عدم اخذ جزیه از اهل کتاب دلالت دارد مانند آنچه از عبد الاعلی حلبی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

وَ لَا تَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ ((وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ))(۲) وَ لَا یَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزْیَهَ کَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ ((وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ))(۳) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: یُقَاتِلُونَ وَ اللَّهِ حَتَّی یُوَحَّدَ اللَّهُ وَ لَا یُشْرَکَ بِهِ شَیْ ءٌ؛(۴) هیچ جایی نمی ماند مگر این که مردمان آن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گواهی می دهند همان گونه که خدا

۱- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص ۲۳۸.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- سوره انفال، آیه ۳۹.

۴- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۴۵.

فرموده است: تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم اند، و همه به سوی او باز گردانده می شوند. و صاحب این امر آن چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله جزیه گرفت، جزیه نمی پذیرد و این تحقق سخن خداوند است که فرمود: و با آن ها پیکار کنید تا فتنه [شرک و سلب آزادی] برچیده شود و دین(و پرستش) همه مخصوص خدا باشد.

همچنین روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام آمده است:

قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ((وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّهِ))(۱) فَقَالَ لَمْ یَجِئْ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَهِ بَعْدُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَ حَاجَهِ أَصْحَابِهِ فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِیلُهَا لَمْ یَقْبَلْ مِنْهُمْ لَکِنَّهُمْ یُقْتَلُونَ حَتَّی یُوَحَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّی لَا یَکُونَ شِرْکٌ(۲)؛ تأویل این آیه هنوز نیامده و محقق نشده است، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جهت نیاز خود و اصحابش به آنان رخصت داد، لیکن هنگامی که زمان تأویل و تحقق این آیه فرا رسد، از آن ها پذیرفته نمی شود. آن ها کشته می شوند تا

۱- سوره انفال، آیه ۳۹.

۲- الکافی، ج۸، ص۲۰۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۷۸.

خداوند عزوجل به وحدانیّت شناخته شود و دیگر شرکی نباشد.

این روایت صراحت دارد بر اینکه تأویل این آیه هنوز نیامده است و حکم مذکور در روایت، بی سابقه بوده و در زمان های پیشین وجود نداشته است. از طرفی روشن است که مراد حکم بی سابقه که قبل از عصر ظهور وجود نداشته است، قتل مطلق اهل کتاب است؛ زیرا حکم قتل فتنه گرانِ اهل کتاب و قبول جزیه از آنانی که فتنه گر نیستند در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشته است، ظاهر این روایت نیز همانند روایت پیشین بیانگر عدم پذیرش جزیه از اهل کتاب است.

مضافاً براینکه برخورد با اخلال گرانِ در امر حکومت شیوه مرسومی است که در همه جای دنیا همیشه متداول بوده و هست. اقدام یاد شده (قتل فتنه گران اهل کتاب) با موازین و اصول اسلامی نیز منطبق و هم خوان است. شبیه این اقدام را در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه می توان به جهاد حضرت با یهودیان بنی قریظه و قتل مردان آن ها اشاره کرد که این اقدام به جهت پیمان شکنی و همراهی آنان با مشرکانی بود که جنگ احزاب

را علیه مسلمانان به راه انداخته بودند.(۱)

مرحوم علامه مجلسی، درباره برخورد مسالمت آمیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان، این احتمال را مطرح کرده است که ممکن است این برخورد ناظر به مرحله آغازین قیام حضرت باشد. وی در بیان وجه جمع میان روایاتی که دلالت دارد بر اینکه حضرت میان اهل کتاب با کتاب خودشان حکم می کند و روایاتی که بر لزوم اسلام آوردن آنان دلالت دارد، می نویسد:

لَا یَقبَلُ مِن أحَدٍ إلّا الإسْلَام لِأنّ هَذَا مَحمُولٌ عَلی أنّه یُقیمُ الحُجّه عَلیَهِم بِکتُبُهِم أو یَفعَلُ ذَلِك فِی بَدْوِ الأمر قَبلَ أن یَعلُو أَمرَهُ وَ یُتِمّ حُجّتهُ(۲)؛ یعنی اینکه حضرت جز اسلام آوردن آنان چیزی مانند جزیه را نمی پذیرد.

این عدم پذیرش جزیه ممکن است ناظر به زمان پس از استقرار و تثبیت حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، زیرا پس از گسترش دین اسلام و برقراری حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تثبیت نظام فراگیر اسلامی، چون بر اهل کتاب اتمام حجت شده است از آنان جز اسلام پذیرفته نخواهد شد.

۱- ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۹، ص۱۲۷-۱۲۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۲۹.

و) گسترش فرهنگ توحید در جهان

از کارکردهای مهم و درخشان دوران حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسعه و ترویج همه جانبه یگانه پرستی و زدودن مظاهر شرک و کفر در جامعه است، زیرا آن حضرت فرهنگ دینی را بر کلیه سطوح جامعه حاکم می گرداند و توحید را در میان مردم نهادینه می کند. در سایه حاکمیت ارزش های دینی در سطوح جامعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ریشه هرگونه فساد را بر می کند و هرگز روش های سازش کارانه و مصلحت اندیشانه نداشته بلکه در حوزه اخلاق نیز روش حضرت در برخورد با فاسدان، تبهکاران و فسادهای اجتماعی و اخلاقی، بسیار سخت گیرانه و قاطعانه بوده و از هرگونه مسامحه به دور است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «... وَ لَیُطَهِّرَنّ الأَرَضَ مِنْ کُلّ غَاشٍ؛(۱) زمین را از هر انسان نیرنگ باز(و فریب کار) پاک می سازد».

در عصر حکومت الاهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها از شرک و پرستش غیر خدا اثری نیست، بلکه حتی بتخانه ها نیز تبدیل به عبادتگاه خدا می شوند و نقطه ای بر روی زمین نخواهد ماند که در آن مدتی غیر خدا پرستش شده مگر اینکه خدا در آن پرستش خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درهم شکسته شدن نماد صلیب و نمایان کردن دروغ هزاران

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

ساله ی مسیحیت تحریف شده را از ویژگی های حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده، می فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَنْ یَذْهَبَ بِالدُّنْیَا حَتَّی یَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ یَقْتُلُ مُبْغِضِینَا وَ لَا یَقْبَلُ الْجِزْیَهَ وَ یَکْسِرُ الصَّلِیبَ وَ الْأَصْنَام (۱)؛ خداوند دنیا را به پایان نرساند تا اینکه قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند و کسانی را که با ما دشمنی می ورزند به قتل برساند و از کفار جزیه قبول نکند و صلیب ها را بشکند.

در آن زمان همه مردمان روی زمین، به عبادت خدا می پردازند: «وَ کُلّ مَا کَانَ فِی الارضِ مَعبُودٌ سِوَی الله تَعَالَی تُنزلُ عَلَیهِ نَارٌ مِنَ السّماءِ فَتُحرِقُه؛(۲) و هر آنچه غیر خدا مورد پرستش قرار گیرد آتشی از آسمان بر آن فرود آید و آن را بسوزاند».

در دوران ظهور تازه بشریت از خواب گران هزاران ساله بیدار می شود و می فهمد که شیاطین جن و انس و عوامل زر و زور و تزویر و طواغیت عالم و ایادی آن ها چه کلاه بزرگی بر سر آن ها گذاشته و آن ها را از خدا جدا کردند و به لجن زار شرک و کفر و الحاد کشاندند. آنها را از خود بیگانه ساخته اند، چقدر از شخصیت واقعی تنزل کرده و

۱- الخصال، ج ۲، ص ۵۷۹.

۲- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۳۶.

به قـدری خوار و بی مقـدار شـده اند که در برابر بت های چوبی و سـنگی که به دست خویش ساخته اند به کرنش می افتند و چیزی را که هیـچ سود و زیانی به حال آن ها ندارد وحتی قدرت دفاع از خویش ندارد پرستیده اند و از خدای واقعی فرسـنگ ها فاصـله گرفته اند. از این رو، در تفسیر آیه مبارکه: ((الْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمنِ وَ کانَ یَوْماً عَلَی الْکافِرِینَ عَسِیراً))(۱) آمده است:«اَلمُلـکُ لِلّرَحمَن اَلیَوم وَ قَبْلَ الیَوم وَ بَعـدَ الیَوم وَ لَکِن إذَا قَامَ القَـائِمُ علیه السّـلام لَمْ یَعبُـد إلّـا اللّه عزّ وَ جَلّ(۲)؛ مُلک و فرمانروایی در گذشـته و حال و آینده مخصوص خداست و آنگاه که قائم آل محمد قیام کند در کل دنیا جز خداوند کسـی یا چیزی مورد پرستش واقع نمی شود».

در آن دوران آنچه آلهه پنداشـته می شدنـد و ارباب متفرق بودند، خواه بت هایی چوبی و سـنگی یا غیر آن ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. و بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می یابد، به گونه ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی ماند مگر در برابر تیغ عقل تسلیم می شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می شود،

۱- سوره فرقان، آیه ۲۶.

۲- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ج ۱، ص ۷۸؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۴۷۱.

به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند.

در جامعه ی مهدوی، اثری از شرک، کفر، الحاد، زندقه و بت پرستی وجود نخواهد داشت و همانطور که بزرگترین دشمن معنویت و عقیده به ماوراء طبیعت، یعنی مرکز مادیت و ماتریالیسم، شوروی سابق از هم فرو پاشید و نابود شد، کل مکتب های کفر و شرک نابود خواهد شد و در سراسر عالم شعار توحید طنین انداز خواهد شد و جوامع بشری به خدای یگانه ایمان خواهند آورد و تنها او را خواهند پرستید. بشریت به یمن حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گمشده ی واقعی خویش را خواهد یافت، و به او که کمال مطلق هستی است عشق خواهد ورزید و در برابر او کرنش خواهد نمود، همه یک خدا را می پرستند، همه یک کتاب دارند(قرآن)، به یک قبله نماز می گذارند(کعبه)، شعار کل دنیا اذان خواهد بود، شیطان و ایادی او کوبیده می شوند و رهزنی نخواهد کرد بلکه دوباره زمین مرده به نور ایمان و حیات معنوی و مادی زنده خواهد شد، بتها درهم کوبیده می شوند، صلیب های دروغین شکسته خواهد شد و عیسای مسیح فرود خواهد آمد و به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا خواهد نمود و آنروز رسوائی کلیسا برملا خواهد شد.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

وَ أَوَّلُ مَا یَنْطِقُ بِهِ هَـٰذِهِ الْآیَهُ: ((بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ))(۱) ثُمَّ یَقُولُ أَنَا بَقِیَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ خَلِیفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَیْکُمْ فَلَا یُسَلِّمُ عَلَیْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَیْهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشَرَهُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا یَبْقَی فِی الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ وَثَنٍ وَ غَیْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِیهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ(۲)؛ در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اوّلین سخن او این آیه قرآن است که آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، سپس می گوید: منم بقیّه اللّه در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده ای به او چنین سلام گوید: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ» و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد. و در زمین هیچ معبودی

۱- سوره هود، آیه ۸۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۴۴۷ ۴۴۸.

جز اللّٰه تعالی نباشد و در صنم و وثن و غیره آتش در افتد و بسوزند.

در حدیث قدسی که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است آمده است:

وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي وَ بِهِ أُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُورِثُهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِيَ السُّفْلَى وَ كَلِمَتِيَ الْعُلْيَا وَ بِهِ أُحْيِي عِبَادِي وَ بِلَادِي بِعِلْمِي وَ لَهُ أُظْهِرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ بِمَشِيَّتِي وَ إِيَّاهُ أُظْهِرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي وَ أَمُدُّهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْفَاذِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي ذَلِكَ وَلِيِّي حَقّاً وَ مَهْدِيُّ عِبَادِي صِدْقاً؛(۱) توسط قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از شما خاندان، زمین را از یاد خودم و تسبیح و تقدیس خویش آباد خواهم کرد، و به وسیله ی او زمین را از لوث وجود دشمنانم پاک خواهم گردانید و دوستانم را جانشین آنان خواهم کرد و کفر را زبون و خوار و کلمه توحید را برتری خواهم داد و به وسیله او بندگان را زنده و زمین را آباد خواهم کرد و او را بر گنج های زمین و اسرار نهان آگاه کرده و با فرشتگانم برای اجرای دستورات من و آشکار سازی دینم او را پشتیبانی خواهم کرد، این است ولّی

۱- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۲.

حقیقی من و هدایت گر راستین بندگان من».

بنـا براین گسترش فرهنـگ توحیـدی در جامعه، یکی از رویکردهای اصـلی نظام مهـدوی در عصـر ظهور است. در این عصـر، اگرچه تـأمین نیازهـای مـادّی مردم یکی از دغـدغه هـای ابتـدایی حکومت مهـدوی است و تلاـش برای رفاه جامعه، ریشه کن کردن فقر و بدبختی، به وجود آمدن امنیت مالی و جانی و ایجاد عدالت قضائی و سیاسـی و اقتصادی و اجتماعی و بالا رفتن و کامل شـدن خردها و پیشـرفت علم و دانش و آباد کردن زمین و اسـتخراج منابع آن و تشـکیل زنـدگی، در سـرلوحه ی برنامه های حکومتی آن حضرت به عنوان مصلح بزرگ جهان بشریت قرار دارد، امّا این امور هرگز هدف غایی و اصلی نیست، بلکه تمام اینها مقـدمه و زمینه است برای یک هدف برتر و بالاتر و آن عبادت و بندگی خدا است که هدف اصـلی از خلقت جن و انس می باشـد: ((وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ))(۱) و هدف از عبادت هم رسـیدن به کمال انسانی و استقرار در جوار قرب حضـرت حق است ((فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ))(۲). شـعار مهدی شعار انبیاء است، هدف او احیاء دوباره ی دین و سنن الاهی و زدودن بدعتها است، مهدی بزرگ

۱- سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲- سوره قمر، آیه ۵۵.

منادی توحیـد در کل عالم است، او دعوت کننـده به علم و دانش است، انسانها را به تعقل و خردورزی می خوانـد، به عـدالت فرا می خواند، ((لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ))(۱)، او دعوت کننده به سوی الله است، دعوت کننده به آزادی است، دعوت کننده به وحـدت کلمه و بلکه اخوت دینی است، دعوت کننـده به عزت اسـلامی است، دعوت کننـده به مکـارم اخلاقی است، دعوت کننـده به تقوا و طهارت و پاکی است، دعوت کننـده به عبادت خـدا و اجتناب از طاغوت است و بالجمله آنچه به عنوان هدف از بعثت انبیاء و مخصوصا خاتم آن ها صـلی الله علیه و آله و سلم بود هدف حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در رأس همه ی اهـداف پیاده شدن احکام و قوانین دینی است و شـگفتا که کسانی که حکومت دینی را در یک نقطه ی عـالم نفی می کننـد و می گوینـد: دین به درد اداره ی جـامعه نمی خورد، اینان چگونه حکومت جهانی امام مهـدی را باور دارند که به وسـیله ی حضرت همه ی دین ظهور و بروز و غلبه پیدا می کند، کتاب و سنت زنده می شود: «فَیُرِیکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السِّیرَهِ وَ یُحْیِی مَیِّتَ الْکِتَابِ وَ السُّنَّه»(۲) و در کـل جهـان یک حکومت دینی مبتنی بر قوانین اسـلام حاکم می شود آن هم در جامعه ای که

۱- سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۲- نهج البلاغه، ص۱۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰.

دنیا آباد است، دانش به بلندترین قله اش رسیده، خردها کامل شده، افکار به معنای حقیقی کلمه روشن و منور گردیده است. چرا که دین که از سرچشمه وحی به دست آمده و توسط فرشته امین به پیامبر ابلاغ شده و کم ترین احتمال کذب و عصیان و خطا و نسیان و لغزش و انحرافی در آن نیست، به بهترین وجه می تواند سعادت بشر را تأمین کرده و نظام زندگی او را سامان بخشد.

□□□

سیره سیاسی، حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر حاکمی در حکومت و بخش های گوناگون مدیریت خود، شیوه و روش خاصی را دارد که از ویژگی های حکومت او به شمار می آید. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز وقتی حکومت جهان را به دست می گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش خاصی دارد. ایشان تحقق بخش آرزوهای همه پیامبران و امامان علیه السلام و تشکیل دهنده حکومت عدل اسلامی و اجرا کننده نقشه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صحنه گیتی است.

در حوزه حکومت و سیاست، نظام سیاسی حاکم بر دولت کریمه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس امامت و ولایت استوار است. با وجود انسان کامل و امام معصوم در رأس حکومت جهانی، سلامت سیاسی نظام حفظ خواهد شد و حضرت با احزاب و اندیشه های سیاسی معاند و مخالف و با گرایش های شک گرا و ضددینی، برخورد قاطع خواهد کرد.

سیاست و حکومت مهدوی بر مبنای سعادت سازی جامعه پایه گذاری می شود. در این رابطه برجسته ترین تعبیر درباره سیاست مهدوی را در دعای شریف افتتاح می توان یافت. در این دعا سیمای دولت کریمه مهدوی به زیبایی ترسیم شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَیْکَ فِی دَوْلَهٍ کَرِیمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِیهَا مِنَ الدُّعَاهِ إِلَی طَاعَتِکَ وَ

الْقَادَهِ فِی سَبِیلِکَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا کَرَامَهَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَه؛(۱) خدایا! ما به سوی تو رغبت داریم در دولت کریمه ای که اسلام و مسلمانان عزت یافته و نفاق و منافقان دچار ذلت می شوند. که ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خویش و راهنمایان به راه خویش قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما عطا کنی.

ویژگی های سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ماهیّت نظام سیاسی در حکومت مهدوی، الاهی است و اهداف و شیوه حکومتی آن بر پایه دین استوار است و جهت گیری نظام سیاسی مهدوی به سمت سعادت واقعی و کرامت انسانی مردم در پرتو عبودیت و اطاعت از ذات اقدس الاهی و هدایت مردم به صراط حق حاصل است. در این راستا، جهان شمولی، دین مداری، جامعه پذیری، امنیت فراگیر و عدالت گرایی و... برخی از مهم ترین ویژگی ها و کارهای منحصر به فرد سیره حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده می شود که آثار و برکات بی شماری را برای جامعه بشری به ارمغان خواهد آورد.

۱- مفاتیح الجنان، «دعای افتتاح».

الف) دین مدار

در اندیشه دینی، سیاست با آموزه های دین جدا نیست، بلکه درهم آمیخته است، زیرا عالی ترین دستورات حکومتی و سیاسی در متن قرآن و سنت آمده؟! دین نه تنها به روابط انسان ها با یکدیگر عنایت فراوان کرده بلکه به رابطه ی انسان با خودش و رابطه ی انسان با خدا هم خیلی اهتمام ورزیده است.

در جامعه ی جهانی عصر ظهور که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حاکم بر تمام جهان است و سیاست او عین حاکمیت دین اسلام و آموزه های الاهی قرآن و سنت در جامعه است، پرچم اسلام در کل عالم برافراشته می شود، کتابی که به عنوان قانون اساسی بر دنیا حکومت می کند قرآن است، قوانین جاری متکی به متن اصیل اسلام است، مرزها بر چیده می شود و در تمام کره ی زمین حکومت واحدی تشکیل می شود.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت در تفسیر آیه مبارکه: ((الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ))(۱) فرمود:

۱- سوره حج، آیه ۴۱.

هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِیِّ وَ أَصْحَابِهِ یُمَلِّکُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یُظْهِرُ الدِّینَ وَ یُمِیتُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدَعَ وَ الْبَاطِلَ کَمَا أَمَاتَ السَّفَهَهُ الْحَقَّ حَتَّی لَا یُرَی أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ(۱)؛ این آیه اختصاص به آل محمّد دارد. حضرت مهدی و اصحابش که خداوند آنها را مالک شرق و غرب می کند و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می نماید و باطل و دین های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می دارد چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است به طوری عدالت گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند. امر بمعروف و نهی از منکر می کنند و در اختیار خدا است عاقبت امور.

در روایت معتبر دیگر امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ((اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها))(۲) فرمود: «یُحْیِی ها اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف بَعْدَ مَوْتِهَا یَعْنِی بِمَوْتِهَا کُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْکَافِرُ مَیِّتٌ؛(۳)خداوند زمین را به

۱- بحار الانوار، ج ۲۴، ص۱۶۵.

۲- سوره حدید، آیه ۱۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ص۶۶۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص۲۴۲ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص۵۴.

وسیله قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند و منظور از مرگ اهل زمین کفر اهل آن است، چون کافر مرده است. (هر چند دارای حیات ظاهری و مادی باشد، ولی مرده ی متحرک است)».

این سخن امام باقر علیه السلام کنایه از این است که گسترش عدالت مهدوی، جهان مرده به سبب ظلم را با عدل حیات می بخشد. بر اساس این تفسیر حضرت، مرگ زمین به معنای کفر اهل آن است و طبیعتاً احیای آن نیز به ایمان آوردن اهل آن خواهد بود. و احیاء زمین توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای اتخاذ تدابیری است که به مؤمن شدن کافران بینجامد. این روایت، افزون بر این که به دعوت کافران به پذیرش آیین حق دلالت دارد و نشان دهنده گشوده بودن شاه راه سعادت در برابر گم شدگان وادی ضلالت است، از این حقیقت نیز پرده برمی دارد که کافران به دعوت حضرت پاسخ مثبت می دهند و مردگان با دم مسیحایی مقتدای مسیح زنده می شوند.

در جامعه دینی هدف کلان حکومت دینی همان اهداف بعثت انبیاء علیهم السلام ؛یعنی رسانیدن انسان به سعادت و کمال دنیوی و اخروی است. از همین روی به ابعاد جسمانی و روحانی، فردی و اجتماعی، دنیایی و اخروی انسان ها توجه دارد. در حقیقت از همان جامعیت وحی برخوردار است.

در حکومت دینی، برای مجریان اوصاف و شرایطی به تناسب مسؤلیت ها و شرایط اجتماعی وضع شده است؛ وجود این شرایط و صلاحیت ها برای مدیران ارشد همواره شدید تر می شود و با وجود افراد واجد شرایط، دیگران حق جواز تصدی مقامات دولتی را ندارند تا آن جا که رهبریت دولت دینی مشروعیت و حقانیت خود را از رهگذر وجود همین صلاحیت ها و شرایطی می گیرد که از جانب دین داده شده است. حکومتی که در سازوکار اجرایی اش جز عدل حاکم نیست و برنامه فرهنگی اش، تربیت قلوب و استغنای روح بشر است، همان گمشده انسان است که طریق سعادت را برایش پیمودنی می سازد و زندگی دنیا و آخرت او را آباد می کند.

در حکومت دینی اقبال مردم متدین به دولت دینی بسیار با اهمیت است. اگر چه حکومت دینی با مردمی بدون اعتقاد به دین در عالم فرض و تصور ممکن است، ولی در واقعیت و میدان عمل نمی توان دولت دینی را بر شانه های ملتی بیگانه و غیر معتقد به دین به پاداشت.

حکومت دینی، حکومتی است که نظام آن بر اساس احکام دین استقرار دارد و قوانینی که تصویب و اجرا می شود الهام گرفته از احکام دینی است. به عبارت دیگر در حکومت دینی خطوط و

چارچوب های کلی حکومت را دین تعیین می کند؛ هر چند مصادیق و خطوط جزئی روش های خاص حکومت از طریق عقل، تجربه و دانش بشری تنظیم می شود. بنابر این، حکومت اسلامی فرعی از حکومت دینی است و حکومت اسلامی حکومتی است که در آن اداره امور کشور و رسیدگی به مسایل جامعه مطابق دستورات و قوانین اسلام است. در حکومت اسلامی حاکمیت بر انسان و جامعه از آن خدا است که به رسول و جانشینان بر حق او داده شده است.

جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از اجداد طاهرینش از امام امیرالمومنین علیه السلام نقل می کند که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

الدِّینُ وَ السُّلْطَانُ أَخَوَانِ تَوْأَمَانِ لَا بُدَّ لِکُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ وَ الدِّینُ أُسٌّ وَ السُّلْطَانُ حَارِسٌ وَ مَا لَا أُسَّ لَهُ مُنْهَدِمٌ وَ مَا لَا حَارِسَ لَهُ ضَائِع؛(۱) اسلام و سلطان دادگر(حاکم عادل) دو برادرند که هیچ یک اصلاح نمی شوند مگر به وسیله ی دیگری. اسلام اصل و اساس و پایه است و سلطان عادل پاسدار آن

۱- الاختصاص، ص۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص۳۵۴؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۷۳.

است، بنائی که پایه و اساسی ندارد ویران است، و چیزی که نگهبان ندارد ضایع شونده است.

ب) عدالت محور

بارز ترین ویژگی و برجسته ترین وجهه حکومتی در سیره امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف عـدالت ورزی حضـرت است به گونه ای که حکومت مهـدوی در میان مردم بیشتر با ویژگی عـدالت گستری و برقراری نظام مبتنی بر قسط و عـدل در سراسر جهان شناخته می شود. «السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَر(۱)؛ سلام بر قیام کننده مورد انتظار و عدالت شناخته شده».

امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف مظهر تام «قَائِم بِالقِسط» است و حکومت مهـدوی، جلوه ی کامل عـدالت و قسـط خواهد بود. در جامعه مهدوی، توزیع عادلانه مناصب اجتماعی در رأس قرار می گیرد و به عنوان بُعد اصلی عدالت مطرح می شود. در این جـامعه، مناصب و اختیارات اجتماعی بر اساس میزان تقرّب اشـخاص به خـدا تقسـیم می شود. در چنین جامعه ای چون قرار است انسان به سعادت برسد مقرب ترین انسان ها که توانایی ساختن جامعه مقرّبان را دارند در قلّه مناصب اجتماعی

۱- بحار الانوار، ج۹۹، ص۱۰۱.

قرار می گیرنـد. عدالت مهدوی در همه ابعاد سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و حقوقی، محقق خواهد شد. عدالت در بُعد سیاسـی توزیع عادلانه اختیارات و مناصب اجتماعی یا توزیع عادلانه قـدرت را در بر می گیرد. عـدالت در بُعـد فرهنگی شامل توزیع عادلانه آموزش و اطلاعات مناسب به مردم و رشد فضائل و ارزش ها برای رسـیدن شـکوفایی را شامل می شود. عدالت در بُعـد اقتصادی توزیع عادلانه ثروت و امکانات در جامعه را اجتناب ناپـذیر می کنـد و عـدالت حقوقی و قضایی، درمان ظلم هایی است که در جامعه بشری به وقوع می پیوندد.

عـدالت مهـدوی چنان است که ظلم و سـتم را به کلی ریشه کن می کنـد و این از مختصات حکومت عدل مهدوی است. امام صادق علیه السـلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَکَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَیَّامِهِ الْجَوْرُ؛(۱) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، حکم به عدل می‌فرماید و در روزگار او ظلم و ستم برداشته می شود».

حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در اجرای عدالت تا آنجا پیش می رود که ظلم به طور کامل از صفحه ی زمین رخت بر بسته، محو می شود؛ به گونه ای

۱- إعلام الوری بأعلام الهـدی، ص۴۶۲؛ کشـف الغمـه فی معرفـه الأـئمه علیهـم السـلام، ج۳، ص۴۶۵؛ بحـار الانـوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

که در هیچ گوشه ی جهان اثر و نشانه ای از ظلم دیده نمی شود، آن گونه که امام باقر علیه السلام فرمود: «حَتَّی لَا یُرَی أَثَرٌ مِنَ الظُّلْم(۱)؛ تا جایی که نشانی از ظلم وجود نخواهد داشت».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «الْقَائِمُ الَّذِی یَقُومُ بَعْدَ غَیْبَتِهِ فَیَقْتُلُ الدَّجَّالَ وَ یُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ وَ ظُلْم(۲)؛ او سراسر گیتی را از هر گونه جور و ستمی پاکسازی می کند».

وقتی از امام رضا علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سوال شد، فرمود:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ وَ یُقَدِّسُهَا مِنْ کُلِّ ظُلْم وَ هُوَ الَّذِی یَشُکُّ النَّاسُ فِی وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَیْبَهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِیزَانَ الْعَدْلِ بَیْنَ النَّاسِ فَلَا یَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَداً(۳)؛ چهارمین فرزند من زاده سیده کنیزان، خدای به توسط وی زمین را از هر خلافی پاک کند و از هر ستمی منزه دارد و اوست همان کسی که مردم در ولادتش شک کنند و او است که پیش از خروجش غیبت دارد و چون خروج کند زمین بنور

۱- بحار الانوار، ج ۲۴، ص۱۶۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۳۶.

۳- مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، ص۴۳.

او درخشان گردد و ترازوی عدالت میان مردم بگذارد و هیچ کس به دیگری ستم نکند.

هر گاه حاکم و دستگاه حکومت، قوانین مدنی، حقوقی و جزایی، دستگاه های مختلف اجرایی و قضایی، برخاسته از حق و بر محور عدل قرار داشته باشند و بر اساس قسط عمل کنند، مردم نیز حق پذیر خواهند بود و بر پایه آن عمل خواهند کرد و بدین سان آیه ((لَقَد اَرسَلنَا رُسُلَنَا بِالبَیِّنتِ وَاَنزَلنا مَعَهُمُ الکِتَبَ وَالمِیزَانَ لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط))(۱) در بالاترین مصداق خود عملی خواهد شد و تمام جامعه تحت رهبری کسی که خود مظهر تام «قائِمًا بِالقِسط» است، قیام به قسط خواهد داشت.

بدیهی است مردمان و شهروندان این مدینه عدل و فضیلت با اقتدا به امام خویش در تحقق آن سهم بسزایی خواهند داشت و همان طور که مصداق کامل و نهایی آیه ((اَلَّذینَ اِن مَکَّنّهُم فِی الارضِ اَقامُوا الصَّلوهَ وءاتَوُا الزَّکوهَ واَمَروا بِالمَعروفِ ونَهَوا عَنِ المُنکَرِ ولِلّهِ عاقِبَهُ

۱- سوره حدید، آیه ۲۵(ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب(آسمانی) و میزان(شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند).

الْاُمُور))(۱) در آن عصر تحقق می یابد، نماز که ستون دین است به پا می گردد و زکات کاملاً پرداخت و امر به معروف و نهی از منکر با تمام ابعادش اجرا می شود و ارتباط مؤمنان با خدا تحت عنوان «اقامه نماز» محکم می شود و بخش های نیازمند و بی نیاز جامعه انسانی و اسلامی با پرداخت زکات به هم پیوند خواهند خورد. خوبی ها و زیبایی ها با امر به معروف پیوسته مطرح می گردد و پلیدی ها و زشتی ها با نهی از منکر از جامعه مهدوی رخت بر می بندد.

در این حکومت فضیلت پیشه و عدالت مدار، روشن است که سرنوشت دشمنان دین و ویران گران مراکز نشر و ابلاغ و آموزش فرهنگ دین چیزی جز گرفتاری به وعید عذاب نخواهد بود: ((وَ مَن اَظلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَساجِدَ اللهِ اَن یُذکَرَ فیهَا اسمُهُ وَسَعی فِی خَرابِها اُولئِکَ ما کانَ لَهُم اَن یَدخُلوها اِلّاخائِفینَ لَهُم فِی الدُّنیا خِزیٌ وَلَهُم فِی الاءخِرَهِ عَذابٌ عَظیمٌ)).(۲)

۱- همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!(سوره حجّ، آیه ۴۱).

۲- کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این کانونهای عبادت شوند. بهره آنها در دنیا فقط رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم(سوره بقره، آیه ۱۱۴).

در عصـر حاکمیت فرهنگی دینی، آنچه معیار رفتار اجتماعی است عـدالت در همه عرصه ها است و همه بساط ظلم فرهنگی و اجتماعی برچیـده خواهـد شد و بر قراری عدالت اجتماعی و بهره مندی عمومی از نیازهای ضـروری و نیز تعالی روح بی نیازی در شهروندان حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زیباترین جلوه های دینداری در عصر حاکمیت اوست.

در حکومت عـدل مهـدوی، ابعـاد و عرصه هـای عـدالت، در امور اقتصـادی و رفع فقر و تبعیض خلاـصه نمی شود، بلکه اقـامه قسط، شامل تمام عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و... خواهد شد.

در پرتو عـدالت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف کارگزاران و حکمرانان و صاحبان مناصب کلیدی، هرچه به مقام و منزلت اجتمـاعی بالاـتری دست می یابنـد، برخورداری آن هـا از امکانات و ثروت کمتر می شود؛ یعنی در حکومت مهـدوی، تکیه زدن بر جایگـاه‌هـای رفیع، همراه با زهـد بیشتر است. امیرمؤمنان علیه السـلام می فرمایـد: «یَبْعَثُ الْمَهـدِیُّ اِلَی أُمَرَائِهِ بِسَائِرِ الْاَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَیْنَ النَّاسِ؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف والیان و فرمانداران خود را به

۱- حیاه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۹۲.

شهرهای جهان اعزام می کند تا عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند».

از این رو هنگامی که نزد امام رضا علیه السلام سخن از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان می آید، ایشان می فرماید: «وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛(۱) لباس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جز پارچه زبر و خشن و غذای او جز خوراک ناگوار نخواهد بود».

عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «يَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّهِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّه؛(۲)مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی‌نیازی قرار می دهد».

بر این اساس، مساوات، توزیع عادلانه ثروت و رفع تبعیض در میان مردم از شاخصه های عدالت اقتصادی در زمان ظهور است. ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي...يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَ مَا صِحَاحاً؟ قَالَ: السَّوِيَّهُ بَيْنَ النَّاس؛(۳) به شما مژده آمدن

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۹.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۷۴؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۴.

۳- الطرائف، ص۳۵۱؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۷۱؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۱.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دهم که در آینده میان امت من برانگیخته می شود، او اموال را به نحو صحاح تقسیم می کند. شخصی پرسید: صحاح چیست؟ آن حضرت فرمود: توزیع یکسان دارایی میان مردم.

اجرای عدالت و مساوات، روحیه برادری اجتماعی را استحکام می بخشد و باعث می شود که همه احساس برابری کنند:

وَأُلْقِیَ الرَّأْفَه وَالرَّحْمَه بَیْنَهُمْ فَیَتَوَاسَوْنَ وَیَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِیَّهِ فَیَسْتَغْنِی الْفَقِیرُ وَلَایَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً؛(۱) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یکدیگر مواسات خواهند داشت و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی‌نیاز می شود و فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی بندد.

تقسیم بالسویه، ناظر به تقسیم اموال عمومی و بیت المال است که از منابع زیرزمینی و اخماس و زکوات و... به دست می آید و در اختیار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در آن زمان بیت المال سرشار از اموال عمومی است و مال و ثروت عمومی فراوان می شود: «وَ یُفِیضُ المَالَ فَیضًا»(۲)؛ یعنی اموال در زمان امام زمان مثل چشمه می جوشد و پایان

۱- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۰۰.

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

نـدارد. و خزانه های دنیا در دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که هر چه بدهد پایان ندارد و اینها را در میان مردم به طور مساوی تقسیم می کنـد. قطعا استحقاق افراد مراعات می شود و هر صاحب حقی به حقش می رسد تا تلاشها و کوششها حرمت نهاده شود.

این نعمتها فقط برای نیکان نیست، بلکه نیک و بـد همه از این نعمتهای بی پایان و خان گسترده ی مهدوی استفاده می کنند و دادگری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیکان و بدان را به طور یکسان شامل می شود. بشر بن غالب از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِر؛(۱) آن گاه که برپا کننده عدل قیام کند، عدالتش، نیکوکار و فاجر را در بر می گیرد».

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يَقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِر(۲)؛ هنگامی که قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند مال را به طور مساوی و معادل بین خلق اللّه تقسیم می کنند، چه اشخاص صالح بوده و چه فاجر باشند».

بـدیهی است که ایجاد مساوات در جامعه و برقراری قسط قرآنی، احتیاج به افزایش ثروت و امکانات دارد که این مطلوب، در حکومت

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۱.

۲- علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱.

مهدوی با عمران و آبادانی زمین محقق خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف حَكَمَ بِالْعَدْلِ...فَلَا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ یَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَی جَمِیعَ الْمُؤْمِنِین؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حکم داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله میان مردم حکم می کند. در این هنگام، زمین گنج‌ها و برکات خود را آشکار می کند و به سبب توانگر شدن مردم، کسی نیازمند به صدقه و نیکی را نمی یابد تا به او صدقه بدهد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با گسترش عدالت، جهان مرده به سبب ظلم را، حیات دوباره می بخشد. امام باقر علیه السلام در تأویل آیه شریفه ((اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها))(۲) می فرماید: «فَیُحْیِیهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَیَعْدِلُ فِیهَا فَتَحْیَا الْأَرْضُ وَ یَحْیَا أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِم؛(۳) خداوند زمین را به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند. او می کند.او در زمین به عدالت رفتار می کند، از این رو، زمین را با اجرای عدل زنده می گرداند، پس از

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص۳۸۵؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۲۴۰.

۲- سوره حدید، آیه ۱۷.

۳- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۹۳؛ ینابیع الموده، ج۳، ص۲۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۴۴۲.

آن که به سبب ظلم مرده است».

همچنین امـام کاظم علیه السـلام در تفسـیر این آیه می فرمایـد: «لَیْسَ یُحْیِیهَا بِالْقَطْرِ وَ لَکِنْ یَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَیُحْیُونَ الْعَـدْلَ فَتُحْیَا الْأَرْضُ لِإِحْیَاءِ الْعَدْلِ؛(۱) این چنین نیست که خداونـد زمین را باریزش باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می‌انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه، زمین با احیای عدالت زنده می شود».

فضـیل بن یسار گویـد: از امام صادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ...لَیَـدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَـدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِمْ کَمَا یَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ؛(۲) مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آنگاه که قیام کنـد، عـدالت را به درون خانه های مردم وارد می کند، هم‌چنان‌که سرما و گرما وارد خانه ها می شود».

حُذیفه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْمَهْـدِیُّ رَجُـلٌ مِنْ وُلْـدِی...یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَـدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً یَرْضَـی فِی خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَو؛(۳) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از فرزندان من است. او زمین را از عدل و قسط پر کند

۱- الکافی، ج۷، ص۱۷۴؛ نور الثقلین، ج۴، ص۱۷۳.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۹۷؛ إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۳۵.

۳- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۶۹؛ بحار الانوار، ج۱، ص۸۰.

چنان‌که از ستم پر شده است، اهل زمین و آسمان و مرغان هوا از خلافت او راضی هستند.

ابوسعید خدری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «أَبْشِرِ وا بِالْمَهْدِیِّ... یَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَهً وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛(۱) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده می‌دهم، او دل‌های بندگان را پر از حس بی نیازی می کند و دادگری اش همگان را فرا می گیرد».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آثار و برکات عدالت مهدوی، فرمود:

یَتَنَعَّمُ أُمَّتِی فِی زَمَنِ الْمَهْدِیِّ نِعْمَهً لَمْ یَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ یُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَیْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛(۲) امّت من در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان از نعمت های فراوان بهره مند خواهد شد که پیش از آن هرگز کسی از چنین نعمتی برخوردار نشده است، باران رحمت بر آن ها فرو می ریزد و زمین گیاهانش را بر آنان آشکار می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَی کُلِّ ذِی کَنْزٍ کَنْزَهُ حَتَّی یَأْتِیَهُ فَیَسْتَعِینَ بِهِ عَلَی عَدُوِّه؛(۳) چون قائم ما قیام کند، هر گنجی را بر صاحب آن حرام می‌کند تا آن را به خدمت او آورد و او آن گنج

۱- دلائل الأمامه، ص۴۸۲.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۷۳؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۳.

۳- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۸۷؛ وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۴۸؛ بحار الانوار، ج۷۰، ص۱۴۳.

را در راه مبارزه با دشمنان به کار خواهد بست».

عـدالت مهـدوی به نیـاز فردی، طبیعی و غریزی انسـان نظر دارد و در مقابـل هر خصـلت طبیعی و غریزی، حقی را قائل است و عهـده دار پاسـخ گویی به این حق طبیعی است. این سـطح عدالت زمینه ساز پرسـتش فردی و تسـهیل کننده تحصـیل پرسـتش فردی است. امـا عـدالت مهـدوی در این سـطح نمی مانـد و به جامعه راه پیـدا می کنـد، چرا که بر اساس انسان شناسـی الاهی بسیاری از استعدادهای آدمی در بستر جامعه رشد می یابد. عدالت مهدوی در این سطح هم باقی نمی ماند؛ بلکه سطحی دیگر از عـدالت نیز در حکومت مهـدوی محقق می شود و آن عـدالت تـاریخی است. در زمـان حضـرت بـا وقوع رجعت انسانها که بهترین خوبان تاریخ و بدترین بدان تاریخ سر از قبر بر می دارند؛ حضرت از اولیای طاغوت و جبهه تاریخی باطل انتقام خواهد گرفت و عدالت قضایی را در مورد آن ها اجرا خواهد کرد.

از نظر گستره و حیطه جغرافیایی، عدالت مهدوی، چنان فراگیر است که جهان با همه وسعتش در دایره حاکمیت عدل مهدوی در تمام ابعاد حقوقی و سیاسـی و فرهنگی و اقتصادی قرار خواهد گرفت و حکومت اسـلامی به منطقه خاصـی محدود نخواهد شد.

امـام صادق علیه السـلام در تفسـیر آیه ((اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنَّا لَکُمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ)) فرمود: «أَیْ یُحْیِیهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ

عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّهِ الضَّلَال؛(۱) خداوند زمین را پس از مردن آن از ستمکاری پیشوایان و رهبران گمراهی با دادگری قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام ظهورش دوباره زنده می سازد».

عدالت موعود در جامعه مهدوی به گونه ای زیبا و فرح بخش، گسترش می یابد که می توان جامعه مهدوی را تجلّی حیات بهشتی در زمین دانست. حیات طیبه ای که جایگاه اوج قرب و چشیدن رضوان الاهی است و نمونه ی بی نظیر آن در جامعه مهدوی نمود پیدا می کند.

ج) جهان شمول

حکومت مهدوی، بر خلاف نظام های دیگر، منطقه ای و قاره ای نیست بلکه رویکرد جهانی دارد و گستره آن همه کره خاکی و بلکه همه قلمروهای نفوذ انسان را در بر می گیرد.

مرکز حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اگرچه در کوفه قرار دارد، اما قلمرو آن جهانی و فراگیر است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسید: خانه و قرارگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کجاست؟ آن حضرت فرمود:

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۵.

دارُ مُلْكِهِ الْكُوفَهُ وَ مَجْلِسُ الْحُكْمِ جامِعُها وَ بَيْتُ مالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنائِمِ الْمُسْلِمينَ مَسْجِدُ السَّهْلَهِ وَ مَوْضِعُ خَلَواتِهِ الزَّكَوَاتُ الْبِيضُ مِنَ الْغَرِيَّيْنِ؛(۱) محل حکومت او کوفه خواهد بود و جایگاه قضاوت و حکمرانیش مسجد جامع کوفه بیت المال و محل تقسیم غنیمتها مسجد سهله، و جایگاه استراحت و خلوتگه او در مکان ریگهای سفید نجف خواهد بود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پیروزی فرمان عدالت و آبادانی سراسری را صادر می کند تا همگان در سطح جهان از مواهب حکومت آن حضرت بهره مند گردند. امام صادق علیه السلام فرمود:

يُفَرِّقُ الْمَهْدِى اَصْحابَهُ فى جَميعِ الْبُلْدانِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَ الْاِحْسانِ وَ يَجْعَلُهُمْ حُكّامًا فى الْاَقاليمِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِعِمْرانِ الْمُدُنِ؛(۲) مهدی اصحاب خویش را در تمامی شهرها می پراکند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می دهد، آنان را حاکمان مناطق مختلف قرار داده و به آنان دستور می دهد که به آبادانی و سازندگی شهرها بپردازند.

در عصر ظهور، همه جهان تحت حکومت واحد اداره خواهد شد و کارگزاران حکومتی آن حضرت، در همه جای عالم به فرمان او مأمور

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۱.

۲- یوم الخلاص، ج ۲، ص۶۵.

خواهند بود که همه شـهرها را آباد سازند و شیوه عدالت و احسان را حکمفرما کنند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است کـه فرمـود: «وَ یُبعَـثُ المَهـدِیُّ جُنُـودُهُ اِلَی الآفَـاقِ وَ یمِیتُ الجَـورَ وَ اَهْلَهُ وَ تَسـتَقِیمُ لَهُ البُلْـدَان؛(۱) مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشریف لشکرش را به اطراف جهان می فرستد و ظلم و اهلش را نابود می کند و مردمان کشورها، مطیع او می گردند».

دایره حکومت و قـدرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شـرق و غرب جهان را فرا می گیرد و خداوند به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف همه عالم را فتح می کند. در عصـر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف اسـلام هم از نظر منطق و اسـتدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشـعاع خویش قرار خواهد داد.

ابو الجارود گویـد: امام باقر علیه السـلام در ذیل آیه ((الَّذِینَ إِن مَّکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاهَ وَآتَوُا الزَّکَاهَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنکَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَهُ الْأُمُورِ))(۲) فرمود: «وَ هَذِهِ الْآیَهُ لِآلِ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله إِلَی آخِرِ الْآیَهِ وَ الْمَهْدِیُّ وَ أَصْحَابُهُ یُمَلِّکُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ یُظْهِرُ الدِّینَ وَ یُمِیتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبِدَعَ الْبَاطِلَ کَمَا أَمَاتَ السَّفَهُ الْحَقَّ حَتَّی لَا

۱- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۳۷.

۲- سوره حج، آیه ۴۱.

يُرَى أَثَرٌ لِلظُّلْم؛(۱) این آیه تا آخر در شأن آل پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحابش که خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد نمود و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می نماید و باطل و دین های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می دارد، چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است؛ به طوری عدالت گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند».

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دَيْنَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُون؛(۲) قائم ما منصور به رعب است و مؤیّد به نصر، زمین برای او درنوردیده شود و گنجهای خود را ظاهر سازد، و سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا گیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند، گر چه مشرکان را ناخوش آید.

ابو بصیر گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم:

۱- تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

فَقُلْتُ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنِ الْقَائِمُ مِنْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ؟ فَقَالَ: یَا بَا بَصِیرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِی مُوسَی ذَلِکَ ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یَغِیبُ غَیْبَهً یَرْتَابُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ یُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَیَفْتَحُ عَلَی یَدَیْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛(۱) ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا قائم از شما اهل بیت است؟ فرمود: ای ابو بصیر او پنجمین فرزند پسرم موسی(امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و فرزند بانوی کنیزان عالم است غیبتش چندان طولانی گردد که اهل باطل دچار تردید شوند. سپس خداوند او را ظاهر کند و شرق و غرب جهان را به دست او بگشاید.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه امور اشراف دارد گو اینکه همه دنیا را می بیند، زیرا اگر از همه ی اطراف و اکناف جهان با خبر نباشد حکومت عادلانه بر همه زوایای عالم ممکن نیست:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَی صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی کُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَّضَ لَهُ کُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّی تَکُونَ الدُّنْیَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَهِ رَاحَتِهِ فَأَیُّکُمْ لَوْ کَانَتْ فِی رَاحَتِهِ شَعْرَهٌ لَمْ یُبْصِرْهَا(۲)؛ هنگامی که امور و کارهای جهان به صاحب این امر عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد و به او منتهی شود، خداوند هر نقطه ی پستی از

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۱۴۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۲۸.

این زمین را برای او بالا می آورد و هر نقطه مرتفع را پست می کند(پیداست که مراد این نیست که زمین مسطح می شود و از کروی بودن در می آید، بلکه با امکانات قوی علمی و صنعتی همه ی جهان را زیر پوشش و در معرض دید امام زمان قرار می گیرد) تا آنجا که کل دنیا به مثابه ی کف دست انسان می شود، آنگاه کدامیک از شما است که اگر مویی در کف دست تان باشد آنرا نبیند.

د) محبوبیت مردمی

جامعه پذیری و جلب رضایت عموم مردم، یکی از مهم ترین دغدغه های حکومت ها است. از این نظر یکی از ویژگی های برجسته حکومت مهدوی، مردمی بودن و جامعه پذیری بی نظیر آن است. از این رو، گرچه در استقرار جامعه موعود، نقش کرامت الاهی و دست اعجاز ولیّ خدا نقش اساسی دارد، اما اراده های انسانی نیز در پذیرش ولایت حضرت و برقراری جامعه مهدوی نقش دارند. و چون حکومت مهدوی بر اساس ارزش های دینی استوار است و مبنای مناسبات در آن بر اساس ایثار، انفاق، قناعت، زهد و... است، طبیعی است که مردم نیز با مشاهده این حقایق، از جان و دل پذیرای آن خواهند بود؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَأوَی إِلَی المَهـدِی أُمّتهُ کَمَا تَأوَی النَّحْلُ إِلَی یَعسُوبِهَا(۱)؛ امت اسـلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهر می ورزند و به سویش پناه می برند آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند».

از این رو در روایات یکی از ویژگی های منحصـر به فرد حکومت جهانی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف محبوبیت فراگیر آن یـاد شـده است بـه گـونه ای کـه همـه ی موجـودات اعم از زنـده هـا و مردگـان، ذوی العقـول و غیر ذوی العقـول، آسـمانیان و زمینیان و در یک کلام خالق و مخلوق او را دوست دارنـد و به حکومت او راضـی و خشـنود می شوند و لااقل در مورد انسانهـا این نکته مسلم است که عملکرد حضـرت و اقـامه قسط و عـدل جهانی باعث می شود تا همه از حضـرت راضـی باشند و به حضرت عشق بورزند، و روایات در این باب فراوان است که برای نمونه مواردی را می آوریم:

حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

اَلمَهْـدِیُّ مِن وُلْدِی... یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً یَرْضَـی بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَو؛(۲) مهدی از فرزندان من است، او چنان زمین را پر از عدل و داد کند که

۱- اثبات الهداه، ج۵، ص ۲۷۱.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

ساکنان آسمانها و زمین و پرندگان هوا همگی به خلافت و حکومت او راضی می شوند(و با طیب نفس آنرا می پذیرند و بدان گردن می نهند و از آن اطاعت می کنند نه اینکه اکراه و اجبار و زور سرنیزه در ظاهر آن ها را وادار به کرنش نماید).

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

وَ لَا یَبْقَی مُؤْمِنٌ مَیِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَیْهِ تِلْکَ الْفَرْحَهُ فِی قَبْرِهِ وَ ذَلِکَ حَیْثُ یَتَزَاوَرُونَ فِی قُبُورِهِمْ وَ یَتَبَاشَرُونَ بِقِیَامِ الْقَائِمِ؛(۱) هیچ مرده ای باقی نمی ماند مگر اینکه آن خوشحالی در قلب او داخل می شود و در جهان برزخ و خانه های قبرشان به دیدار یکدیگر رفته و به یکدیگر مژده می دهند که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کرده است. (آری آن ها در جهان برزخ زنده اند و از اوضاع و احوال این جهان مطلع اند، ولی ما از آن ها اطلاعی نداریم).

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِیِّ یُبْعَثُ فِی أُمَّتِی عَلَی اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْض(۲)؛ شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهم که در میان امت من ظهور خواهد

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص۳۵.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص۷۴.

کرد در حالی که مردم دچار اختلاف و دگرگونی است، پس او زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. او کسی است که ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یَفرَحُ بِهِ اَهلُ السّمَاءِ وَ اَهلُ الاَرضِ وَ الطّیرَ وَ الوُحُوشَ وَ الحِیتَانَ فِی البَحرِ(۱)؛ به وسیله او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا همه خوشحال و از آمدن او همه شادمان می شوند».

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

کَأَنِّی بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ فَلَیْسَ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِیعٌ لَهُمْ حَتَّی سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ الطَّیْرِ یَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِی کُلِّ شَیْ ءٍ حَتَّی تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَی الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مَرَّ بِیَ الْیَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف(۲)؛ گویا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده اند و همه چیز در فرمان آن ها است تا درندگان زمین و پرندگان درنده خشنودی آن ها را در هر باره می جویند تا جائی که زمینی

۱- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۴۲؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۷۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۷۳.

به زمین دیگر می بالد و می گوید امروز یکی از یاران قائم بر من گذشته است.

هرگاه حکومت بر پایه رابطه ی زور و قدرت استوار باشد و مردم از ترس جان و مال و آبرویشان در برابر حاکم خم و راست شوند، ارزشی و فضیلتی شمرده نمی شود، زیرا در جهان وحش و حیوانات جنگلی هم ضعیف تر از قوی تر می ترسد و در برابر او تسلیم می شود. ولی اگر رابطه قلبی و معنوی شد و حاکم از صمیم قلب امت را دوست داشت و درصدد اصلاح امور آنان برآمد و امت هم از عمق باطن او را دوست داشتند و رابطه ی عشق و محبت و صفا و وفا میان آن ها حاکم بود این ارزش دارد. حکومت بر جان ها و قلب ها مهم است وگرنه حکومت بر ابدان با سرنیزه هم میسر است و یکی از تفاوت های عمده ی حکومت های الاهی با حکومت های طاغوتی و استکباری در همین است.

در جامعه و نظام سیاسی مهدوی، رابطه قدرت بازیچه منافع نیست؛ بلکه در واقع جامعه ای است که انسان ها تلاش خواهند کرد تا به سعادت نائل شوند. از این رو، مردم در تحقق نظام مهدوی و حمایت و یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش مهم و تعیین کننده خواهند داشت.

بر اساس آنچه که از سنت اسلامی بر می آید در مدینه فاضله اسلامی، چون رابطه قدرت بر اساس منفعت جویی افراد، گروه ها و جریانات نیست، طبعاً ماهیت زندگی سیاسی هم متفاوت است. در دنیای غیر فاضله طیف بندی احزاب، جریانات، جناح های سیاسی و گروه بندی های سیاسی به خاطر برداشت و نگرش متفاوت از منفعت، توسط احزاب و گروه ها از یک سو و از سوی دیگر محدودیت به دلیل منابع موجود، این احزاب و جریانات با یکدیگر رقابت می کنند. پس در زندگی غیر فاضله، قدرت معطوف به منافع است تا انسان ها بتوانند در قالب احزاب، تشکل ها، جریانات و جناح های سیاسی، منافع بیشتر را تصاحب کنند. از همین رو ماهیت رقابت سیاسی هم صرفاً معطوف به همین منافع قدرت است.

مهمترین ویژگی نظام سیاسی مهدوی نقش و حضور تعیین کننده انسان کامل و امام معصوم علیهم السلام یا همان منجی موعود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان رهبر و رئیس اول نظام سیاسی است. با توجه به این که در نظامهای سیاسی فاضله، قدرت معطوف به سعادت است، امام معصوم برای تأمین چنین سعادتی نقش کلیدی دارد، زیرا به دلیل ویژگی های خاصی که خداوند در او را نهاده است، راهبر مردم به سوی سعادت است. در چنین ساختاری مردم

هم حضور فعال دارند؛ اما حضور فعال و متعهدانه ای که هدف آن تصاحب منافع دنیوی بیشتر نیست، بلکه رقابت برای سبقت جویی در سعادت و ایمان است.

در واقع در نظـام سیاسـی مهـدوی به دلیـل علم کامـل امام معصوم علیهم السـلام و عـدم برداشت ها و قرائت های مختلف، بین مردم برای رسـیدن به زنـدگی نیـک اختلافی نخواهـد بود. البته تفـاوت سـلایق و شـیوه ها، امری طبیعی است و در مورد نظام سیاسـی مهـدوی هم قابل طرح است. اما اصول و کلیاتِ نظام سیاسـی مهـدوی در سایه تبعیت همه مردم از یک انسان کامل با هدف سبقت جویی در رسیدن به خیر و فضیلت، ماهیت رقابت و زندگی سیاسی را دگرگون خواهد نمود.

با این توضیحات می توان گفت: بازی جناحی، سیاسی و گروهی در نظام سیاسی مهدوی منطقِ خود را از دست داده و جناح بنـدی هـا و احزاب به این صورتی که در نظـام های غیر فاضـله وجود دارد، در نظام فاضـله قابل تصور نیست؛ ماهیت زنـدگی سیاسـی دگرگون و متفاوت می شود و رقابت بر سـر منافع، به سبقت در خدمت تبدیل می شود. در این نظام رقابت در رسیدن به سـعادت و فضـیلت است. در نظام سیاسـی مهدوی به دلیل نزدیکی انسان ها به کمال نظام سیاسی بر اساس سبقت جویی در خدمت شکل

خواهد گرفت.

در نگرش اسلامی و در مدینه فاضله مهدوی اصل وجود منجی و هادی غیبی یک اصل اساسی است و همه انسان ها به این آگاهی خواهند رسید که عقل آنها محدود است و نیازمندِ همراهی یک معلم و انسان کامل هستند تا تلاش خودشان را برای نیل به سعادت انجام بدهند و زندگی سیاسی معطوف به منفعت و قدرت دنیوی نیست، بلکه رقابت بر سر رسیدن به سعادت است، زیرا ماهیت زندگی سیاسی دگرگون و متفاوت می شود و رقابت بر سر منافع، به سبقت در خدمت تبدیل می شود.

با چنین نگرشی نقش و جایگاه مردم در مدینه فاضله مهدوی کاملاً دگرگون و منقلب می شود. در نظام سیاسی مهدوی که مبتنی بر حضور رهبر صالح و انسان کامل است، مشارکت متعهدانه و فعال مردم، هم برای رسیدن به سعادت خودشان است و هم زمینه سازی سعادتِ دیگران. در این نظام حضور انسان کامل و آگاهی مردم به محدودیت خود سبب می شود آنها با شیفتگی و درایت از رهبر و امام معصوم علیهم السلام پیروی نمایند. مشارکت سیاسی مردم در نظام مهدوی، مشارکتی فعال و متعهدانه است یعنی هم یک تعهد است و هم یک حق که فعالیت بکند

در نظام مردمی مهدوی، شخص امام معصوم علیهم السلام در رأس

حکومت است، الگوی اعلاـ نمـایش عملی، تجسم ظهور برنـامه هـای اسـلامی و آموزه هـای آن، و نیز نسـخه سـعادت بخش جامعه بشـری به شـمار می آید. در این نظام، هم قوانین بر اجرای عدالت و حق نظر دارد، و هم حاکم و نظام حکومتی از راه و روش عـدل منحرف نمی شـود. حکومـتی که در مـدتی کوتـاه، بر دشـواری هـا چیره گردد و نابسامـانی هـا را از بین بـبرد و با برچیـدن ناامیدی از دل ها، بذر امید در آن ها بکارد، از پشتیبانی مردمی برخوردار خواهد بود. حکومتی که آتش جنگ ها را خاموش کند و امنیت را برقرار سازد، حکومت بر دل هاست.

ه) امنیت گرا

از دیگر ویژگی های بسـیار مهم حکومت عدل جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف که در قرآن و احادیث بر آن تأکیـد شـده است، مسأله امنیت است. حکومت مهـدوی چون یک حکومت عدل محور و دارای مقبولیت مردمی است، امنیت مثال زدنی را به جامعه بشری هدیه خواهند کرد.

در پرتو حکومت عدالت گستر مهدوی، جامعه عصـر ظهور از نعمت امنیت و آسایش فکری بهره مند خواهد شد. در آن زمان امنیـت از جمیع جهـات در حـد اعلاـ تـأمین اسـت: امنیـت مـالی، امنیت جـانی، امنیت آبرویی، امنیت فکری و فرهنگی، امنیت اقتصادی،

امنیت اعتقادی، امنیت نظامی، امنیت روحی و روانی، امنیت اجتماعی و...؛آرامش خاطر بر آن جامعه حکم فرما است و مرزهای امنیت انسانها مورد تهدید واقع نمی شود و در کمال آرامش و صلح و صفا به زندگی انسانی مشغول هستند.

عدالت و امنیت از برترین و مقدم ترین نعمت ها و دستاوردهایی است که توسط امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بشریت در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. از این نظر می توان طعم شیرین امنیت را از آثار عدالت فراگیر حکومت مهدوی بر شمرد، زیرا اگرچه در هر عصری اثری از امنیت نسبی مشاهده می شود،اما امنیت مطلق که عقاید، ایمان، جان، مال و ناموس مردم از گزند هر ضرر و اضراری در امان باشد، آرزوی دیرینه ای است که تنها در پرتو حکومت مهدوی نصیب جامعه بشری خواهد شد؛ همان امنیت فراگیری که خداوند وعده داده است: ((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئا))؛(۱) خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن‌چنان که تنها مرا می... پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقان‌اند.

روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، منظور از آیه را عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِه؛(۱) این آیه در شأن حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او نازل شده است».

در این آیه تأکید بسیار بر تبدیل خوف و نگرانی مؤمنان به امنیت است که در سایه ی حکومت و خلافت صالحان این امنیت مطلق تأمین می شود؛ البته امنیت هدف نیست، بلکه مقدمه ای است برای اینکه انسانها با خاطری آسوده خدای یکتا را بپرستند و هیچ چیز را شریک او در عبادت قرار ندهند.

امنیت خاطر از هر جهت، از ارکان یک زندگی سالم و انسانی است

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۸۲.

و حـد اعلای آن به دور از هر کم و کـاستی در آن زمـان بروز و ظهور خواهـد کرد و امنیت و آرامش خاطر در جمیع جهات زنـدگی را به ارمغان خواهـد آورد. در دولت کریمه مهـدوی شـهروندان آن از هر سـتمی در امان اند؛ آن چنانکه در پرتو این عدالت دشـمنی ها به دوستی، نزاع ها به صـلح و کینه ها به محبّت بدل می شود. صفا و مهر نه تنها میان بشر بلکه بین حیوانات نیز شـایع می گردد و میوه شـیرین امنیت عمومی، محصول عـدالت گسـتری حکومت مهـدوی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف خواهد بود.

احسـاس امنیت، چنـان فراگیر و با ثبات است که همه راه ها امن می شود. دامنه قسط و داد حضـرتش امنیت و ثبات را در تمام شئون زنـدگی انسـان ها حاکم می سازد آن چنانکه بانویی به تنهایی فاصـله عراق تا سوریه را با تمام ملزومات خویش طی می کند، بی آنکه از تعرض انسان یا حیوانی هراسی به دل راه دهد؛ یا کسی یا چیزی به او تعرضی روا دارد.

در این زمینه امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

لَوْ قَـدْ قَـامَ قَائِمُنَـا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَـذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْـطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّی

تَمْشِی الْمَرْأَهُ بَیْنَ الْعِرَاقِ إِلَی الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَیْهَا إِلَّا عَلَی النَّبَاتِ وَ عَلَی رَأْسِهَا زِینَتُهَا لَا یُهَیِّجُهَا سَبُعٌ وَ لَا تَخَافُه؛(۱) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل‌ها بیرون رود و حتی درندگان نیز باهم سازگاری کند، امنیت چنان فراگیر شود که زنی همراه با زیورآلات خود، از عراق تا شام سفر کند، بدون این‌که هیچ دغدغه و نگرانی از خطر داشته باشد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَکَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَیَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُل(۲)؛ آن گاه که قائم قیام کند، به عدالت حکم راند و در زمان او، ستم رخت بربندد و به واسطه او، راه ها ایمن شود».

در عصر ظهور همه اقوام و ملل و فرد فرد انسان ها بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. بشر و تمام ساکنان و جنبندگان آسمان ها و زمین با آغوشی باز و خشنودی بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الاهی در سایه عدالت گستری حضرت مهدی محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد

۱- الخصال، ص۶۲۶؛ تحف العقول، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۱۶.

۲- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۶۲؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۳، ص۴۶۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

رسید و ایمان به عنوان سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب ها و جان ها طمأنینه و آرامش را حکمفرما خواهد ساخت.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی، امنیتی غالب بر عدالت و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر رویکرد و مشی الاهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و پذیرش کامل مردم سود می برد. همین امر به جذب بیش تر قلب های مردم به سوی امام عصر و نهضت جهانشمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت و حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد و ترس و هراس و ناامنی و بی عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده؛ فرمود:

یَأوَی إِلَی المَهدِی أُمّتهُ کَمَا تَأوَی النَّحْلُ إِلَی یَعسُوبِهَا یَملَأُ الأَرضَ عَدلًا کَمَا مُلِئَت جَورًا حَتّی یَکُونَ النّاسُ عَلَی مِثلِ أَمرِهِمُ الأوّل لَا یُوقَظُ نَائِمًا وَ لَا یُرِیقُ دَمًا(۱)؛ امت اسلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهر می ورزند و به سویش پناه می برند، آن چنان که زنبوران

۱- اثبات الهداه، ج۵، ص ۲۷۱.

عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت را در پهنه گیتی می گستراند و صفا و صمیمیّت صدر اسلام را به آن ها باز می گرداند، خفته ای را بیدار نمی کند تا مزاحم آسایش کسی شود و خونی را به ناحق نمی ریزد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: ((وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً))(۱) فرمود: «فَمَنْ بَایَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسَحَ عَلَی یَدِهِ وَ دَخَلَ فِی عَقْدِ أَصْحَابِهِ کَانَ آمِناً؛(۲) یعنی هر کس با او بیعت کند و در سلک پیروان او باشد از ذلت و خواری و تیره بختی دنیا و آخرت ایمن خواهد بود».

بنابراین، در جامعه ای که حق مظلوم باز ستانده نشود و صاحبان زر و زور مانعی را بر سر راه کامجویی های خود نبینند، امنیت اجتماعی و فراگیر، رؤیایی است که تعبیر روشنی نخواهد داشت؛ زیرا ناامنی، ظلم، تجاوز و تعدی، آفات ویرانگر اجتماعی است که محصول بی عدالتی است. در حکومت عدل مهدوی، اثری از ناامنی و ظلم و تجاوز نخواهد ماند، در عصر ظهور او عدالت به شکل همه گیر اجرا می شود، به گونه ای که همه از شهروندان دولت

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲- علل الشرائع، ج ۱، ص۹۱.

جهانی مهـدوی از امنیت و عـدالت بهره منـد می گردنـد، چرا که حقجویان امّت نبوی که با آن وجود گرامی بیعت کرده و به برکت او از کمال عقل و روح اسـتغنا برخوردار گردیـده انـد، هم عادلانه رفتار خواهند کرد و هم امنیت مدینه مهدوی را پاس خواهند داشت.

□□□

سیره قضائی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

مهم ترین رسالت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم اوصیای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اجرای کامل احکام و قوانین اسلام است، بدون شک سیره قضایی آن حضرت نیز چیزی جز احیای سنّت جدش و تحقق کامل دستورات معطّل مانده دین اسلام در جامعه نخواهد بود.

الف) قضاوت به ظاهر(بینه)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مأموریتی ویژه در اقامه عدل و احقاق حق مظلومان بر دوش دارد، از این رو، بر اساس روایات داوری های آن حضرت نیز دو گونه است؛ هم بر اساس ظواهر و بینه و شاهد که سیره اجداد طاهرینش می باشد حکم می کند و هم در مواردی که لازم بداند بر اساس علم خود بدون بینه و شاهد حکم می کند، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

إِنَّمَا أَقْضِی بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ وَ بَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئاً فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ(۱)؛ من تنها بر اساس سوگندها و اقامه شواهد و گواهی در میان شما به داوری می پردازم و چون در مقام دلیل آوردن، بعضی از شما زیرک تر از برخی دیگر است، پس اگر

۱- الکافی، ج۷، ص۴۱۴.

در مواردی من بر اساس بیّنه و سوگند، برای فردی از مال برادرش چیزی مقرّر کردم و در واقع این گونه نبود، تکه ای از آتش را برایش مقرّر کرده ام.

درواقع حضرت می فرماید اگر حکمی صادر کردم که مثلاً فلان زمین از آن فلان شخص است، ولی در واقع این گونه نباشد، گو اینکه قطعه ای از آتش را برای او بریده امم(یعنی او حقّ تصرّف در آن را ندارد و در واقع برایش حلال نمی شود).

ب) قضاوت به باطن(علم)

طبق ظاهر برخی روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور، بر اساس حکم واقعی و علم به آن قضاوت می کند و بینه و شاهد نمی خواهد. در حالی که اجداد گرامی اش، در منازعات قضایی، بر اساس ظاهر و با استناد به شهادت و قسم، حکم می کردند.

امام صادق علیه السلام در بیان شیوه قضاوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور فرمود: «لَا یَذْهَبُ الدُّنْیا حَتَّی یَخْرُجَ رَجُلٌ مِنِّی یَحْکُمُ بِحُکُومَهِ آلِ دَاوُدَ لَـا یَسْـأَلُ عَنْ بَیِّنَهٍ یُعْطِی کُلَّ نَفْسٍ حُکْمَهَا(۱)؛ دنیا پایان نیابـد تا آنکه مردی از فرزندان من بیرون آید که طبق حکومت آل داود حکم کند،

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۹۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

گواه نخواهد و حق هر کس را به او عطا کند».

نیز ابو عبیده حذاء نقل می کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «یَا أَبَا عُبَیْدَهَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عجل الله تعالی فرجه الشریف حَکَمَ بِحُکْمِ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ لَا یَسْأَلُ بَیِّنَه(۱)؛ ای ابا عبیده! زمانی که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، به حکم داود و سلیمان حکم دهد و گواه نطلبد».

امام عسگری علیه السلام در توصیف شیوه قضایی فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «فَإذا قامَ قَضی بَیْنَ النّاسِ بِعِلْمِهِ کَقَضاءِ داوُدَ عَلَیهِ السّلام لَا یَسْأَلُ الْبَیِّنَهَ؛(۲) چون او قیام نماید، بین مردم بر اساس دانش خود حکم کند، همانند قضاوت حضرت داود، و درخواست شاهد نمی کند».

جابر گوید: مردی خدمت حضرت باقر علیه السلام رسید و من نیز آنجا حاضر بودم؛ حضرت فرمود:

فَإِنَّمَا سُمِّیَ الْمَهْدِیَّ لِأَنَّهُ یَهْدِی لِأَمْرٍ خَفِیٍّ یَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاهَ وَ سَائِرَ کُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاکِیَهَ فَیَحْکُمُ بَیْنَ أَهْلِ التَّوْرَاهِ بِالتَّوْرَاهِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ بِالْإِنْجِیلِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ(۳)؛ بدین جهت «مهدی» نامیده اند که

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص۸۶.

۲- الکافی، ج ۱، ص۵۰۹؛ الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص۳۳۱؛ الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص۴۳۲.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۷؛ علل الشرائع، ج ۱، ص۱۶۱. همان گونه که جد بزرگوارش امیر مؤمنان علیه السلام این چنین فرمود: «وَ اللَّهِ لَوْ ثُنِیَتْ لِیَ الْوِسَادَهُ لَقَضَیْتُ بَیْنَ أَهْلِ التَّوْرَاهِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ بَیْنَ أَهْلِ الْإِنْجِیلِ بِإِنْجِیلِهِمْ وَ بَیْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزَبُورِهِمْ؛ به خدا قسم اگر مسند برایم بیندازند و بر آن نشینم به أهل تورات و أهل انجیل و أهل زبور و أهل قرآن به کتاب خودشان قضاء و داوری نمایم»(الإحتجاج، ج ۱، ص۲۶۳).

مردم را به امر مخفی و نهانی هدایت می فرماید، آن جناب تورات و تمام کتب آسمانی دیگر را از غاری که در انطاکیه هست بیرون آورده و بین اهـل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می فرماید.

علی بن عقبه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَی أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّی يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَی يَقُولُ: ((وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ))(۱) وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله(۲)؛ هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کنـد بر اساس عـدل قضاوت خواهد کرد و ظلم و جور در ایام حکومت او رخت بر بسته و هر حقّی به اهل آن باز می گردد و اهل هیچ

۱- سوره آل عمران آیه ۸۳.

۲- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص۳۸۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص۲۶۵؛ کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص۴۶۵.

کیش و آئینی به جای نمانـد جز اینکه همگی اظهار اسـلام کننـد و اعتراف به ایمان نمایند، مگر نشـنیده ای که خدای سـبحان فرمایـد: «و برای او اسـلام آورد هر که در آسـمانها و زمین است خواه و ناخواه و به سوی او بازگردانیـده می شوند» و به حکم حضرت داود علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در میان مردم حکومت کند.

حضـرت داود علیه السـلام بر اساس علمی که خدا در اختیارش گذاشـته بود. در داوری میان افراد و قضاوت بین متخاصمین به علم الاهی خود عمل می کرد و طبق آن حکم صادر می کرد، نه آنکه از مـدّعی، شاهـد بخواهـد. گاهی در شـیوه های رایـج، مـدعی شاهـد ندارد، یا شـهود دروغین در محکمه گواهی می دهند، یا قسم های دروغ می خورند و حقّ و نا حق می شود. اما حضرت بر اساس علم معصومانه و غیبی خود حکم صادر می کند و هیچ حقّی ضایع نمی گردد.

در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چونان داود نبی علیه السلام و جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آلـه حکـم و قضـاوت خواهـد نمـود. حکم داودی، حکم بر اسـاس حـق و عـدالت است؛ چنـانکه قرآن فرمـود: ((یَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلِیفَهً فِی الْأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوی فَیُضِلَّکَ عَنْ

سَبِيلِ اللَّه))(۱) و حکم محمدی صلی الله علیه و آله قضاوت بر اساس عدالت و دستور الاهی است: ((وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ))(۲)؛ (فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللّهُ وَلاَ تَتَّبِعْ أَهْوَاءهُمْ عَمَّا جَاءكَ مِنَ الْحَقِّ)).(۳) محوریت عدالت و دستورات الاهی در سیره قضایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب می شود که در هیچ گوشه ای از جهان بر کسی ظلم و ستم روا نگردد و همگان از نعمت عدالت بهره مند گردند.

داوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر طبق قانون دادرسی رسول خدا صلی الله علیه و آله و داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام به این نکته اشاره دارد که آن حضرت، هم از موازین ظاهری دادرسی اسلامی همچون اقرار و گواهی گواهان و مانند آن استفاده می کند و هم از شیوه های روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی آن چنانکه پاره ای از نمونه های آن در عصر داود علیه السلام نقل شده است بهره می برد. به علاوه در عصر او به موازات

۱- ای داوود! ما تو را خلیفه و(نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد(سوره ص، آیه ۲۶).

۲- اگر میان آنها داوری کردی، با عدالت داوری کن(سوره مائده، آیه ۴۲).

۳- پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن و از احکام الاهی روی مگردان!(سوره مائده، آیه ۴۸).

پیشرفت علوم و دانش ها و تکنیک و صنعت آنقدر وسایل کشف جرم تکامل می یابد که کمتر مجرمی می تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد.

از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پایه علم غیبی خود و با استفاده از شیوه های روان شناسی، مجرمان را شناسایی کرده و درباره او داوری می کند، چنانکه عبدالله بن عجلان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عجل الله تعالی فرجه الشریفحَکَمَ بَیْنَ النَّاسِ بِحُکْمِ دَاوُدَ لَا یَحْتَاجُ إِلَی بَیِّنَهٍ یُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَی فَیَحْکُمُ بِعِلْمِهِ وَ یُخْبِرُ کُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ یَعْرِفُ وَلِیَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ(۱)؛ آن زمان که قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، مانند داوود میان مردم قضاوت می کند و به بیّنه و شاهد نیاز ندارد چون خداوند به او الهام می کند و او براساس علم خدادادی خود به قضاوت می پردازد و از باطن همگان اطلاع می دهد و از روی قیافه، دوستش را از دشمنش تشخیص می دهد.

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۶؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۶۴.

البته حکم بر اساس علم غیب و واقع، بر خلاف شیوه معمول در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام می باشد، چون قضاوت رایج در زمان ائمه علیهم السلام و زمان قبل از ظهور بر اساس حکم ظاهر بوده است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّمَا أَقْضِی بَیْنَکُمْ بِالْبَیِّنَاتِ وَ الْأَیْمَانِ(۱)؛ من تنها بر اساس سوگندها و اقامه شواهد و گواهی در میان شما به داوری می پردازم»؛ امّا سیره قضایی آخرین امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با آن تفاوت دارد. شاید دلیل این تفاوت این باشد که حکم به واقع و داوری بر پایه علم امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با دو محذور مواجه بوده است: یکی اینکه در عصر غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، قاضیان علم به واقع ندارند و شاید در بسیاری از موارد علم شان در حقیقت جهل مرکب باشد. دوم اینکه مردم نیز تحمّل حکم به واقع را ندارند و داوری داودی برای بسیاری از مردم غیر قابل تحمّل است، لذا از حکم به واقع چشم پوشی شده و حکم به بیّنه و قسم، به عنوان روش قضاوت کردن معیّن گردیده است.

۱- الکافی، ج۷، ص۴۱۴.

امّا در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به تحول ژرف، عمیق و همه جانبه ای که به یمن وجود حضرت پدید می آید، زمینه اجرای این حکم اوّلی اسلام، یعنی حکم به واقع پدید می آید و دو مانعی که این حکم بر سر راه دارد، برداشته می شود. از این رو، با شرایطی که در زمان ظهور پدید می آید زمینه حکم به واقع فراهم می گردد و حضرت در زمان ظهور طبق واقع حکم می کند و بیّنه و شاهد نمی طلبد. بنابراین، جواز داوری به واقع در صورتی که قاضی مانند امام معصوم از واقع با خبر باشد هیچ ایرادی ندارد و اگر قضاوت طبق واقع صورت نمی گیرد به دلیل عدم تحمّل مردم و عدم علم قاضی به واقع است.

مرحوم مجلسی اول نیز در این باره معتقد است که حق داوری به واقع، برای امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام برای آن است که آنان علم به واقع دارند، اگرچه داوری به واقع بر آنان واجب نیست مگر در زمان حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیرا دراخبار متواتر آمده هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، مانند آل داوود

قضاوت می کنـد و بیّنه نمی طلبد.(۱) به عقیده مرحوم محمد تقی مجلسـی، روایات مربوط به داوری داوودی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حد تواتر است.

□□□

۱- «الحکم بـالواقع من الاـئمه المعصـومین سـیما امیرالمؤمنین صـلوات الله علیهم لعلمهم بـالواقع فی الوقـایع و ان کـان لم یجب علیهم ذلک الاّ فی زمان القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف (روضه المتقین، ج ۶، ص۵۹).

سیره جهادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

اسـلام دین رحمت و رشـد و تعامل انسان ها است، از این رو جنگ را نه به عنوان هـدف و آرمان، بلکه به عنوان راه و وسـیله برای تحقق هـدف پـذیرفته است. قرآن کریم نیز هدف از جنگ را رفع فتنه بیان فرموده است: ((وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّی لَا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ کُلُّهُ لِلَّه))(۱)؛ و بـا آنها پیکار کنیـد تا فتنه(و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نمانـد؛ و دین، مخصوص خدا گردد.

فتنه، همه ناآرامی ها، و مزاحمت های اجتماعی را دربر می گیرد که جامعه و مردم را از سـیر طبیعی خود باز می دارد، لـذا در راه هدف ارزشـمند و انسانی نابودی فتنه ها و آشوب ها به معنای وسـیع آن باید جنگید تا ارزشـهای الاهی و انسانی در جامعه محقق شود و کفر و شرک که اساس فتنه و بدبختی انسان هاست از عرصه زندگی برچیده شود.

بدون شک، کفر و شرک، موانع اصلی باز دارندگی انسان از حرکت به سوی کمال و تربیت و رشد معنوی و مادی است و در منطق قرآن کریم، زدایش این موانع، هدف اصلی از تجویز جنگ است.

۱- سوره انفال، آیه ۳۹.

همچنین این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ناظر به این رویکرد اصلاحی است که فرمود: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّار(۱)؛ تمام نیکی ها و خیرات در جنگ و در زیر سایه شمشیر است و مردمان را جز شمشیر راست نکند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ است».

الف) برچیدن بساط کفر

سیره جهادی و مبارزاتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زدودن مظاهر فتنه و شرک و کفر و براندازی همه نظام های طاغوت و حاکمیت مطلق دین الاهی در سراسر جهان است.

عبد العظیم حسنی، از امام جواد علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُود(۲)؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که خداوند به وسیله او اهل کفر و عناد را ریشه کن کرده و زمین را از وجود آنان پاک می کند».

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ

۱- أمالی صدوق، ص۵۷۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۷۸. واژه «يُطهِّر» در این کلام حضرت و هم چنین در سخن امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود: «وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»(بحار الانوار، ج ۵۱، ص۱۲۰) بیان گر خباثت و پلیدی کفار و انسان های ناپاک است که زمین را آلوده کرده است و باید تطهیر شود.

شَرْقَ الْـأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله؛(۱) خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و چندان از مردم بیدین به قتل می رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله باقی نماند».

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْـأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بُقْعَةٌ عُبِدَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عُبِدَ اللَّهُ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛(۲) سپس خداوند او را ظاهر کند و شرق و غرب جهان را به دست او بگشاید و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او نماز گذارد. زمین با نور خداوند منور گردد و جایی در روی زمین نمی ماند که در آن غیر از خداوند عز و جل پرستش شود؛ همه ادیان از میان برود و فقط دین خدا می ماند هر چند مشرکین نپسندند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اگرچه در مواجهه با کفار از حمایت نیروی غیبی و کمک های آسمانی و فرشتگان برخور دار است، اما این گونه نیست که پیروزی حضرت بر مخالفان و گسترش حکومت عدل اسلامی در

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۱۴۶.

سراسر جهان، تماماً متکی به اعجاز و قدرت خارق العاده الاهی باشد، بلکه نصرت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر دشمنان به طور طبیعی و عادی خواهد بود، گرچه این نصرت همراه با تأییدات جزئی و خاصّی از جانب خداوند است، زیرا همان گونه که می دانیم بشر در عصر ظهور مورد ظلم و ستم فراوان است، و از طرفی، از حیث فرهنگی و رشد عقلانی، عموم بشر به بالاترین سطح خود رسیده است و لذا به دنبال چنین رهبری الاهی است تا با لبیک به دعوتش از او پیروی نماید. هرگز ابرقدرتها با همه امکاناتی که دارند نمی توانند در مقابل اراده ملت ها بایستند. اگر مردم همگی یکپارچه و یک صدا فریاد برآورند، دشمنانشان به زانو در خواهند آمد. مگر در صدر اسلام نبود که مردم فوج فوج داخل اسلام شده و دعوت پیامبر را پذیرفتند؟ در عصر ظهور نیز هنگامی که مردم دنیا از وسایل ارتباط جمعی خبر قیام مصلحی جهانی را بشنوند به او گرویده و از او حمایت خواهند کرد، و کسی نمی تواند در صورت اقبال مردم با اراده آنها مقابله کند. بلی، هر کجا که حضرت با مانع خاصی روبرو شد خداوند متعال با اعجاز به کمکش آمده و از آن حضرت حمایت خواهد نمود.

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر آنچه مایه اقتدار و قدرت و دولت برای اهل باطل شمرده می شد، از بین می رود و دین اسلام و نظام ولایی امامت جایگزین می گردد. امام باقر علیه السلام فرمود: «إذا قامَ الْقائِمُ

ذَهَبَ دَولَهُ الْباطِلِ؛(۱) هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «کَأَنِّی بِأَصْحابِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ فَلَیْسَ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِیعٌ لَهُمْ(۲)؛ گویا یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده اند و همه چیز در فرمان آن ها است».

ب) قاطعیت در سیره جهادی حضرت

سیره جهادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس آیه مبارکه: ((مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ))(۳) همانند جدش رسول الله صلی الله علیه و آله مهربانی با مؤمنان و شدت عمل با کفار و معاندان است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر تحقق رحمت و قهر الاهی در آخر الزمان است. او در قدم نخست، امام رحمت و مهربانی است و برای هدایت و سعادت انسان ها قیام می کند، نه برای کشتن و خون ریزی و ویران کردن. آن حضرت اگرچه در برابر گردن کشان، قاطع و انعطاف ناپذیر

۱- الکافی، ج۸، ص۲۷۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۷۳.

۳- محمّد صلی الله علیه و آله و سلم که فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفّار سرسخت و شدید و در میان خود بسیار مهربانند(سوره فتح، آیه ۲۹).

است، اما برای عموم مردم امام مهربانی است و مانند روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام ابتدا با رحمت و مهربانی فراوان به بیان حقیقت دین و پیام اسلام برای جهان می پردازد و گروه فراوانی توبه کرده انسان های پاکی می شوند، حتی غیرمسلمانان سخن ایشان را می پذیرند و گرد او جمع می شوند. حضرت، به کمک و یاری آن ها نهضت خود را شروع می کند. این گونه نیست که به کسی مهلت تفکر و توبه ندهد، بلکه وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، کسانی که سخن امام را نپذیرفته اند، اگر به این دلیل باشد که هنوز دلایل کافی ندیده اند و اطمینان ندارند، به آن ها مهلت داده می شود تا خوب بیندیشند و کسی معترض آن ها نمی شود. اما اگر بعد از اتمام حجت و اقامه دلیل، باز هم به دشمنی خود ادامه دهند و بی دلیل به مخالفت برخیزند، امام با آن ها برخورد قاطعانه و عبرت آمیز خواهند کرد.

بر اساس روایت ها، بسیاری از کافران به ویژه اهل کتاب، به حقانیت امام و راه نورانی او پی می برند و به آن حضرت ایمان می آورند. بسیاری از کافران مقاومت نمی کنند، بلکه تسلیم می شوند. به ویژه مسیحیان که با نزول حضرت مسیح علیه السلام و پشتیبانی او از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تسلیم شده و مسلمان می شوند.

بر اساس روایات، حرکت جهادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از یک نقطه

خاص؛ یعنی مکّه و با یک گروه اندک و محدود؛ یعنی سیصد و سیزده نفر یاران ویژه (هسته مقاومت) آغاز می شود تا اینکه به تدریج بر تعداد پیروان آن حضرت افزوده می شود، چون هر حرکت اصلاحی و اجتماعی در ابتدا از یک نقطه محدود و کوچک شروع می شود و به تدریج پیش می رود. پیش روی ها و پیروزی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به تدریج صورت می گیرد و کم کم پیروزی های آن حضرت توسعه می یابد و با نیروهای تازه که به آن حضرت ملحق می شوند، به سراغ فتح مواضع جدید می رود. آنگاه سپاهیان حضرت با یک سازمان دهی منظم، به فتح شهرها و کشورها می پردازند.

در این راستا، ابتدا به آزادسازی حجاز می پردازد: فَیفتَحُ اللهُ أرضَ الْحِجازِ، وَیخْرُجُ مَنْ کانَ فی السِّجْنِ مِنْ بَنی هاشِمٍ، وَتَنزَّلَ الرّایاتِ السوُّدِ الکُوفَهِ، فَیبعُثُ بِالبَیعَهِ الِیَ الْمهدی، فَیبعُثُ المهدِی جُنُودَهُ الِیَ الْبُلدانِ(۱)؛ اول سرزمین حجاز را فتح می کند، و زندانیان از ابنای بنی هاشم از زندان آزاد می شوند، پرچم های سیاه(گمراهی) از کوفه به زیر کشیده می شوند،(صاحب رایت) برای بیعت به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برانگیخته می شود، و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لشکریانش را به سوی شهرها و کشورها می فرستد.

۱- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۶۴.

پس از آزاد سازی مکه و مدینه، دامنه فتوحات حضرت به سوی عراق و دیگر شهرها گسترش می یابد. یعقوب بن سراج از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «یُقْبِلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ یَبْعَثُ جَیْشاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَأْمَنُ أَهْلُهَا وَ یَرْجِعُونَ إِلَیْهَا؛(۱) صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی عراق روی می آورد و سپاهی را به مدینه می گمارد تا امنیت را برای اهالی مدینه برقرار کند و آنانی را که از مدینه مهاجرت کرده اند به خانه هایشان باز گردند».

در هنگام ورود حضرت به عراق، پیکار سختی میان سپاه حضرت با جمعی از مقدس نمایان معاند رخ می دهد. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف سَارَ إِلَی الْکُوفَهِ فَیَخْرُجُ مِنْهَا بِضْعَهَ عَشَرَ أَلْفَ نَفْسٍ یُدْعَوْنَ الْبُتْرِیَّهَ عَلَیْهِمُ السِّلَاحُ فَیَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَیْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَهَ لَنَا فِی بَنِی فَاطِمَهَ فَیَضَعُ فِیهِمُ السَّیْفَ حَتَّی یَأْتِیَ عَلَی آخِرِهِمْ ثُمَّ یَدْخُلُ الْکُوفَهَ فَیَقْتُلُ بِهَا کُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَ یَهْدِمُ قُصُورَهَا وَ یَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ عَلا؛(۲) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه وارد شود، چندین هزار تن که بتریه(گروهی شبیه خوارج) خوانده می شوند، در مقابل حضرت می ایستند و

۱- الکافی، ج۸، ص۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹.

۲- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

به او می گوینـد: «برگرد. ما به فرزنـدان فاطمه احتیاجی نـداریم!» آن گاه امام علیه السـلام ناگزیر دست به شمشـیر برده و همه آنان را از دم تیغ می گذراند. سپس وارد کوفه شده و بقایای اهل فتنه و نفاق را می کشد و کاخ های آنان را واژگون کرده و آنقدر از جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی شود.

بیشتر جنگ های حضرت در عراق و شامات، با لشکریان سفیانی است. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيَّ أَنَّ الْقَائِمَ قَدْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ مِنْ نَاحِيَهِ الْكُوفَهِ يَتَجَرَّدُ بِخَيْلِهِ حَتَّى يَلْقَى الْقَائِمَ... ثُمَّ يُصْبِحُونَ لِلْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف بِالْحَرْبِ فَيَقْتَتِلُونَ يَوْمَهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَمْنَحُ الْقَائِمَ وَ أَصْحَابَهُ أَكْتَافَهُمْ فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنُوهُمْ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَفِي فِي الشَّجَرَهِ وَ الْحَجَرَهِ فَتَقُولُ الشَّجَرَهُ وَ الْحَجَرَهُ يَا مُؤْمِنُ هَذَا رَجُلٌ كَافِرٌ فَاقْتُلْهُ فَيَقْتُلُهُ قَالَ: فَتَشْبَعُ السِّبَاعُ وَ الطُّيُورُ مِنْ لحومهم فَيُقِيمُ بِهَا الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف مَا شَاءَ؛(۱) هنگامی که سفیانی متوجّه می شود که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از سمت کوفه به سوی او می‌آید...، فردای آن روز به جنگ با حضرت می پردازد که تمام روز طول روز می‌کشـد. خداونـد حضـرت قـائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف و یـارانش را قـدرت داده و یـاری می‌نمایـد، تا آن‌که تمامی دشمنان را

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۱۶.

می کشند و نابود می‌سازند؛ تا آن جا که اگر یکی از آنان پشت سنگ یا درختی پنهان شود، سنگ و درخت به زبان آمده و به سپاه امام می گویند: «ای مؤمن! کافری پشت من پنهان شده، او را بکش! و او هم آن کافر را می کشد، تا جایی که درندگان و پرندگان از گوشت آنان سیر می شوند.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پیروزی و تارومار کردن لشکریان سفیانی، منطقه را از وجود دشمنان پاک سازی کرده و سپاهیانش را برای فتح دیگر مناطق جهان اعزام می کند:

ثُمَّ یَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف ثَلَاثَ رَایَاتٍ لِوَاءً إِلَی الْقُسْطَنْطِینِیَّهِ یَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَی الصِّینِ فَیَفْتَحُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَی جِبَالِ الدَّیْلَمِ فَیَفْتَحُ لَه؛(۱) سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سه پرچم را می بندد، یکی را به سوی قسطنطنیه می فرستد و خداوند آن جا را برای او می گشاید، دومی را به سوی چین اعزام می کند و آن جا را فتح می کند و سومی را به مناطق کوهستانی دیلم می فرستد و در آن جا پیروز می شود.

ج) انعطاف ناپذیری در برابر دشمنان

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برخورد با دشمنان دین، قاطع و سازش ناپذیر

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۸.

است و در اجرای حدود و احکام الاهی و مبارزه با ستمگران، چشم پوشی و مسامحه ای در راه و روش او نیست. نیز از ملامت ملامتگران نمی هراسد، از هیچ مقام و قدرتی نمی ترسد و بدون هیچگونه ملاحظه ای تبهکاران را کیفر می کند و صالحان زاهد و ساده زیست و بی آلایش را در مصادر امور می گمارد.

سازش ناپذیری و قاطعیت خصلت همه رهبران راستین الاهی است و این خصلت در امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حد اوج و کمال است، چرا که معیار پاکسازی اجتماعات بشری و تحقق یافتن عدالت فراگیر و ریشه سوزی هر ظلم و ستم باید بدون کمترین ترحم و ارفاق صورت گیرد به طوری که در هیچ جای جهان علت فساد و عامل بیدادی برجای نماند تا کسی نتواند با توطئه و کار شکنی در کار سامان بخشیدن امور جامعه بشری، اخلال ایجاد کند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دو گروه، برخورد قهر آمیز و انعطاف ناپذیر دارد؛ یکی معاندان لجوج که بدون دلیل بر عقاید خود پا می فشارند و دلیل های روشن امام را نمی پذیرند و به مخالفت بر می خیزند. دوم سران ظلم و شرک که دنیا را از آنِ خود می دانند و با آزادی و سعادت مردم مخالف اند و همه چیز را برای خود می خواهند و حقوق مردم را رعایت نمی کنند و خواستار ظلم، فساد و گناه هستند.

حضرت با آن عده از کافرانی که ایمان نمی آورند، برخورد می کند.

این جنگ ها در کشورهای گوناگون رخ می دهد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای از بین بردن آن ها به کشورها سفر نمی کنند، بلکه به فرماندهی حضرت جنگ هایی رخ می دهد و دشمنان سرکوب می شوند.

در این مبارزه قهر آمیز، حضرت کار معاندان و سران کفر را یک سره می کند. از این نظر عصر ظهور آخرین حجت الاهی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می توان عصر عزّت و سربلندی مظلومان و خواری و شکست نهایی ستمگران دانست، چون در اعصار گذشته، یا سیاست های حاکمان جور و کفر، عرصه را بر امامان هدایت تنگ کرده و بسته بود؛ یا بیعتی از خویش را بر وجود مبارکشان تحمیل کرده بود و آنان نیز به اقتضای مصالح اسلام و مسلمانان آن را مراعات می کردند؛ امّا چون آن حضرت، حکومت حق را تأسیس کند، هیچ بیعتی از کسی بر عهده ندارد و در برابر هیچ طاغوتی متعهد نیست، از این رو با هیچ ستمگری مسامحه یا مصالحه نمی کند و جز از در هدایت یا تسلیم، با آن ها برخورد نکند.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «یَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَیْسَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَا عَقْدٌ وَ لَا بَیْعَهٌ؛(۱) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که قیام می کند، عقد بیعت و تعهد و قراردادی از کسی به گردن او نیست».

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۴۲.

آن گـاه در برابر معانـدان حق ستیز که جز ظلم و جهل و اسـتثمار ثمر دیگری ندارنـد، تیغ انتقام می کشـد و در مقام مظهریت اسم «منتقم» الاهی از آنان انتقام می کشد و مایه تشفی دل های رنج دیده و ستم کشیده مؤمنان می گردد، آن گونه که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم در حـدیث قدسـی فرمود: «وَ هَـذَا الْحُجَّهُ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْـطاً وَ عَـدْلًا وَ یَشْـفِی صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِین؛(۱)و این است حجّت الاهی، همان کسـی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و دل های مؤمنان را تشـفّی خواهد بخشید».

در دوران ظهور آخرین حجت الاـهی، این واقعیت نادیـده گرفته نمی شود تـا پاکسـازی ریشه ای جامعه بشـری تحقق خارجی یابد و از هر شـکست و ناتوانی و سـستی در امان ماند؛ از این رو امام منجی در سراسـر اندام جامعه بشـری سلولی فاسد بر جای نمی گـذارد و هر خس و خاشاکی را از مسـیر انسان بر می دارد و هر فسادی را در نطفه خفه می کنـد و هر سـتمی را از ریشـه می خشکاند در همه جریانهای فاسد و ضد انسانی همه عاملان زمینه سازان و دستیاران آن جریانها را از دم تیغ می گذراند.

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «یَقُومُ الْقَائِمُ... عَلَی

۱- إرشاد القلوب، ج ۲، ص۴۱۶؛ کفایه الاثر، ص۶۹؛ بحار الانوار، ج۳۶، ص۳۰۳.

الْعَرَبِ شَدِیدٌ لَیْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّیْفَ لَا یَسْتَتِیبُ أَحَداً وَ لَا یَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ(۱)؛ امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند... بر اعراب سخت گیر است و راه و روش او شمشیر و به کارگیری سلاح است و در راه اجرای برنامه های الاهی، بیم از ملامت هیچ ملامت گری را به دل راه ندهد».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایجاد بیم و دلهره و ترسهای عمیق و راستین بسیاری از گروههای مخالف و ستم پیشه را مجبور به ترک راه و روش خود می کند و به تسلیم وا می دارد. آن حضرت با ترسی که در دل دشمنان می افتد حمایت خواهد شد. این امر ممکن است که به صورت عادی باشد؛ زیرا نصرت مردم که باعنایت خداوند و اقبال مردم است، چنان رعبی بردل دشمنان خواهد افکند که همه امکانات خود را گذارده، فرار خواهند نمود. از این رو در احادیث آمده است که از شمشیر برنده و اراده قاطع امام و یارانش همه اهریمنان می هراسند و ترسی گران بر روان دشمنان سایه می افکند و و این خود عامل بزرگی در پیروزی کامل آن امام منجی است. با این رعب و ترس بسیاری از مقاومت ها در هم می شکند و بسیاری از مردمان به راه باز می گردند و از تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا نهادن مسؤلیت و تکلیف و حرمت انسان ها دست بر می دارند.

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۳.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُ وَ یَنْهَی إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا یَبْقَی بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ شَیْ ءٌ إِلَّا خَافَه(۱)؛ در همان هنگامی که شخص نزد قائم ایستاده و به امر و نهی مشغول است ناگاه امام امر می کند که او را بکشند این است که در خاور و باختر زمین چیزی نمی ماند مگر اینکه از(قاطعیت و اجرای عدالت) او می هراسد».

در سیره جهادی حضرت، هیچ انگیزه ای جز رضای خدا و اجرای عدالت مطلق در کار نیست، بلکه تنها برای شکوفایی راستین این اصول و ارزش های متعال دین، اقدام به جهاد می کند. از این رو در سیره جهادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشتار و جنگ، تنها برای از میان برداشتن حاکمان و زمامداران مسلط بر کشورهای جهان نیست بلکه قاطعیت در برابر حکومت های خودکامه مقدمه ای است برای اصلاح جامعه ها و ایجاد دگرگونی اساسی در ماهیت روابط اجتماعی و سرانجام اجرای دقیق عدالت اجتماعی در همه شئون زندگی. این چنین شیوه و روشی می تواند نجات بخش بشریت باشد و شبکه های پیچیده بیدادگران و دنیاداران را از دست و پای بشریت مظلوم بر دارد و آسایش واقعی را برای همگان فراهم سازد. به این جهت امام

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰.

نه تنها در جنگ ها و لشکرکشی ها با دشمنان خارجی دست به کشتار می زند و موانع راه را با قاطعیت از سر راه برمی دارد، بلکه در برابر هر گونه فساد و انحراف در داخل جامعه اسلامی نیز قاطع می ایستد و علل و عوامل آن را نابود می کند. کسانی که در مبانی عقیدتی و ایمانی چون دیگرانند و به ظاهر معتقد و مسلمان حساب می شوند، لیکن در عمل و در روابط اجتماعی دچار انحرافند و در مسائل مالی و اقتصادی فریب کارند، مورد تصفیه و پاکسازی قاطع و انعطاف ناپذیر امام قرار می گیرند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

الثَّانِی عَشَرَ مِنَّا یُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ کُلَّ عَسِیرٍ وَ یُذَلِّلُ لَهُ کُلَّ صَعْبٍ وَ یُظْهِرُ لَهُ کُنُوزَ الْأَرْضِ وَ یُقَرِّبُ لَهُ کُلَّ بَعِیدٍ وَ یُبِیرُ بِهِ کُلَّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ یُهْلِکُ عَلَی یَدِهِ کُلَّ شَیْطَانٍ مَرِید(۱)؛ خداوند برای دوازدهمین از خاندان ما هر دشواری را آسان گرداند و به دست او هر ستمگر سرسختی را نابود کند و هر شیطان سرکشی را هلاک نماید.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۶۹.

د) رأفت با توبه کنندگان

دربـاره سـیره رفتاری امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نسـبت به پـذیرش یا نپـذیرفتن توبه انسان های کافر و گمراه و بازگشت آنان از راه انحراف، روایات مختلف است؛ برخی بر پذیرش توبه و دسته ای دیگر بر عدم پذیرش توبه دلالت دارد.

بر اساس برخی روایات، در عصر ظهور باب توبه باز است و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توبه آنانی را که از مسیر باطل بازگشته اند می پذیرد. عبد الحمید واسطی می گوید محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قُلْتُ أَصْلَحَکَ اللَّهُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْمُرْجِئَهَ یَقُولُونَ مَا عَلَیْنَا أَنْ نَکُونَ عَلَی الَّذِی نَحْنُ عَلَیْهِ حَتَّی إِذَا جَاءَ مَا تَقُولُونَ کُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ سَوَاءً فَقَالَ: یَا عَبْدَ الْحَمِیدِ صَدَقُوا مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ مَنْ أَسَرَّ نِفَاقاً فَلَا یُرْغِمُ اللَّهُ إِلَّا بِأَنْفِهِ(۱)؛ این گروه مرجئه می گویند بر ما از نـاحیه اعتقاداتمـان بـاکی نیست و چون آن چه شـما می گوییـد رخ داد، ما و شـما یک سان خواهیم بود. امام باقر علیه السـلام فرمود: ای عبدالحمید راست می گویند. کسی که

۱- الکافی، ج ۸، ص۸.

توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد و کسی که نفاقش را پنهان سازد، تنها بینی او به خاک مالیده می شود.

بشیر بن أبی أراکه نبّال روایت کرده است: در مدینه به منزل امام باقر علیه السلام که رسیدم با استر آن حضرت روبرو شدم که زین شده و بر در خانه آماده بود، پس جلوی خانه نشستم؛آن حضرت از منزل بیرون آمد، من به او سلام کردم. حضرت از استر پیاده شده و به سوی من آمد و فرمود: از کجائی؟ گفتم: از مردم عراق هستم. فرمود: از کجای آن؟ گفتم: از اهل کوفه هستم. فرمود: چه کسی در این راه همدم و همراه تو بود؟ گفتم: گروهی از محدثه. فرمود: محدثه کدام است؟ عرض کردم: همان مرجئه. سپس فرمود: «وَيْحَ هَذِهِ الْمُرْجِئَهِ إِلَى مَنْ يَلْجَئُونَ غَداً إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَ أَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءٌ. فَقَالَ: مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسَرَّ نِفَاقاً فَلَا يُبْعِدُ اللَّهُ غَيْرَهُ؛(۱) وای بر این مرجئه! فردا که قائم ما قیام کند به که پناه خواهند برد؟ عرض کردم: آنها می گویند اگر چنین واقعه ای رخ دهد ما و شما در میزان عدالت یک سان خواهیم بود. حضرت فرمود: هرکس توبه کند، خداوند توبه اش را می پذیرد و هر که نفاقش را پنهان سازد، خداوند تنها او را از رحمت خود دور سازد».

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۷.

عبـد اللَّه بن بکیر روایت می کنـد که از امـام کـاظم علیه السـلام دربـاره آیه ((وَ لَهُ أَسْـلَمَ مَنْ فِی السَّمـاواتِ وَ الْـأَرْضِ طَوْعـاً وَ کَرْهاً)) سوال کردم. حضرت فرمود:

قَـالَ أُنْزِلَتْ فِی الْقَـائِمِ علیه السـلام إِذَا خَرَجَ بِـالْیَهُودِ وَ النَّصَـارَی وَ الصَّابِئِینَ وَ الزَّنَـادِقَهِ وَ أَهْـلِ الرِّدَّهِ وَ الْکُفَّارِ فِی شَـرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَیْهِمُ الْإِسْـلَامَ فَمَنْ أَسْـلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاهِ وَ الزَّکَاهِ وَ مَا یُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْـلِمُ وَ یَجِبُ لِلَّهِ عَلَیْهِ؛(۱) این آیه درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف نازل شـده است هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف ظهور کنـد، اسـلام را بر یهود و نصارا و سـتاره پرسـتان و ملحدان و مرتدان و کافران شرق و غرب زمین عرضه می کند؛ پس کسی که با اختیار اسلام آورد او را به انجام نماز و پرداخت زکات و عمل به هر آنچه بر مسلمانان واجب است دستور می دهد.

هم چنین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در سـخنرانی آغازین خود که در مسـجد الحرام انجام می گیرد، همگان را به پذیرش دعوت خود فرامی خواند و می فرماید: «أَلَا إِنّا نَستَنْصِرُ اللهَ الیَومَ وَ کُلّ مُسلِمٍ؛(۲) ما امروز از خداوند یاری می جوییم و از هر مسلمانی حمایت می طلبیم».

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف فِی الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَی حَقِّهِ؛(۱) چون خداوند متعال به قائم اجازه خروج دهد، آن حضرت بر فراز منبر رفته، همه مردم را به سوی خویش دعوت می کند و آنان را به خدا سوگند داده برای ایفای حق خویش فرامی خواند».

این دعوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پذیرش اسلام و همراهی با ایشان به گونه ای فراگیر است که حتی سفیانی را نیز در بر می گیرد. در این باره امام باقر علیه السلام می فرماید: «ثُمَّ یَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: سِیرُوا إِلَی هَذِهِ الطَّاغِیَهِ فَیَدْعُوا إِلَی کِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ نَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله؛(۲) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحابش می فرماید: به سوی این یاغی(سفیانی) حرکت کنید. پس او را به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت می کند».

در سخن دیگر آن حضرت می فرماید:

إِذَا بَلَغَ السُّفیَانِی أَنّ القَائِمَ قَد تَوَجّهَ إِلیَهِ مِنْ نَاحِیَهِ الکُوفَه یَتَجرّد بِخَیلِهِ حَتّی یُلقی القَائِم عجل الله تعالی فرجه الشریف فَیَخرُجُ فَیقُولُ: أَخرِجُوا إِلَی ابْنِ عَمِّی فَیَخرُجُ عَلَیهِ السُّفیَانِی فَیُکلِّمُهُ القَائِم فَیَجِیءُ السُّفیَانِی فَیُبَایِعُهُ؛(۳)

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص۳۸۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۶۰.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۸.

هنگامی که به سفیانی خبر می رسد که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از کوفه به سویش حرکت نموده است، سپاهیانش را آماده و به سوی آن حضرت حرکت می کند و به ایشان می رسد، می گوید پسر عمویم را نزد من آورید. سفیانی نزد امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حاضر می شود و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با او به گفت وگو می پردازد و در نتیجه سفیانی با آن حضرت بیعت می کند.

اگرچه سفیانی پس از پذیرش بیعت در اثر تحریک همراهانش، اقدام به بیعت شکنی می کند و در نتیجه پس از اعلام جنگ اسیر شده و به قتل می رسد. اما وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سفیانی که سرسخت ترین دشمنان و رهبر منسجم ترین و گسترده ترین جبهه بر ضد آن حضرت است، دعوت می کند، چگونه می توان باور کرد بر میلیون ها انسان بی گناهی که انحراف شان بر اثر موانع ناخواسته است، راه سعادت بسته باشد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آنها دعوت نکند و یا توبه آنان را نپذیرد؟ بنابراین همگانی بودن دعوت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و منحصر نبودن فراخوان عمومی آن حضرت، نشان می دهد که باب توبه و بازگشت، برای مردم بسته نخواهد بود.

بر اساس گزارش ابی عبیده حذّاء، امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: ((الَّذِینَ یَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِیَّ الأُمِّیَّ الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنکَرِ وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَیَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِی کَانَتْ

عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِىَ أُنزِلَ مَعَهُ أُوْلَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ))(۱) مهم ترین مأموریت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان فرموده است: «ثُمَّ قَالَ: (يَجِدُونَهُ مَكْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ الْإِنْجِيلِ) يَعْنِی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله وَ الْوَصِیَّ وَ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه الشریف (يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ) إِذَا قَامَ (وَ يَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ) وَ الْمُنْكَرُ مَنْ أَنْكَرَ فَضْلَ الْإِمَامِ وَ جَحَدَهُ (وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّباتِ) أَخْذَ الْعِلْمِ مِنْ أَهْلِهِ (وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبائِثَ) وَ الْخَبَائِثُ قَوْلُ مَنْ خَالَفَ (وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ) وَ هِیَ الذُّنُوبُ الَّتِی كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضْلَ الْإِمَامِ (وَ الْأَغْلالَ الَّتِی كانَتْ عَلَيْهِمْ) وَ الْأَغْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أُمِرُوا بِهِ مِنْ تَرْكِ فَضْلِ الْإِمَامِ فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ (وَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ) وَ الْإِصْرُ الذَّنْبُ وَ هِیَ الْآصَارُ ثُمَّ نَسَبَهُمْ فَقَالَ (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ) يَعْنِی بِالْإِمَامِ (وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)؛(۲) «او را نزد خود در تورات و انجیل

۱- «آنانی که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد، و از کار ناپسند باز می دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.»(سوره اعراف، آیه ۱۵۷).

۲- الکافی، ج۱، ص۴۲۹.

نوشته می یابند» یعنی پیامبر، وصی و قائم را؛ قائم چون قیام کرد «آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد» و کار ناپسند انکار فضل امام است «و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال می گرداند»؛یعنی گرفتن علم از اهلش را «و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند»؛ یعنی سخن مخالفان را «و از [دوش] آنان قید را برمی دارد»؛ یعنی گناهانی که پیش از شناخت فضل امام مرتکب شده بودند «و بندهایی که بر ایشان بوده است»، بندها همان اعتقادات آنهاست که بدانها امر نشده بودند، یعنی ترک فضل امام. پس چون به فضل امام معرفت یافتند، بندها را از دوش آنها بر می دارد و منظور از بند، همان گناهان است. سپس آنها را توصیف کرده فرمود: «کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند».

چنانکه ظاهر سخن امام صادق علیه السلام که از ورود شبه ستاره پرستان در دین اسلام خبر داده است، به وضوح بر باز بودن باب توبه در عصر ظهور دلالت دارد: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عَبَدَهِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَر؛(۱) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۷.

کنـد، از این عقیـده کسانی که گمان می رفت اهل آنند خارج می شوند و کسانی هم چون پرسـتندگان خورشـید و ماه به آن می گروند».

بر اسـاس ظـاهر این گونه روایـات، باب توبه پـذیری امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای همه کسانی که در صـدد بازگشت و تغییر و اصـلاح خویش انـد باز است؛ از این رو، اهل ذمّه در عصـر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در سایه حکومت عدل جهانی آن حضـرت در امان بوده و زندگی می کنند و تنها مخالفان عنود و دشـمنان ولایت سیاسی آن حضـرت کشـته شـده و از بین می روند؛ یعنی باب توبه برای آن دسـته از کسانی که با وجود این دعوت و اتمام حجت، بازهم لجـاجت و عنـاد می ورزنـد، بسـته است و چنین افراد و گروه هایی ماننـد ناصبی ها، فرصت توبه و اصـلاح را نخواهنـد داشت. چنانکه امام باقر علیه السلام در روایت معتبری فرمود:

إِذَا قَـامَ الْقَـائِمُ عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف عَرَضَ الْإِيمَـانَ عَلَى كُـلِّ نَـاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَ إِلَّا ضَـرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدِّيَ الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الـذِّمَّةِ؛(۱) هنگـامی که قـائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف قیام کنـد، همه ناصبی های کافر را به ایمان فراخوانـد، پس اگر واقعاً ایمان آورنـد در امان انـد وگرنه آن ها را یا گردن می زنـد و یا اینکه ماننـد اهل ذمه که امروز جزیه می دهند، باید جزیه بپردازند.

۱- الکافی، ج۸، ص۲۲۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۷۵.

ه) عدم پذیرش توبه دشمنان عنود

آن دسته از روایاتی که بر عدم پذیرش توبه در عصر ظهور از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارند، ناظر به دشمنان لجوج و عنودی همچون ناصبی ها و طیفی از سران کفر است. مانند آنچه در توقیع رسیده از ناحیه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید آمده است: «فَإِنَ أَمْرَنَا بَغْتَةٌ فُجَاءَةٌ حِینَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا یُنْجِیهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَی حَوْبَةٍ؛(۱) همانا امر ما ناگهانی است؛ زمانی که توبه سودی نبخشد و پشیمانی بر گناه او را از عقاب ما نجات ندهد».

همچنین علی بن رئاب از امام صادق علیه السلام روایت کره است که حضرت فرمود: «أَنَّهُ قَالَ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ((یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ))(۲) فَقَالَ علیه السلام الْآیَاتُ هُمُ الْأَئِمَّةُ علیه السلام وَ الْآیَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَیَوْمَئِذٍ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِیَامِهِ بِالسَّیْفِ وَ إِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ؛(۳) مراد از نشانه ها همانا ائمه علیهم السلام اند و مراد از نشانه ای که انتظارش می رود

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۸.

۲- «روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد.»(سوره انعام، آیه ۱۵۸)

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۱۸- ۳۰، ج۲، ص۳۳۶.

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ پس در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام به شمشیر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان نیاورده، برایش نفعی ندارد، اگرچه به پدران او ایمان داشته باشد».

نیز در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه یادشده وارد شده است، چنین آمده است:«فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ((یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها خَیْراً))(۱)؛ یَعْنِی خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ علیه السلام: یَا أَبَا بَصِیرٍ طُوبَی لِشِیعَهِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظِرِینَ لِظُهُورِهِ فِی غَیْبَتِهِ وَ الْمُطِیعِینَ لَهُ فِی ظُهُورِهِ أُولَئِکَ أَوْلِیَاءُ اللَّهِ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُون؛(۲) منظور از نشانه های پروردگار، خروج قائم ماست که انتظارش را می کشند. ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما که در حال غیبتش، انتظارش را می کشند و در زمان ظهورش از او اطاعت می کنند! آنها اولیای خداوند هستند که نه هراسی دارند و نه اندوهی».

۱- «روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد.»(سوره انعام، آیه ۱۵۸)

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۵۷.

روایت سومی نیز از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: ((قُلْ یَوْمَ الْفَتْحِ لا یَنْفَعُ الَّذِینَ کَفَرُوا إِیمانُهُمْ وَ لا هُمْ یُنْظَرُونَ))(۱) وارد شده است که آن حضرت فرمود: «قَالَ یَوْمُ الْفَتْحِ یَوْمٌ تُفَتَّحُ الدُّنْیا عَلَی الْقَائِمِ لَا یَنْفَعُ أَحَداً تَقَرَّبَ بِالْإِیمَانِ مَا لَمْ یَکُنْ قَبْلَ ذَلِکَ مُؤْمِناً وَ بِهَذَا الْفَتْحِ مُوقِناً فَذَلِکَ الَّذِی یَنْفَعُهُ إِیمَانُهُ وَ یَعْظُمُ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ وَ شَأْنُهُ؛(۲) روز فتح، روزی است که دنیا برای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فتح می شود. در این روز ایمان کسی که بخواهد به وسیله ایمان به آن حضرت تقرّب جوید، در صورتی که پیش از این مؤمن نباشد و به این فتح یقین نداشته باشد، برایش نفعی ندارد و شخصی که از پیش مؤمن بوده و به فتح او یقین داشته، ایمان برایش نفع خواهد داشت و قدر و منزلتش نزد خداوند بزرگ خواهد بود».

بر اساس ظاهر این روایات، با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان کافران و دشمنان حضرت، به حال آنان نفعی نخواهد داشت، بلکه عذاب الاهی(قتل) آن ها را از صفحه روزگار برخواهد چید.

عدم پذیرش توبه دشمنان معاند و لجوج از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- «بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده اند سود نمی بخشد و آنان مهلت نمی یابند.»(سوره سجده، آیه۲۹)

۲- تأویل الآیات الظاهره، ج۲، ص۴۴۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج۱۰، ۳۰۷.

بدان جهت است که آن حضرت برای آنان اتمام حجت کرده است؛ زیرا بر اساس آیات قرآن کریم، قهر الاهی بندگان را فرا نمی گیرد مگر پس از آشکار شدن حقیقت و تمام شدن حجت و سرپیچی از سر عناد و لجاجت. قرآن کریم در این باره می فرماید: ((وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولا))؛(۱) و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی پردازیم. و نیز می فرماید: ((وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً))؛(۲) و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی».

همچنین سخنی که از امام صادق علیه السلام درباره شکوفایی علمی و مرکزیت قم نقل شده است، از تحقق یافتن این آرمان در آخرالزمان حکایت دارد. حضرت می فرماید:

سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزِرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزِرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلْدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمُّ وَ تَصِيرُ مَعْدِناً لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ

۱- سوره اسراء، آیه۱۵.

۲- سوره طه، آیه۱۳۴.

قُمَّ وَ أَهْلَهُ قَائِمِینَ مَقَامَ الْحُجَّهِ وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ یَبْقَ فِی الْأَرْضِ حُجَّهٌ فَیُفِیضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَی سَائِرِ الْبِلَادِ فِی الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَیَتِمُّ حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ حَتَّی لَا یَبْقَی أَحَدٌ عَلَی الْأَرْضِ لَمْ یَبْلُغْ إِلَیْهِ الدِّینُ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ یَظْهَرُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف وَ یَسِیرُ سَبَباً لِنَقِمَهِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَی الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا یَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنْکَارِهِمْ حُجَّه؛(۱) به زودی کوفه از مؤمنان خالی می گردد و علم از آن پنهان می شود، آن گونه که مار در سوراخش پنهان می گردد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر می شود و این شهر کانون دانش و فضل شده، چنان دنیا را با معارف آشنا می کند که در روی زمین مستضعفی در دین باقی نمی ماند؛ حتی زن ها در حجله ها. این نزدیک ظهور قائم ماست. پس خداوند قم و اهل آن را جانشین حجت خدا قرار می دهد که اگر چنین نشود، زمین اهل خود را فرو می برد و حجتی باقی نمی ماند. آن گاه دانش از قم به دیگر مناطق از مشرق تا مغرب گسترش می یابد و حجت خداوند بر خلق تمام می گردد تا این که روی کره زمین کسی نباشد که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن گاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار می شود و خشم و غضب

۱- بحار الانوار، ج۵۷، ص۲۱۳.

خداوند را بر مردم جاری می سازد؛ چون خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر پس از این که حجت را انکار کنند.

زراره گوید: از محضر امام باقر علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم:

أَیَسِیرُ بِسِیرَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ: هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ یَا زُرَارَهُ، مَا یَسِیرُ بِسِیرَتِهِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاکَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَارَ فِی أُمَّتِهِ بِالْمَنِّ کَانَ یَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ یَسِیرُ بِالْقَتْلِ بِذَاکَ أُمِرَ فِی الْکِتَابِ الَّذِی مَعَهُ أَنْ یَسِیرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا یَسْتَتِیبَ أَحَداً وَیْلٌ لِمَنْ نَاوَاهُ؛(۱) آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردمان مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتار می کند؟ فرمود: هیهات، هیهات ای زراره! او مانند پیامبر اکرم عجل الله تعالی فرجه الشریف رفتار نمی کند. عرض کردم: فدایت گردم؛ چرا؟ فرمود: همانا رسول خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف در امّت خود چنان رفتار می کرد که توأم با بخشش بود(مردم را عفو و مرهون منّت خود می ساخت) و دلهای مردم را به خود جذب می نمود، یعنی با مهر رفتار می کرد، ولی رفتار قائم با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۱.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

لَوْ یَعْلَمُ النَّاسُ مَا یَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لَأَحَبَّ أَکْثَرُهُمْ أَلَّا یَرَوْهُ مِمَّا یَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ؛ أَمَا إِنَّهُ لَا یَبْدَأُ إِلَّا بِقُرَیْشٍ فَلَا یَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّیْفَ وَ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا السَّیْفَ حَتَّی یَقُولَ کَثِیرٌ مِنَ النَّاسِ لَیْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ کَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ؛(۱) اگر مردم می دانستند که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام خروج چه خواهد کرد بیشترشان دوست می داشتند که او را نبینند از بس مردم را خواهد کشت، او آغاز نخواهد کرد مگر به قریش که از قریش به جز شمشیر نمی گیرد و به آنان به جز شمشیر نمی دهد تا آنجا که بسیاری از مردم می گویند این شخص از آل محمّد صلی الله علیه و آله نیست، زیرا اگر از آل محمّد بود دلش می سوخت.

امام صادق علیه السلام فرمود:

بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف یَأْمُرُهُ وَ یَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِیرُوهُ فَیُدِیرُونَهُ إِلَی قُدَّامِهِ فَیَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا یَبْقَی فِی الْخَافِقَیْنِ شَیْ ءٌ إِلَّا خَافَهُ؛(۲) در آن میان که مرد پشت سر قائم علیه السلام ایستاده و مأمور اجرای دستورات آن حضرت است ناگاه دستور می دهد که او

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۳.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۹.

را برگردانید؛ پس او را به رویاروی آن حضرت بر می گردانند، پس دستور می دهد تا گردنش را بزنند پس در خاور و باختر چیزی نمی ماند مگر آنکه از او می ترسد.

هشام بن سالم نیزاز امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «أَنَّهُ قَالَ بَیْنَا الرَّجُلُ عَلَی رَأْسِ الْقَائِمِ یَأْمُرُ وَ یَنْهَی إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا یَبْقَی بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ شَیْ ءٌ إِلَّا خَافَه؛(۱) در آن میان مردی پشت سر قائم دستور می دهد که ناگاه آن حضرت دستور می دهد گردنش زده شود، پس در مشرق و مغرب کسی نمی ماند مگر آنکه از او می هراسد».

معلی بن خُنَیس در گفتگویی که از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سوال کرده، چنین می گوید:

أَیَسِیرُ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِیرَهِ عَلِیٍّ علیه السلام؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ ذَاکَ أَنَّ عَلِیّاً سَارَ بِالْمَنِّ وَ الْکَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِیعَتَهُ سَیُظْهَرُ عَلَیْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِیهِمْ بِالسَّیْفِ وَ السَّبْیِ وَ ذَلِکَ أَنَّهُ یَعْلَمُ أَنَّ شِیعَتَهُ لَمْ یُظْهَرْ عَلَیْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً؛(۲) آیا حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که قیام کرد رفتارش بر خلاف رفتار علی علیه السلام خواهد بود؟ فرمود: آری، به جهت آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام رفتارش منّت نهادن

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج۶، ص۱۵۴.

و دست برداشتن و گذشت از مخالفین بود، زیرا می دانست که پس از او شیعه اش مغلوب دست دشمن خواهد شد، ولی هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند رفتارش در میان آنان با شمشیر است و اسیر کردن، چون می داند که پس از او شیعه آن حضرت هرگز مغلوب دست دشمن نخواهد شد.

□□□

سیره مدیریتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

سیره مدیریتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اساس عمل به تکالیف الاهی و تحقق بخشی عدالت محض در جامعه می باشد، از این رو آن حضرت با نظارت و کنترل دستگاه های اجرایی و اشراف دقیق به کارکردهای مدیران و مسؤولان نظام مهدوی، جریان کلی امور را مدیریت می کند.

الف) سخت گیری نسبت به کارگزاران

سیره مدیریتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره کارگزاران نظام مهدوی، نظارت و سخت گیری است تا آنکه از جانب دولت و کارگزاران نظام، بر کسی ذره ای ستم نرود و حقی از کسی ضایع نشود.

سخت گیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است که دولت او دولت عدالت محض است، پس جای هیچ گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد، چنانکه در خبری در این باره آمده است: «الْمَهْدِیُّ جَوَادٌ بِالْمَالِ رَحِیمٌ بِالْمَسَاکِینِ شَدِیدٌ عَلَی الْعُمَّال؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دادن مال و دارایی به مردم بخشنده است و نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار دلرحم و

۱- شرح الاخبار، ج۳، ص۳۵۸؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۶۷.

مهربان است، اما نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سخت گیر است».

امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف بر اساس کتاب خـدا به عـدالت مدیریت می کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می دهد و همه افکار و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. امیرمؤمنان علی علیه السـلام دوران ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقطه عطف تاریخ معرفی کرده است:

عْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُـدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْی؛(۱) او با محور قرار دادن قرآن، نظرات و خواسـته های افراد را به سوی قرآن جلب کرده و با محک قرآن می سـنجد، آنگاه که مردم قرآن را مستمسک و محملی برای پندارها و توجیه خواسته ها و تمایلات خود قرار داده اند.

سپس امیرمؤمنان علیه السـلام در ادامه همین خطبه می فرمایـد: «یَأْخُـذُ الْوَالِی مِنْ غَیْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَی مَسَاوِئِ أَعْمَالِها؛(۲) عاملان حکومت را به جرم کردار زشت شان بگیرد و مؤاخذه کند و عذری از آنان نپذیرد».

کارگزاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها سزاوار نیست که دلبسته

۱- نهج البلاغه، ج۲، ص۲۱؛ بحار الانوار، ج۳۱، ص۵۴۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص۱۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰.

ریاست و مقام باشند، بلکه به فرموده امام صادق علیه السلام شیفته شهادت در راه خدا هستند: «وَ هُمْ مِنْ خَشْيَهِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَهِ وَ يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛(۱) و آنان از خشیت خداوند ترسانند، دعوت به شهادت می نمایند، و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند».

در سیره مدیریتی حکومت مهدوی، معیار گزینش وزیران و انتخاب کارگزاران، اخلاص و صداقت در عمل است. امام جواد علیه السلام در وصف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّهُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَه؛(۲) چون برای او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفاین تعداد از یاران مخلص فراهم شود، خداوند امر ظهور او را آشکار خواهد کرد».

در دولت مهدوی، شاخص کارگزاران صادق و مخلص، اطاعت پذیری از امام و رهبر خویش و شهادت طلبی در راه خداست، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اطاعت پذیری یاران و کارگزاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «كَدَّادُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِه؛(۳) آنان برای تلاش و

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۰۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۸؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۲۸۳.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۶۸، بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۱۰.

جدّیت در راه اطاعت از امام خویش سر از پا نمی شناسند».

از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز شکل گیری حکومت عدالت پیشه خود از اصحاب خویش که مسئولان و کارگزاران ارشد حکومت عدل جهانی هستند، پیمان می گیرد تا مطابق دستورات الاهی و تعهدات امام خویش رفتار نمایند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

اِنَّهُ یأخُذِ الْبیعَهَ عنْ أصْحابِهِ عَلَی أنْ لایسْرَقُوا، وَلایزنُوُا، وَلایَسُّبُوا مُسلِماً، وَلا یَقْتُلُوا مُحَرَّماً، وَلا یَهتکُوا حَریماً مُحرَّماً، وَلا یَهجَمُوا مُنزِلاً، وَلا یَضرِبُوا اَحَداً اِلاّ بِالحَقِّ، وَلا یَکنَزُوا ذَهَباً وَلا فِضَّهً وَلا بُرّاً وَلا شَعِیراً، وَلا یاکُلُوا مالَ الْیَتیم، وَلا یَشْهَدُوا بِما لایَعْلَمُونَ، وَلا یَشرِبُوا مُسکِراً، وَلا یلبِسوُا الخزّ وَلا الْحَریرَ، وَلا یَتمنطِقُوا بِالذَّهِب، وَلا یَقْطَعُوا طَریقاً وَلا یخیفُوا سَبیلاً، وَلا یُحبوُا طَعاماً مِنْ بُرٍ اوْ شَعِیرٍ، وَ یرضونَ بِالْقَلیلِ، وَیکرَهُونَ النِّجاسَهِ، وَیأمُرُونَ بِالْمَعرُوفِ وَ ینْهونَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَیَلْبِسُونَ الْخَشِنِ مِنْ الثّیابِ، وَیَتوسَّدَوُنَ التُّرابَ عَلَی الْخدُودِ، وَیُجاهِدُونَ فی اللهِ حق جِهادِهِ، وَیشْترِطُ عَلی نَفْسِهِ لَهُمُ أنْ یَمْشِیَ حَیْثُ یَمشونَ، وَیلبِسَ کَما یَلْبِسُونَ، وَیَرکِبَ کَما یرکبون، وَیَرضی بِالقَلیلِ، وَلا یَتَّخِذُ حاجِباً وَلا بَوّاباً(۱)؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از یاران خود بیعت می گیرد با این

۱- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۶۹.

شروط که دزدی و زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، نفس محترمه ای را نکشند، به حریم کسی تجاوز نکنند، به خانه کسی هجوم نیاورنـد، کسـی را بـدون حق نزننـد، طلا و نقره، گندم و جویی را ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، بدون علم شـهادت ندهنـد، مسـکرات شـرب نکننـد، لبـاس ابریشم در بر نکننـد، کمربنـد طلاـ در کمر نبندنـد، قطـاع الطریقی نکننـد و راهروی را نترساننـد، طعامی را(گنـدم باشـد یا جو) ذخیره نکننـد، به کارهای اندک قناعت نکنند، و از نجاست دوری نمایند، به معروف، امر و از منکرات نهی نمایند، لباس خشن بپوشند، صورت روی بالش خاک گذارند، در راه خدا آن چنانکه باید جهاد کنند. با عمل به این شـرایط آن حضرت برخود لازم می کند که هرجا آنان بروند همراهی کند و هر لباسی که آن ها می پوشند بپوشد و هر مرکبی را که آن ها سوار می شوند سوار شود و به غذا و لباس کم قناعت کند و دربانی برای خود نگذارد.

سپاهیـان پیروز حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف حامـل پیام الاهی و دارای رسالت انسانی هسـتند و به اخلاق و فضائل انسانی آراسـته اند، چرا که با رهبر و پیشوای خویش در تحقق آرمان های عدالت خواهانه او بیعت سپرده اند. در حالی که معمولاـ سپاهیان غـالب در طول تاریـخ، پس از فاتـح شـدن، شـیوه ی تجاوز، غارت، بی رحمی و قساوت، کشـتار، حرمت شکنی، تعدی به جان و مال و ناموس مردم و دیگر روش های غیر انسانی را در پیش می گیرند.

به همین دلیـل، در سـیره مـدیریتی حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف کارگزاران ظالم و فاسـد، نه تنها جایگاهی ندارنـد بلکه فوراً از مقام خود بر کنار شـده و نهاد های دولتی حکومت از وجود آنان پاک سازی می شود. چنانکه امیرمؤمنان علیه السـلام دربـاره برخورد حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با عناصـر نابکار می فرمایـد: «وَ لَيَعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أُمَرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ؛(۱) از بین شـما فرمانـدهان و امیرانِ ظالم را عزل خواهد کرد و زمین را از وجود ناپاکان تطهیر خواهد نمود».

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

ب) عطوفت و رحمت با مردم

رفتار مـدیریتی حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نسـبت به توده های مردم، مهر ورزی و گشاده رویی و رأفت و رحمت است. آن حضـرت به ویژه نسـبت به محرومیت کشـیدگان و مسـکینان، بسـیار مهربان و دلرحم است و از نظر اقتصادی برای همگان گشاده دست است و با سخاوت فراوان اموال را برای آسایش و رفاه مردمان می بخشد تا آنان در پناه امام خویش از آسایش مادی و آرامش روحی و معنوی بهره مند شوند. رسول خدا صـلی الله علیه و آله درباره علاقه سرشار از محبت مردم نسـبت به امـام خویش می فرمایـد: «یَأوَی إِلَی المَهـدِی أُمّتهُ کَمَا تَأوَی النَّحْلُ إِلَی یَعسُوبِهَا(۱)؛ امت اسـلامی به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهر می ورزند و به سویش پناه می برند آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند».

در نظام مـدیریتی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تلاش بر این است که همگرایی و وحدت و الفت قلبی را در میان مردم نهادینه کند. امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

یُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْحَقَّ وَ الْعَدْلَ فِی الْبِلَادِ وَ یُحْسِنَ حَالَ عَامَّهِ الْعِبَادِ وَ یَجْمَعَ اللَّهُ الْکَلِمَهَ وَ یُؤَلِّفَ بَیْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَهٍ؛(۲) خداوند

۱- اثبات الهداه، ج۵، ص ۲۷۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص۶۴۷، ح ۷؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص۱۲۸، ح ۲۰.

عزّوجلّ به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می دهد و حال عموم مردم را بهبود می بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب های گوناگون اُلفت ایجاد می کند.

در کلام دیگر نیز آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود: «فَوَ اللَّهِ یَا مُفَضَّلُ لَیُرْفَعُ عَنِ الْمِلَلِ وَ الْأَدْیَانِ الِاخْتِلَافُ وَ یَکُونُ الدِّینُ کُلُّهُ وَاحِداً کَمَا قَالَ جَلَّ ذِکْرُهُ إِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلام؛(۱) به خدا سوگند! ای مفضل به طور حتم از ملت ها و دین ها اختلاف را برمی دارد و تمام دین یکی خواهد شد آن گونه که خدا فرمود: همانا دین پذیرفته شده نزد خدا فقط اسلام است».

در دعای ندبه نیز آمده است: «اَینَ جَامِعُ الْکَلِمه عَلَی التَّقْوَی؛(۲) کجاست آن کسی که سخن ها را بر تقوا جمع می کند.»

این شیوه کریمانه در رفتار حکومتی و سیره مدیریتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای پرجاذبه و دلنشین است که سبب جذب و گرویدن پیروان دیگر ادیان به اسلام و پیوستن آنان به حضرت می شود: «فَإِذَا نَظَرَت اِلَیهِ الیَهُودُ اَسْلَمَتْ اِلّا قَلِیلًا مِنهُم؛(۳) چون یهودیان

۱- بحار الانوار، ج ۵۳، ص۴.
۲- اقبال الاعمال، ج ۱، ص۵۰۹.
۳- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۷۱.

بر رفتار او نیک بنگرند، اسلام می آورند به جز اندکی».

ج) سبقت در نیکوکاری

از دیگر نمودهای بارز در سیره مدیریتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران و دولت مردان نظام مهدوی، سبقت گرفتن در کارهای نیک است. ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: ((فَاسْتَبِقُوا الْخَیْراتِ أَیْنَ ما تَکُونُوا یَأْتِ بِکُمُ اللَّهُ جَمِیعاً))(۱) فرمود:«نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ؛(۲) این آیه در شان حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او نازل شده است».

از این رو، کارگزاران حکومت حضرت برای خدمت به مردم و گسترش عدالت، همه توانشان را به کار می گیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُه؛(۳) دل های بندگان را پر از عدالت کرده و عدلش فراگیر می شود».

فضیل بن یسار نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «أَمَا وَ اللَّهِ لَیَدْخُلَنَّ عَلَیْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُیُوتِهِمْ کَمَا یَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ؛(۴) آگاه

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۴۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۷۴، ح ۲۴، الغیبه، طوسی، ص۱۷۹، ح ۱۳۷.

۴- الغیبه، نعمانی، ص۲۹۷.

باشید به خدا سوگند! به طور حتم عدالت او داخل خانه های آنان خواهد رفت همان گونه که گرما و سرما چنین خواهد کرد».

د) رضایت عمومی

یکی از آثار مدیریت عدالت محور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رضایت مندی همگانی در جامعه است به گونه ای که حتی حیوانات نیز از برکات آن شادمان اند. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یَرْضَی فِی خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَوِّ؛(۱) در ایام خلافت او اهل زمین و آسمان و حتی پرندگان هوا نیز راضی اند».

نیز در حدیث دیگر آمده است: «یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْضِ؛(۲) از او ساکنان آسمان و زمین همگی راضی اند».

سیره علمی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

سیره علمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر رشد آگاهی و شکوفایی علمی و بالندگی خرد جمعی است. بدون شک تمام پیشرفت های بشری در گرو رشد علمی و خرد ورزی جامعه است. هر اندازه عقل و خرد بشر فزونی یابد و به کمال نهایی خویش برسد، کارآمدی و

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۳، ص۲۶۹، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

کارآیی آن در عرصه های اخلاق و فرهنگ نیز بیشتر شده و فضایل انسانی و اخلاقی را در جامعه نهادینه می کند.

الف) شکوفایی علمی

در عرصه علمی، سیر تفکر بشری همواره در جهت پیشرفت و تسخیر عرصه های ناشناخته و جدیدی است. هر عصر جدیدی، معمولا از فرصت شناخت بیشتری نسبت به گذشته برخور دار است. در فرایند تکامل علمی هر چند دانش بشری، افقهای بسیار گسترده و عظیمی را فتح نموده، اما باز هم در عصر ظهور پیشرفت شگرفی خواهد داشت و فهم و آگاهی انسان ها نیز افزایش خواهد یافت.

بر اساس روایات، در عصر ظهور، رشد علمی جامعه بشری، در پرتو رهبری الاهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اوج کمال خویش می رسد و بشریت با شناخت مسائل معنوی و صلاح و سعادت روح خویش، در راه تحقق جامعه آرمانی، پله های تکامل مادی و معنوی را می پیماید؛ زیرا در آن عصر، بشریت به خزانه دار علوم الاهی و منبع جوشان آگاهی و معرفت که چیزی از دیده ژرف نگر و حقیقت بین او پوشیده نیست؛ یعنی ولی معصوم علیهم السلام دست می یابد و همه مسائل بشری، به هدف اصلی و مرز نهایی می رسد و بشریت به اوج تکامل علمی دست می یابد.

عصـر نورانی حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشـریف دوران شـکوفایی بشـر در صنعت، تکنولوژی و توسعه همه جانبه است. جـامعه عصـر ظهور، در پرتو هـدایت هـا و راهنمـایی هـای امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در علوم تجربی و مسائل عقلی و جهان بینی و جهان شناسی، در پهنه بیکرانه دانایی و شناخت گام نهاده و به حقایق عجیبی دست می یابد.

در این دوره دانش تجربی ره آوردهـایی تـازه به ارمغـان می آورد و آدمی را در بسـیاری از دشـواری هـای زنـدگی تـوان می بخشد، و راه بسـیاری از مشکلات را هموار می سازد. انسان در این راستا و با این تجربه ها همواره می کوشد تا به بار فرهنگی سنگین تری دست یابد و به شناخت های تازه تری برسد و اسرار و رموز بیشتری را آشکار سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً فَجَمِیعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ یَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّی الْیَوْمِ غَیْرَ الْحَرْفَیْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِینَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِی النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَیْهَا الْحَرْفَیْنِ حَتَّی یَبُثَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِینَ حَرْفاً؛(۱) دانش، بیســت و هفت حرف(درجه و

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۵۵.

شاخه) دارد. تمامی آن چه پیامبران آورده و بشر تا زمان ظهور بدان دست می یابد، دو حرف بیش نیست؛ امّا وقتی قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را نیز آشکار کرده، میان مردم منتشر می کند.

با ظهور خورشید حاکمیت مهدوی، فکر و اندیشه بشر شکوفا می گردد و درخت سعادت انسان به بار می نشیند و شجره خبیث جهل و جور ریشه کن می گردد، در آن عصر در پرتو دین واحد و تحت امامت و ولایت واحد آخرین حجّت الاهی بشریت به گونه ای رشد می کنند و قله های بلند فرهنگ و دانش را تسخیر می کنند که به تمام بیست و هفت بخش علوم دست می یابند، در حالی که قبل از ظهور حضرتش با تمام پیشرفت علمی اش، خواه با چراغ وحی یا ابزار تجربه، به بیش از دو بخش آن دست نیازیده بود.

رشد چشم گیر علوم و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژیکی، سبب تحوّلی شگرف در عرصه زندگی و یکپارچگی جریان امور و سهولت ارتباطات و تعاملات اجتماعی می گردد؛ به گونه ای که بین آن حضرت و یارانش پیکی نخواهد بود؛ او سخن می گوید و آنان در هر کجا که باشند وی را می بینند و صدایش را می شنوند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِی أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّی لَا یَکُونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقَائِمِ بَرِیدٌ یُکَلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی مَکَانِهِ؛(۱) هنگـامی که قـائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کنـد، خداونـد آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نامه رسانی نخواهد بود؛ او با آن ها سخن می گوید و آن ها سخنش را می شنوند و او را می بینند، در حالی که او در مکان خویش است.

این حدیث بیانگر پیشرفت های صنعتی عصر ظهور است، همان طور که بخشی از آن اکنون نیز در سایه ماهواره ها، وسایل ارتباط جمعی و شبکه جهانی اینترنت عملی شده است و بخش های کامل تر آن در زمان ظهور آن حضرت محقق می گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِی أَقَالِیمِ الْأَرْضِ فِی کُلِّ إِقْلِیمٍ رَجُلًا یَقُولُ عَهْدُکَ فِی کَفِّکَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَیْکَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِیهِ فَانْظُرْ إِلَی کَفِّکَ وَ اعْمَلْ بِمَا فِیهَ(۲)؛ هنگامی که قائم قیام کند در کشورهای روی زمین کسانی را بر می انگیزد، در

۱- الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۸۴۱؛ منتخب الانوار المضیئه، ص۳۵۲؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۹.

هر سرزمین یک نفر را، و به او می گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن(مکتوب) است عمل کن.

در دوران قبل از ظهور کوشش انسان در مسیر تکامل شناخت، بیشتر به بعد مادی جهان و زندگی انسان معطوف بوده است و چون انسان با ماده سر و کار دارد و تلاش او برای این است که خواص و آثار بیشتری از ماده را بشناسد، مسائل ماورای ماده و بعد معنوی حیات به خاطر پیچیدگی و دشواری که دارد بدان پایه مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. حیات روحی و معنوی، در گستردگی و اسرار آمیزی قابل مقایسه با حیات مادی و فیزیکی انسان نیست و انسان در قلمرو حیات معنوی ابزار لازم برای شناخت را نیز به طور کامل در اختیار ندارند.

در حالی که رشد و پیشرفت علمی و فرهنگی انسان تاکنون، بیشتر مربوط به امور طبیعی و بخش های مادی زندگی بوده است و در ابعاد معنوی، بشریت رشد چندانی نداشته است، اما در دوران ظهور، به شکل گسترده ای، امدادهای آسمانی برای رفع مشکلات مادی و معیشتی و حتی فرهنگی بشر به یاری زمینیان می شتابد. چنانکه

مراد از وراثت زمین در آیه: ((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُون(۱))) انتقال منافع آن و استقرار برکت های حیات زمین برای صالحان است و این برکت های پایان ناپذیر، اعم از برکت های مادی و معنوی است.

در بخش های معماری و ساختمان سازی، پیشرفت های چشم گیری رخ می دهد. توسعه شهری به گونه ای فزاینده رو به کمال می رود و مساجد به عنوان نماد این توسعه وسعت فراوان می یابند. نمونه ای از آن، در برخی روایات عصر ظهور، توسعه ساخت و سازها و بنای مسجد بزرگ کوفه به عنوان مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است، توسعه شهرها چنان خواهد بود که مردی سوار بر استر تیزرو به قصد نماز جمعه حرکت می کند؛ امّا بر اثر فاصله فراوان مکان و فراخی شهر به آن نمی رسد، چنانکه مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده است که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عجل الله تعالی فرجه الشریف بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَهِ مَسْجِداً لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ اتَّصَلَتْ بُيُوتُ الْكُوفَهِ بِنَهَرِ كَرْبَلَاءَ وَ بِالْحِيرَهِ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَهِ عَلَى بَغْلَهٍ سَفْوَاءَ يُرِيدُ الْجُمُعَهَ فَلَا يُدْرِكُهَا(۲)؛ هنگامی که

۱- سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۲- الغیبه، طوسی، ص۴۶۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۳۰.

قائم آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کند، در پشت کوفه(منطقه نجف اشرف) مسجدی می سازد که هزار در ورودی دارد و شهر کوفه چنان توسعه می یابد که خانه های آن به رود فرات در کربلا و «حیره» متصل می شود به طوری که مردی در روز جمعه سوار استر تندرو می شود تا خود را به نماز برساند، ولی به نماز نمی رسد.

در عرصه احکام و معارف دین، رشد و پیشرفت علوم با کشف عرصه های جدید دانش، زمینه را برای فهم و گسترش آموزه های دینی فراهم می کند و انسان ها از طریق سیر آفاقی عرصه های جدیدتری از عظمت خلقت الاهی را می شناسند و حتی در حوزه احکام و مسائل شرعی همگان صاحب نظر می شوند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛(۱) در زمان ظهور، دانش و بینشی ارزانی می شود که زنان در خانه‌ها بر اساس کتاب خدا و سنّت پیامبر قضاوت می‌کنند».

در عرصه بهداشت و درمان، به برکت پیشرفت علوم و شکوفایی شگفت انگیز دانش ها و بهره گیری از آن برای گسترش بهداشت و

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۹؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۲.

درمان، بیماری ها ریشه کن می شود. ازآنجا که از وظایف حکومت، مبارزه با عوامل آلودگی است، زیرا سبب به خطر افتادن بهداشت محیط زیست می شود ؛ از این رو، باید از هرگونه تخلّفات بهداشتی و هر آنچه سبب نابودی بهداشت محیط زیست می شود جلو گیری گردد.

در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وضعیت جسمی و بهداشت مردم دگرگون می شود و بیماران تندرستی یافته و بیماری های کشنده مهار می شود و مرگ و میرها، اندک و ناچیز می گردد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ(۱)؛ چون قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی بیماری نقص و آفت را دور ساخته و تندرستی و توانایی را به او باز می گرداند».

در عصر ظهور، در اثر پیشرفت علوم پزشکی و گسترش بهداشت عمومی، عمر مردم بسیار طولانی می شود. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلَمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۷.

حَتَّى يُولَدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ لَا تُولَدُ فِيهِمْ أُنْثَى(۱)؛ هنگامی که قائم ما ظهور فرماید زمین از نور پروردگارش منور گردد چنانچه مردم از روشنی خورشید بی نیاز گردند و تاریکی نابود شود و در سلطنت آن حضرت مردی آنقدر عمر کند که هزار فرزند پسر پی در پی از او به وجود آید که در میان فرزندانش دختری متولد نشده باشد.

ب) رشد عقلانی

رشد عقلانیت عمومی و توجّه به شاخص های عقلانی و نهادینه شدن فرهنگ عقل گرایی و خردورزی در جامعه، از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی است که در عرصه های مختلف زندگی مردمان عصر ظهور، نمود پیدا می کند.(۲)

در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باعنایت خاص خداوندی، عقول بشر کامل می گردد. امام باقر علیه السلام درباره رشد عقلانیت و خرد جمعی در عصر ظهور می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عجل الله تعالی فرجه الشریف وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُم؛(۳) هنگامی که

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص۳۸۱؛ الغیبه، طوسی، ص۴۶۸.

۲- آخرین منجی، ص۳۰۱.

۳- الکافی، ج ۱، ص۲۵؛ کمال الدّین، ص۶۷۵.

قائم ما قیام کند دست خود را (کنایه از عنایت و اشراف حضرت) برسر بندگان قرار می دهد، پس خرد مردم زیاد شده و فهم آنان کامل می گردد».

در حکومت عدل مهدوی، جامعه بشری از نظر رشد عقلی و درک حقایق، به درجه بالایی خواهد رسید که سنخیّت با حکومت جهانی و عدالت گستر آن حضرت در همه ابعاد پیدا می کند و بشریّت صلاحیّت و ظرفیّت درک معارف والای دینی را داشته باشند. این امر سبب می شود که بسیاری از انسان ها به شریعت اسلام و امام معصوم روی آورند؛ زیرا درک و آگاهی بشری به این مرحله از تکامل می رسد تا مردم تشخیص دهند که امام علیه السلام از جانب ذات باری تعالی است و نظر او در تبیین بایسته ها و فضایل اخلاقی جنبه یقینی دارد.

شکوفایی عقلانیت در عصر ظهور، هماهنگ با تعلیمات وحیانی و محوریت آموزه های دین است نه عقلانیت انسان محور، زیرا با همه ارج گذاری به عقل و عقلانیت، هیچ گاه نمی توان ادعا کرد که قوه خرد به تنهایی می تواند بدون مدد جستن از وحی و مبانی شریعت، اصول و معیاری اخلاقی بی عیب و نقص را ارائه کند، بلکه از آن جا که آفریدگار هستی حقیقت و هویت انسان را بهتر از خود

او می شناسد، بهتر می توانـد معیاری برای بایـدها و نبایـدهای او تعیین نماید. از این رو، اندیشه های اخلاقی بسیاری در طول قرن های مختلف، تنها با تکیه بر قوه خرد شکل گرفته و در جامعه توسعه یافته اند، ولی هیچ کدام از این نظریه ها نتوانسته اند مشکلات بنیادین بشر را پاسخ گویند و حتی بحران های شخصیتی و اجتماعی بسیاری را در پی داشته اند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزون بر اینکه خود رئیس عاقلان است و از قوه خرد در اداره نظام سیاسی و اقتصادی جامعه بهره می برد، با عالم ماورا نیز پیوند دارد و از دانش های آسمانی برخوردار است. او با یاری جستن از ذات باری تعالی و وحی و شریعت آسمانی، بر نیازها و مشکلات جامعه بشری چیره می شود و اقتصاد و فرهنگ سالم، آسایش و امنیت، رفاه عمومی و پارسایی را در جامعه می گستراند. بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، رفاه، آسایش، توسعه اقتصادی و... در مدینه فاضله مهدوی، وام دار وجود امام معصوم و مصون از خطا و اشتباه است؛ زیرا وجود او، مایه خیر و برکت بوده و تصرفات ولایی او، همه مشکلات بشری را مرتفع می کند.

در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پا به پای هوشمندی و بالا آمدن علم و دانش، عقل بشر هم رشد می کند و بالا می آید؛ دانش

غرور می آورد، ولی عقـل تواضع می آورد؛ دانش ویران می کنـد، ولی عقل عمران و آبادانی دارد؛ هوش شـیطنت می آورد، ولی عقل فضیلت و انسانیت و شرف می آورد و ملاک برتری انسانها بر سایر جانداران عالم در این است که انسان دارای عقل است.

در حکومت مهدوی، نه تنها خردها کامل می شود، بلکه بر هوش و دانش و جمیع شـئوون زندگی بشـر عقل حاکم می شود و در سـایه ی حکومت عقل همه ی این ابزارهای دو دم در مسـیر خیر و صـلاح و رفاه و سـعادت جامعه ی انسانی مورد اسـتفاده قرار می گیرنـد و این از هنرهـای بزرگ امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریفاست که خردها را از زنـدان حصار در حصار هوسـها و تمایلات آزاد می کند، و آن ها را حاکم بر سـرنوشت انسانها قرار می دهد و انسانهای آن عصـر همه خردمند و اهل اندیشه هسـتند و هرچه را عقل اقدامی قبیح و زشت و ناپسند تشخیص دهد، از آن اجتناب می کنند و پیداست که چه مدینه ی فاضله ای خواهد بود.

بنـابراین، عقل و پیروی از آن در انـدیشه اسـلامی، جای گاه بلنـدی دارد و قرآن و سـنت نبوی بـدان تأکیـد می کننـد و آن را حجتی باطنی در کنار حجت ظاهری پیامبر و امام معصوم علیهم السـلام به شـمار می آورند به گونه ای که شریعت اسلام عقل را یکی از منابع

چهارگانه استنباط احکام شرعی برمی شمارد، اما عقل به تنهایی هرگز نمی تواند همه مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... بشری را حل کند و خود نیز بر این ناتوانی اذعان دارد. از این رو، وحی به کمک آن می آید. عقل آدمی در عصر ظهور به مرتبه تکامل خود می رسد و به انسان عصر ظهور یاری می رساند تا در اخلاق و بینش انسانی خود به مرحله کمال برسد، اما باز قلمرو آن حدود و ثغوری دارد و بسیاری از امور از جمله تدوین قوانین اجتماعی از حیطه تصرفات آن به دور خواهد بود. البته تکامل قوه خرد سبب می گردد انسان تشخیص دهد که تنها خرد، راه حل مشکلات و معضلات بشری نیست و امور ماورایی هم چون وحی و شریعت الاهی و نیز شخصی آسمانی باید به یاری آن حجت باطنی بیایند تا بحران های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی او حل شود. بنابراین، تنها عقل، برای رفع مشکلات بشر کارآیی ندارد و جانشین همه چیز نمی تواند شود. انسان برای شناخت همه چیز و رفع همه مشکلات خویش تنها به عقل خود نباید تکیه کند؛ زیرا عقل تباهی و فساد را به دنبال می آورد و افقی تیره و تار را فراسوی آدمی ترسیم می سازد.

در حکومت دین مدار مهدوی، عقلانیت و فرزانگی با عبودیت و

بنـدگی خـدای متعـال، مفهوم پیـدا می کنـد. وقتی از امـام صـادق علیه السـلام درباره عقلانیت و خرد ورزی سوال شـد: «عقل چیست؟ حضـرت فرمود: عقل آن است که انسان به وسـیله ی او خـدا را بپرسـتد و بهشت جاویـدان را کسب کنـد»؛(مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اکْتُسِبَ بِهِ الْجِنَانُ).

سپس راوی پرسید: «فَالَّذِی کَانَ فِی مُعَاوِیَهَ؟ فَقَالَ: تِلْکَ النَّکْرَاءُ، تِلْکَ الشَّیْطَنَهُ وَ هِیَ شَبِیهَهٌ بِالْعَقْلِ وَ لَیْسَتْ بِالْعَقْل(۱)؛ پس آنچه در معاویه بود چیست؟ حضـرت در پاسخ فرمود: آنچه معاویه داشت هوش بالائی بود و آن شـیطنت بود شبیه به عقل، اما عقل نبود».

در جوامع صـنعتی امروز، هوش، اسـتعداد، دانش و تجربه بشری زیاد شده و در سایه ی تیزهوشی، سخت کوشی و پایمردی در مسائـل گوناگون علمی، فنی، صـنعت و تکنولوژی به اعماق دریاها سـفر کرده و تا اوج آسـمان ها به پرواز در آمـده و در این زمینه پیشـرفت های شـگرفی پیدا کرده اند و ارمغان های بزرگی برای بشریت آورده اند، از جهان اتم ها و موجودات ذره بینی تا جهان کهکشان ها و سحابی ها را که میلیونها سال نوری با زمین فاصله

۱- الکافی، ج ۱، ص ۱۱؛ معانی الأخبار، ص ۲۴۰.

دارنـد در زیر سـیطره و نفوذ علمی خویش در آورده و به تاخت و تاز در عرصه ی فضای بیکران جهان مشـغول می باشـند. نیز در دانش طب پیشرفت های عظیمی کرده اند؛ ولی متاسفانه عقل و خرد آن ها رشد نکرده و شکوفا نشده و از قوه به فعلیت در نیامده است؛ اگر عقل بالا می آمد که گناه نمی کردند، ستم و تبعیض و فساد اخلاقی در آنجا رواج نداشت.

جایگاه عقل چنان رفیع است که در روایات در ردیف انبیاء و امامان علیهم السـلام قرار داده شـده و از او به عنوان حجت خـدا یاده شده است. امام کاظم علیه السـلام به هشام فرمود: «یَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حُجَّتَیْنِ حُجَّهً ظَاهِرَهً وَ حُجَّهً بَاطِنَهً فَأَمَّا الظَّاهِرَهُ فَالرُّسُـلُ وَ الْأَنْبِیَاءُ وَ الْأَئِمَّهُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَهُ فَالْعُقُول(۱)؛ خداونـد در میان مردم دو حجت دارد: یکی حجت ظاهری است که عبارت است از پیامبران و امامان علیهم السلام، دوم حجت باطنی و درونی که عقل است».

همـانطور که پیـامبران هرگز به گناه دعوت نمی کننـد عقل هم هرگز به گناه دعوت نمی کنـد، عقل جز به راستی و درستی و پاکی و حسن نیت دعوت ندارد، دنیای امروز عقل را کوبیده و هوش و دانش به حد اعلا رسـیده است، حاکم بر دنیای صنعت هوش است، اختراعات همه

۱- تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، ص۳۸۶.

مال هوش است، علم مربوط به هوش و استعداد است، آری؛ اگر در کنار این ها عامل باشند دانش و هوش را در مجرای صحیح انسانی به کار می گیرند.

□□□

سیره اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

براساس روایات، سیره اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، توسعه همه جانبه عدالت اقتصادی و رفاه اقتصادی از راه تولید و توزیع و نظارت دقیق است. بی نیازی جامعه به سبب تحقق عدالت و مساوات و عمران و آبادانی و فراوانی ثروت، از مشخصات سیره اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای سامان یابی وضعیت اقتصادی جامعه و بهبود شرایط معیشت و رفاه عمومی، توان جامعه را به سوی استفاده بهینه و حداکثری از مواهب طبیعت، سوق می دهد و با تکیه بر عنایات الاهی، اقدامات سازنده را در راستای دگرگونی اقتصادی جامعه عصر ظهور، به کار می گیرد و تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را محو و عوامل فقر و فلاکت اجتماعی را نابود می کند.

در سیره اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امر تولید سامان می یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره برداری می شود و ثروت به دست آمده بین همه طبقات به شکل عادلانه توزیع می گردد.

الف) فقر زدایی

در سیره اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفنه تنها فقر و فلاکت و نیازمندی، جایگاهی ندارد، بلکه اهداف بالاتری همچون استغنای روحی و کرامت اجتماعی جامعه را مد نظر دارد.

بر اساس روایات، در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر بی نیازی ظاهری که در اثر افزایش تولید و توزیع عادلانه ثروت، حاصل می شود، بشر از نظر روحی و باطنی نیز به بی نیازی می رسد و روحیه زیاده خواهی از او رخت بر می بندد؛ یعنی قبل از این که اقتصاد او رشد کند و توسعه یابد، ارزش های او عوض می شود و ریشه می یابد و برخورداری از دنیا نیز رنگ الاهی و ارزشی به خود می گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود:

اذَا خَرَجَ المَهدِی ألقَی اللهُ تَعَالَی الغِنَی فِی قُلُوبِ العِبَاد حَتّی یَقُول المَهدِی: مَنْ یُرِیدُ المَالَ؟ فَلَا یَأتِیهِ أحَدٌ إلّا وَاحِدٌ یَقُولُ: أنَا، فَیَقُولُ: أَحِث فَیُحثِی فَیَحمِلُ عَلَی ظَهرِهِ حَتّی إذَا أَتَی أَقْصَی النَّاسَ، قَالَ: ألَا أرَانِی شَرّ مِن هَاهُنَا، فَیَرجِعُ فَیَرُدّهُ إلَیهِ فَیَقُولُ: خُذْ مَالُکَ، لَا حَاجَةَ لِی فِیهِ؛(۱) زمانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خداوند بی نیازی را در قلوب بندگان می افکند، تا آن حدّ که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: چه کسی مال می خواهد؟ به جز یک تن کسی برای گرفتن مال نمی آید. او می گوید: من می خواهم. آن گاه حضرت به او می گوید: بردار. او هم مقداری مال برمی دارد و بر پشت خود حمل می کند و راه می افتد تا این که به آخر جمعیت می رسد، آن جا با خود می گوید من از همه این ها حریص تر بودم. پس

۱- ملاحم و فتن ابن طاووس، ص ۱۵۰.

باز می گردد و مال را به حضرت باز می گرداند و می گوید من نیازی به این مال ندارم.

در نظام اقتصادی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فقر زدایی و دادگری مالی، تا جایی پیش می رود که در سطح جامعه کسی به عنوان نیازمند یافت نمی شود! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِیِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف یُبْعَثُ فِی أُمَّتِی عَلَی اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً،یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْضِ،یَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً. فَقَالَ رَجُلٌ:مَا صِحَاحاً ؟قَالَ: بِالسَّوِیَّهِ بَیْنَ النَّاسِ وَ یَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله غِنًی وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّی یَأْمُرَ مُنَادِیاً یُنَادِی یَقُولُ: مَنْ لَهُ فِی الْمَالِ حَاجَهٌ؟ فَمَا یَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَیَقُولُ: أَنَا. فَیَقُولُ: ائْتِ السَّدَّانَ، یَعْنِی الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِیَّ یَأْمُرُکَ أَنْ تُعْطِیَنِی مَالًا؛ فَیَقُولُ لَهُ احْثُ حَتَّی إِذَا جَعَلَهُ فِی حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ، فَیَقُولُ: کُنْتُ أَجْشَعَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَفْساً أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَیَرُدُّهُ وَ لَا یَقْبَلُ مِنْهُ. فَیُقَالُ لَهُ: إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَیْئاً أَعْطَیْنَاهُ(۱)؛ شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده می دهم، او به هنگامی که مردم با هم نزاع و اختلاف دارند و اوضاع متزلزل است در امت من برانگیخته می شود و زمین را از قسط و عدل پر می کند، چنان که از ظلم و

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص۹۲.

جور پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند. او مال را به طور صحاح تقسیم می کند. مردی پرسید: صحاح چیست؟ حضرت فرمودند: مساوات بین مردم. خداوند دل های آن ها را بی نیاز می سازد و سایه عدلش بر سر همه گسترش می یابد تا آنجا که دستور دهد اعلان کنند کیست که به مال نیاز داشته باشد؟ و در آن میان فقط یک مرد برخاسته و می گوید: منم که نیازمند می باشم. اعلان کننده به وی می گوید: برو نزد خزینه دار و بگو مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور داده که به من مال دهی. خزینه دار پول بسیاری در دامن او ریخته و می گوید: بردار! ولی او از حملش عاجز می ماند و پشیمان می شود و می گوید: من از لحاظ نیروی بدنی بسیار قوی هستم و با این وصف از بردن این پولها ناتوان می باشم و آن را نمی پذیرد. ولی به او گفته می شود: چیزی را که ما به کسی دادیم پس نمی گیریم.

آنچه در شیوه مبارزه حضرت مهدی با فقر، بیش تر حائز اهمیت است، ایجاد روح بی نیازی و بلند طبعی در مردم است؛ زیرا چه بسیارند انسان های ثروتمندی که طبعی گرسنه و روحی آزمند دارند و چه بسا انسان هایی که در عین فقر، از طبعی بزرگ و روحی غنی برخوردارند. مردم در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از غنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می آید. چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِی بَرَکَاتِهَا فَلَا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْکُمْ یَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَی جَمِیعَ الْمُؤْمِنِینَ؛(۱)چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، در آن روز زمین گنج های خود را ظاهر سازد و همه برکات خویش را آشکار نماید به گونه ای که کسی از شما موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤ منان، بی نیاز و توانگر خواهند شد.

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَی الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ... وَ یَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْکُمْ مَنْ یَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ یَأْخُذُ مِنْ زَکَاتِهِ لَا یُوجَدُ أَحَدٌ یَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِکَ اسْتَغْنَی النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛(۲) زمانی که قائم ما ظهور کند، زمین با نور خدای روشن شود... و شخصی از شما به جستجوی فردی می گردد که مال زکات را بگیرد، ولی کسی را نمی‌یابد که آن را بپذیرد. در آن روزگار، مردمان همگی با فراوانی نعمت های الاهی، بی‌نیاز می گردند.

۱- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد،ج۲، ص۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲- الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۲، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

از این گونه روایات استفاده می شود که در عصر ظهور، اموال و دارایی ها بیش از نیازمندی های جامعه است؛ به گونه ای که اموال از موارد مصرف بیش تر می گردد. از این رو، دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها کسری بودجه ندارد، بلکه در آمد آن بر بودجه اش فزونی پیدا می کند، زیرا به شخص نیازمند به اندازه ای مال و ثروت داده می شود که توان بردن آن را نداشته باشد. بدیهی است که با فزونی ثروت و بهبود وضع اقتصادی، فقر و تهیدستی از جامعه بشری ریشه کن می شود و معیشت عمومی جامعه چنان بهبودمی یابد که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج می افتند.

ب) توزیع عادلانه اموال

از دیگر شاخصه های سیره اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مدیریت صحیح برای تولید و توزیع عادلانه امکانات و ثروت در میان عموم مردم است. از نظر اسلام، توزیع عادلانه ثروت و رعایت استحقاق مردم، مهمترین اصل در شیوه مدیریت اقتصادی شمرده می شود، زیرا تراکم و انباشت ثروت و امکانات در دست عدّه خاصّی و طبقه ویژه ای، منشأ اختلاف طبقاتی و بسیاری از مفاسد اقتصادی و مالی در جامعه می گردد.

در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ساماندهی امر تولید و توزیع، عدالت در همه جا حاکم می گردد و همه مردم از نعمت و فراوانی بهره مند می شوند. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَیْتِ قَسَمَ بِالسَّوِیَّهِ وَ

عَدَلَ فِی الرَّعِیَّه(۱)؛ وقتی قائم خاندان ما قیام کند(اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق به عدالت رفتار می کند».

اجرای این اصل در زمان حضرت علاوه بر این که بر اساس قوانین الاهی جاری می شود بر پایه مواسات و استحکام روحیه برادری انجام می پذیرد تا روح غنا و بی نیازی، در پرتو رأفت و همرنگی و مهرورزی اجتماعی، در میان مردم نهادینه شود و کسی به خاطر دارایی و اموال بر دیگری اظهار برتری و تفاخر ننمایند. در روایت آمده است: «وَ أُلْقِی الرَّأْفَهَ وَ الرَّحْمَهَ بَیْنَهُمْ فَیَتَوَاسَوْنَ وَ یَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِیَّهِ فَیَسْتَغْنِی الْفَقِیرُ وَ لَا یَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً؛(۲) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند، پس نسبت به یکدیگر مواسات می کنند و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و کسی برتر از دیگری(در مال) قرار نمی گیرد».

در حدیثی، رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تقسیم برابر اموال، این شیوه مساوات را، سبب نفوذ روح غنا و بی نیازی در قلوب مردم بیان فرموده است: «یَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِیَّهِ وَ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۵۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۸۵.

یَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَی فِی قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّه؛(۱)مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی‌نیازی قرار می دهد».

طبیعی است ره آورد اجرای عدالت و مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی دستی ریشه کن می شود و فاصله های طبقاتی از بین می رود.

ج) عمران و آبادانی

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق و مدیریت الاهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه زمین آباد و منابع عظیم و تمام نشدنی ثروت آن در اختیار حضرت قرار می گیرد تا سرمایه ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود. در آن زمان، همه نقاط زمین آباد و سرسبز و مالامال از محصول می شود و معادن زیرزمینی استخراج می شود و زمین روئیدنی هایش را می رویاند و آسمان قطرات بارانش را فرو می فرستد و از زمین و آسمان نعمت ریزش می کند و نقطه ای خالی از عمران نخواهد ماند.

تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، به رشد و توسعه امکانات طبیعی

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۷۴؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۴.

نیاز دارد و این مهم در حکومت مهـدوی در پناه عمران و آبادانی زمین محقّق خواهد شد، چنانکه امام باقر علیه السـلام فرمود: «تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ ... الْمُشْـرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِر(۱)؛ همه سـرزمین هـا برای او مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هموار شود... در هیچ جای جهان ویرانی باقی نماند مگر اینکه آن را آباد کند».

در پرتو حکومت عـدل مهـدوی، زمین آباد و منابع طبیعی و زیر زمینی مورد بهره برداری قرار می گیرد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود:

يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَـلَّ رَجُلًا مِنِّی وَ مِنْ عِتْرَتِی فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَـدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْراً وَ يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَاذَ كَبِـدِهَا(۲) وَ يَحْثُو الْمَالَ حَثْواً وَ لَا يَعُدُّهُ عَدًّا(۳)؛ خـدای عزوجل مردی از نسل و عترت من را ظاهر می کند که زمین را پر از عدل و داد می کنـد، چنـان‌که دیگران قبـل از او، آن را پر از ظلم و جور کرده انـد. در آن زمان، زمین، کبـد(منابع و برکات) خود را برای او بیرون

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۳۱؛ اعلام الهدی بأعلام الهدی، ص۴۶۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۹۱.

۲- «افلاـذ» جمع «فلـذ» به معنی قطعه و شـعبه است؛ «افلاذ کبـد» به اشـیاء گران بها اطلاق می شود که در این جا اشاره به منابع گران قیمت و پرارزش درون زمین است.

۳- الامالی، طوسی، ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج۲۸، ص۱۸.

می ریزد و او ثروت را بدون شمارش در میان مردم تقسیم می کند.

د) توسعه کشاورزی

کشاورزی و محصولات طبیعی، پایه و اساس اقتصاد بشری شمرده می شود. در عصر ظهور، صنعت کشت و بهره برداری بهینه از منابع کشاورزی، پیشرفت فوق العاده می کند به گونه ای که برداشت محصول چندین برابر می شود.

در زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دگرگونی شگفت انگیزی در کشاورزی پدید می آید و مواد غذایی در جامعه فراوان می گردد. از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که درباره رونق فوق العاده کشاورزی و فزونی محصولات در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

یَبْعَثُ الْمَهْدِیّ عجل الله تعالی فرجه الشریف اِلَی اُمَرائِهِ بِسَائِرِ الْاَمْصَار بِالْعَدْلِ بَیْنَ النَّاس... وَ یَذْهَبُ الشَّرَّ وَ یَبْقَی الْخَیرَ وَ یَزْرَعُ الْإِنسَانُ مُدًّا یَخرُجُ لَهُ سَبْعَمِائَهَ مُدٍّ؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمانداران خود در شهر های مختلف دستور می دهد که با مردم رفتار عادلانه داشته باشند... در آن روزگار،

۱- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۶۱؛ شرح احقاق الحق، ج۲۹، ص۴۴۱.

شر به کلی از بین می‌رود و خیر ماندگار می شود. مردم یک مُد می کارند و هفتصد مُد برداشت می کنند.

در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چشمه ها جاری و آب ها فروان می شود: «وَ تَزِیدُ المَیَاهُ فِی دَولَتِهِ وَ تَمُدُّ الاَنهَارُ وَ تُضْعِفُ الاَرضُ اَکلَهَا وَ تَستَخرِجُ الکُنُوز(۱)؛ در دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آب ها زیاد و نهرها امتداد می یابد و زمین خوردنی هایش را دو چندان ظاهر می کند و همه گنج های پنهان استخراج می شود».

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا(۲)؛ هر گاه قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو می ریزد و زمین گیاهانش را بیرون می آورد».

همچنین ابی سعید خدری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فراوانی نعمت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «یُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَیْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَیْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ(۳)؛(در زمان ظهور) باران های فراوانی از آسمان فرو می ریزد و زمین گیاهانش را بیرون می دهد».

۱- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۷۲.

۲- الخصال، ج۲، ص۶۲۶؛ تحف العقول، ص۱۱۵.

۳- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص۴۷۳؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص۹۷.

ه) استخراج معادن

خداونـد منّان، بسـیاری از ثروت هـا و مواد لازم برای زنـدگی انسان را در معادن و گنـج های نهفته در درون زمین قرار داده است. شـناسایی این معـادن و منـابع زیر زمینی و اسـتخراج و بهره برداری از آن برای دستیـابی به خود کفـایی و رفاه در سـطح جـامعه بشـری، امری ضـروری اسـت، ایـن معـادن و مـواد دیگری که برای بشـر امروزی شـناخته شـده نیست، در دوران ظهـور شناسایی و مورد بهره برداری قرار می گیرد.

در عصـر ظهور، معـادن و گنـج هـایی شـناخته و اکتشاف می شود که چهره زنـدگی ها را به کلی دگرگون می سازد. یکی از منابع تأمین این سـرمایه ها معادن است و باید از آنها کاملا استفاده شود. با توجه به بیکرانی و فراوانی منابع و معادن زیرزمینی؛ به ویژه نسبت به بخش های ناشـناخته آن، بهره برداری از این منبع عظیم، نقش اساسی در سامان دادن امور زندگی مردم دارد و روشن است که دولت مهدوی، با استفاده از این بخش از منابع، بخش هایی از زندگی جامعه را مدیریت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَ یُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ کُنُوزَ الْأَرْضِ وَ

مَعَادِنَهَا(۱)؛ خداوند برای اوحضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گنج ها و معادن نهفته در زمین را آشکار می سازد».

امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: «وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِیذَ کَبِدِهَا وَ تُلْقِی إِلَیْهِ سِلْماً مَقَالِیدَهَا فَیُرِیکُمْ کَیْفَ عَدْلُ السِّیرَه(۲)؛ زمین گنجینه های نهفته در اعماق خویش را برای وی برون اندازد، و کلیدهای خویش را از در آشتی تسلیم او سازد، پس روش عادلانه را به شما بنمایاند».

در دوران ظهور و تکامل علم و عقل انسان با هدایت و اشراف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیاری از منابع زیر زمینی که به دلیل محدودیت دانش بشر کنونی و آینده، نا شناخته بود، کشف و استخراج می شود و با شیوه ها و روشهای اصولی و درست برای رفاه جامعه آن روز به کار گرفته می شود. چنانکه امام کاظم علیه السلام از آشکار شدن تمامی منابع زمین در دوران ظهور خبر داده است: «تَظْهَرُ لَهُ کُنُوزُ الْأَرْض(۳)؛ برای او قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گنج های پنهان زمین آشکار می گردد»

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۹۴.

۲- نهج البلاغه، ص۱۹۶.

۳- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص۱۱۶۵.

و) اعطای مساوی اموال به مردم

سیره اقتصادی دولت مهدوی، در بخش مدیریت امور معیشتی مردم، اعطای اموال فراوان به همگان و تقسیم دارایی بین تمام افراد است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

... فَیَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِکَ مَهدِیّنَا التّاسِعُ مِن صُلبِ الحُسَینِ مَنْ یَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلَالَهِ وَ قلَاعُهَا، یَقُومُ بِالدِّینِ فِی آخِرِ الزَّمَانِ وَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً... أَرْحَمُهُمْ بِالرَّعِیَّهِ وَ أَعْدَلُهُمْ بِالسَّوِیَّهِ؛(۱) خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما که نهمین از نسل حسین علیه السلام است را می فرستد، کسی که دژهای گمراهی را باز می کند... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می کند.

ابو سعید خدری از پیامبر اکرم عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل کرده که فرمود:

أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِیِّ یُبْعَثُ فِی أُمَّتِی عَلَی اخْتِلَافٍ مِنِ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْضِ یَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَ مَا صِحَاحاً؟ قَالَ: السَّوِیَّهُ بَیْنَ النَّاس(۲)؛ شما را مژده به ظهور

۱- بحار الانوار، ج ۳۶، ص۳۰۷.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص ۴۷۱.

مهـدی می دهم که به هنگام انقلاب احوال مردم و اوضاع متزلزل، قیام کنـد و زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی خواهند بود. و علی السویه اموال را میان مردم قسمت کند.

عبد اللَّه مسعود می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیا إِلَّا لَیْلَهٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تِلْکَ اللَّیْلَهَ حَتَّی یَمْلِکَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی... یَمْلَؤُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ یَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِیَّهِ وَ یَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَی فِی قُلُوبِ هَـٰذِهِ الْأُمَّه(۱)؛ اگر از عمر دنیا جز یک شب نمانـد، خداوند آن شب را چندان دراز گرداند تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد... او زمین را پر از عدل و داد کند چونانکه پر از ظلم و جور شده باشـد و اموال را بالسویه میان مردم تقسیم کند و خداوند دل های امت مرا بی نیاز گرداند.

حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تنهـا فرمـانروایی است که بـا ایجاد رأفت و رحمت در قلوب پیروان خویش و توزیع مسـاوی اموال میـان آنـان، فقر را در سراسـر جهـان ریشه کن و روح بی نیـازی را در جامعه حکم فرما می کنـد: «وَأُلْقِیَ الرَّأْفَهَ وَالرَّحْمَهَ بَیْنَهُمْ فَیَتَوَاسَوْنَ وَیَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِیَّهِ

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

فَیَسْتَغْنِی الْفَقِیرُ وَلَایَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً؛(۱) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یک‌دیگر مواسات خواهند داشت و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی‌نیاز می شود و فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی بندد».

ز) فراوانی مال و نعمت

بر اساس روایات، به برکت مدیریت اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نعمت ها فراوان می شود و زندگی مادی مردمان عصر ظهور از نظر رفاهی ارتقا یافته و دگر گون می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره وُفور نعمت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «تَتَنَعَّمُ أُمَّتِی فِی زَمَنِ الْمَهْدِیِّ عجل الله تعالی فرجه الشریف نِعْمَهً لَمْ یَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ الْبِرُّ وَ الْفَاجِرُ(۲)؛ امّت من در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نعمت های بسیاری برخوردار خواهند شد، هم انسان های نیکو کار و هم افراد بدکردار».

در کلام دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان رفاه اجتماعی در زمان حکومت فرزندش امام مهدی صلی الله علیه و آله می فرماید: «یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ

۱- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۰۰.

۲- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج ۲، ص۴۷۳؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص۹۷.

یَفِیضُ الْمَالُ فَیْضاً؛(۱) او زمین را سرشار از عدل می کند و مال فراوانی به مردم می‌بخشد».

امام باقر علیه السلام درباره بذل و بخشش های فراوان و مستمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می فرماید:

وَ یُعْطِی النَّاسَ عَطَایَا مَرَّتَیْنِ فِی السَّنَهِ وَ یَرْزُقُهُمْ فِی الشَّهْرِ رِزْقَیْنِ وَ یُسَوِّی بَیْنَ النَّاسِ حَتَّی لَا تَرَی مُحْتَاجاً إِلَی الزَّکَاهِ وَ یَجِی ءُ أَصْحَابُ الزَّکَاهِ بِزَکَاتِهِمْ إِلَی الْمَحَاوِیجِ مِنْ شِیعَتِهِ فَلَا یَقْبَلُونَهَا فَیَصُرُّونَهَا وَ یَدُورُونَ فِی دُورِهِمْ فَیَخْرُجُونَ إِلَیْهِمْ فَیَقُولُونَ لَا حَاجَهَ لَنَا فِی دَرَاهِمِکُمْ... فَیُعْطِی عَطَاءً لَمْ یُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَه؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال، دوبار به مردم مال می... بخشد و در ماه دوبار وسائل معیشت به آنان می هد... تا جایی که نیازمندی به زکات باقی نمی‌ماند و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان می‌آورند و ایشان نمی‌پذیرند. پس آنان زکات خویش در کیسه هایی می‌نهند و [برای یافتن محتاجی] در اطراف خانه ها می گردند، امّا مردم بیرون می‌آیند و می گویند: «ما را به پول شما نیازی

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام، ج۲، ص۴۸۷؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۹۶.

۲- إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۲، ص۲۶۷؛ مجمع النورین، ص۳۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۹۰.

نیست... پس مهدی دست به بخشش گشاید، چنان‌که تا آن روز کسی آن‌چنان بخشش اموال نکرده باشد.

خلاصه آنکه: قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز تحوّل بزرگ جهانی است که اهداف بزرگی چون ریشه کن کردن ظلم و ستم و برقراری عدل و قسط و صلح و امنیت و شکوفائی مادی و معنوی را درپی دارد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در رأس این تحول عظیم جهانی قرار دارد و امنیت و رفاه اقتصادی به معنی تام کلمه را، به جامعه عصر ظهور هدیه می کند تا مردم در اوج شکوفائی علمی، اخلاقی و اقتصادی زندگی کند و برکات حکومت کریمه اش همگان را فرا می گیرد.

در عصر ظهور، در پرتو ولایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نعمت ها فزونی یافته و درهای رحمت و برکت از آسمان و زمین گشوده می گردد. در آن دوران، حکومت واحدی تشکیل می گردد و جامعه بشری از مواهب زندگی بهره برده و زمینه رشد و تعالی معنوی و فکری برای همگان فراهم می گردد. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استقرار حکومت عدل مهدوی در جهان، تمدن نوین اسلامی بر پایه آموزه های اصیل قرآن و سنّت شکل می گیرد و پیوند قرآن و عترت با محوریت آخرین منجی الاهی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق می یابد. در فضای عطرآگین دوران ظهور، همه انسانها بدون تبعیض از مواهب طبیعی بهره مند شده و جامعه بشری به شکوفایی فرهنگی، اخلاقی، تربیتی و تکامل عقلی خواهند رسید؛

به گونه ای که می توان عصر ظهور را، دوره شکوفایی مادی و بلوغ معنوی بشر نامید.(۱)

در پایان لازم به ذکر است که آنچه درباره سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره گردید، نسبت به آنچه خواهد شد و مسائل و طرح ها و برنامه هایی که در آن دوران سراسر عدل و داد و آگاهی و نظم و حق و حقوق و علم و فن و دانش و ایمان عرضه خواهد گشت، قطره ای است از دریا، و البته روشن است که آگاهی کامل از تمام آن مسائل که پس از ظهور رخ می دهد، در دوران پیش از ظهور برای هر کس در هر درجه از آگاهی که باشند بسی دشوار است. مهم شناخت برخی از این روش ها است که از رهنمودهای احادیث اهلبیت علیه السلام می توان دریافت.

والحمد لله

وصلی الله علی محمد وآله

۱- آخرین منجی، ص۳۰۳.

منابع

۱. قرآن کریم.

۱. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۲. ابن بابویه، علی بن حسین، الامامه والتبصره من الحیره، قم، مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۳. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، قم، جماعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول: ۱۴۰۷ ق.

۴. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.

۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.

۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تحقیق: سیدعلی عاشور، بی جا، بی تا.

۸. ---------، البرهان فی تفسیر القرآن، قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثه، قم، مؤسسه بعثه، چاپ اول: ۱۳۷۴ ش.

۹. برقی، احمد بن خالد، المحاسن، تصحیح و تعلیق: سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۷۰ ق/ ۱۳۳۰ ش.

۱۰. بروجردی، سید حسین طباطبائی، جامع أحادیث الشیعه، قم، المطبعه العلمیه، ۱۳۹۹ ق.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی، موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، نشر اسرأ، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.

۱۲. حائری یزدی، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقیق: سید علی عاشور، بی جا، بی تا.

۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۱۴. ---------، اثبات الهداه، قم، چاپخانه علمیه، بی تا.

۱۵. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۳ ش.

۱۶. حسینی، شرف‌الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول، ۱۴۰۷ق/۱۳۶۶ ش.

۱۷. حکیمی، محمد، عصر زندگی(چگونگی آینده انسان و اسلام)، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم: ۱۳۸۱ش.

۱۸. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ش/ ۱۹۵۰ م.

۱۹. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق/ ۱۳۷۰ ش.

۲۰. خزّاز، علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق: سید عبداللطیف حسینی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۲۳. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۲۴. سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات هادی، چاپ اول: ۱۴۰۵ ق.

۲۵. سلّمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قاهره، عالم الفکر، بی تا.

۲۶. سید بن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب و الطوائف، قم، الخیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.

۲۷. ---------، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۲۸. ---------، إقبال الأعمال،تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ دوم: ۱۴۰۹ ق.

۲۹. ---------، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، تحقیق و تصحیح: مؤسسه صاحب الأمر؛ اصفهان: گلبهار، قم، ناشر: مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف سال چاپ اول: ۱۴۱۶ ق.

۳۰. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق و شرح: الشیخ محمد عبده، قم، دار الذخائر، الطبعه الأولی: ۱۴۱۲-۱۳۷۰ ش.

۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق/ ۱۳۶۲ ش.

۳۲. ---------، علل الشرائع، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۶ م.

۳۳. ---------، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴ م.

۳۴. ---------، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش.

۳۵. ---------، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ ق/ ۱۳۳۸ ش.

۳۶. ---------، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم،

مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.

۳۷. ---------، أمالی الصدوق، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ: پنجم: ۱۴۰۰ ق.

۳۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الأختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، چاپ دوم:۱۴۱۴ق.

۳۹. -----------، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۴۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: شیخ عبادالله طهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۴۱. ---------، الأمالی(للشیخ الطوسی)، قم، دار الثقافه، چاپ اول: ۱۴۱۴ ق.

۴۲. ---------، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.

۴۳. ---------، مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ: اول: ۱۴۱۱ ق.

۴۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مؤسسه السیدهالمعصومه، ۱۴۲۱ق.

۴۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح: میرزاحسن کوچه باغی، نهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۲ ش.

۴۶. صمدی، قنبرعلی، آخرین منجی(شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، انتشارات بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲.

۴۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا.

۴۸. بروجردی، سید حسین طباطبائی، جامع أحادیث الشیعه، قم، المطبعه العلمیه، سال چاپ: ۱۳۹۹ ق.

۴۹. طبرسی، احمد بن علی، الاجتحاج، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م.

۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، الطبعه الاولی: ربیع الاول ۱۴۱۷ ق.

۵۱. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۵۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۵۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۵۴. فضل بن حسن، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف اشرف، مکتبه الحیدریه، چاپ دوم: ۱۳۸۵ ق.

۵۵. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق/ ۱۳۷۴ ش.

۵۶. قاضی نعمان، محمد، شرح الاخبار فی فضائل الأئمه الاطهار علیهم السلام، تحقیق: سیدمحمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۵۷. قرشی، باقر شریف، حیاه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام چاپ اول، ۱۴۱۷ ق/۱۹۹۶ م.

۵۸. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، تهران، نشر فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ش.

۵۹. قمی، علی بن إبراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی

جزائری، قم، دار الکتاب چاپ سوم: ۱۴۰۴ ق.

۶۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول: ۱۳۶۸ ش.

۶۱. قندوزی، سلیمان، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، دار الأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۶۲. کامل سلیمان، یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دارالکتاب اللبنانی، سال چاپ: ۱۴۰۲ ق.

۶۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الأمین و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول: ۱۴۱۸ ق.

۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

۶۵. کورانی عاملی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۶۶. مجلسی، محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سال چاپ دو: ۱۴۰۳ ق.

۶۷. مردنی، ابوالحسن، مجمع النورین و ملتقی البحرین، چاپ سنگی، بی تا، بی جا.

۶۸. مرعشی، سید شهاب الدین، شرح احقاق الحق و ازحاق الباطل، قم، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.

۶۹. مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر القیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۷۱. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، مؤسسه اسماعلیان، چاپ دوم: ۱۴۰۸ ه ق.

۷۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۷۳. نیلی نجفی، سید بهاء الدین، منتخب الانوار المضیئه، قم، مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام چاپ اول،۱۴۲۰ ق/ ۱۳۷۸ ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹